

د زندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

—ال اول شماره ۲۶ دوشنبه ۳ شهریور ۵۹—ناقصه ۳۵ رمال

«کمی نیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند-
کمی نیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند-
کمی نیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر
زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند»
(ولادimir لنین)

توده‌ها
را
بسج
کنیم!

دگماتیسیم و رویونیسیسم

دربِ خوددہ حاکمیت

د بالکيک تاريخ چنان است که پيروزی مـارـ
کيسيم در رسته شوری، دشمنان او را وادار ميکند که
به لباس مار کيسيت درآيند. "لنين، مقدرات
تاريخ، ۵۰

یک درد بزرگ جنبش کمونیستی ما دگما تیمم است. دگما تیمم چشم پوشی بروا قعیت و اتکاء به تئوری جا داست. دگما تیمم پذیرش عدم تغییر و تگما مل جهان و انعکاس آنها در ذهن انسان مییاد. این بیماری کما نی است که به ما رکبیم لنینیم بصورت مرده، همچون احکام بی روح و شریعت مینگرد. و حاضر نیستند بفهمند که تئوری

وضعیت

جنبش خلق کرد تا کتک کمونیستها

بررسی جنبش کنونی خلق کرد جدا از بررسی شرایط عمومی جنبش بوده‌ای در سرتاسر ایران نمی‌تواند تا کتیک صحیح کمو نیست سراسری ریزی نماید. آنچه به عنوان روند عمومی جنبش بوده‌ای می‌توان گفت برآ مدرو به پیش این جنبش است که در عرصه‌های مبارزات کارگران - دهقانان رزحمتکشان و روشنفکران خود را بنمایش گذاشته است. جنبش‌توده‌ای که همه اشکال اعتماد بخصم، گروگانگیری را در عرصه کارخانجات

نگاهی به ضمیمه پیکار ۶۲

۸ صفحه

نشریه فابریک

اینگ تدریجا ، تئوری انقلابی میرو دتا جا یگاه والاوشا بسته خویش را در جنبش کمونیستی میهنمان باز یابد . پراتیک های کور ، یکی پس از دیگری به بین بست می رسند و نقشوا همیت و ضرورت " تئوری " روز بروز بیشکل باز تری درک میگردد . جنبش کمونیستی جوان کبه لحاظ خیا - منت سران حزب توده واپورتونیزم نفرت انگیز آنان ، از یک سوا - ست های کمونیستی محروم بوده و ناچار بود همه چیز را از نو شروع کند و اواسوی دیگر ضربات سنگینی خفقان و اختناق فوق العاده آریا مهری آن را از تداوم و رشد و تکامل باز میداشت ، اینک پس از قیام شکوهمند خلق فرصت یافته است تا بخود آید و با پنجه در انداختن دلاوران و نه با مشکلات تئوریک و عملی موجود راه پرافتخار خویش را از درون سنگلغام موجود به پیش برد .

نعمد ، صفحه ۱۷

بقیه در صفحه ۱۲

ضمیمه سیاسی خبری 'رومنگلان' ارگان سازمان رومنگلان آزادی طبقه کارگر
دوشنبه ۲ شهریور ۱۳۲۹ نهمه ۲۰ رال شماره ۳

لیک و زمندگان

شوراهای کاری
و
نفسود ویژه

به دنبال اعلام قانون ضد کارگری
فوسودویزه، مبارزات کارگران
در اشکال مختلف در کارخانات شمشیر
شد. در این میان عملکرد کارکنان و آنها
بهای کارگری در ابتدا خواست
رگران معنی سرافرازون فوسودویزه
شد.

اعتصاب کارگران لهستان؛
سوسیالسم دروغین رونو-
ر نیستند را بهراملا میکند!

۱۱۱

اعتماد با کارگری سخت همی از
اکسپانسیون بعضی اطمینان را افزایش
دهنده است. این اعتمادات که از اوایل
داد آغاز شده است، باید تا کارگران
خیلی بازی لنهین بپردازند تا یک بار علیه
کارگران برپا کرده و هر روز گشت
بشتری می یابند.

بعضی از خواستهای کارگران
چیز است:

پایه دوم: ۱۲

ضد انشلاب مغلوب
در تدارك

جنگ داخلی!
غیر مسلح کردن عناصر
توسط مزدوران و وابستگان
امپریا لیسما و فیل خاصو و
فسر و تشایی و تیمارنا و تشا
هی و فرما شده نیروی دریا بی

در صفحات دیگر میخوانید

مقاله نویسد و نیزه ایستاد ماند

تشیکیل کانون مستقل
معلمان کردستان
موج اعتراض های ضد فساد
در شرکت محلات

معاونان و همکاران
فدایان محلات:

● به نسبت سالگرد فاجعه
سینما رکس آبادان

چرا هراس دارد!
 ۲۸ مرداد علاوه بر داری افتخارات شهرونتگین
 دیگر، خاطره تلخ کودکی دهسوی سینما رگس را نیز
 زنده میکند. اینک در آستانه سومین سال این عا-
 ده فاجیع، حکومت جمهوری اسلامی، از یکسور سلسله
 فرهای تبلیغاتی از سوی سالروز جشن ایام عا-
 یین در صحنه ۸.

پنگ حتی از سوی مقامات
نظامی رژیم نیز خندیده
ست. فرمانده سپاه اراک
نقلاب اسلامی فیروزآباد نیز

در مصاحبه‌ای گفته است: «خوا
نشین جاسوس بشاير، ضرورتاً -
برو عبداللہ لشکاري پس از
فتاى اسناد جاسوسى نشان
مصمم گرفته اند که به رهبرى
عبدالاحد مفتي، جاسوس ديگر
مريکا، شبکه هوا نين بر سر
مسئله جنوب را مشکل ساخته و

مقابل دانشگاه
مدرس از جناب بکتابخانه‌های

نرو و جناب کورنه
 دوکومست خفلاهی
 حزب شایسته
 دست درویش
 مزدوران حکومت

اول مهرزدیک است!

هذه استاورط ربي والدين دانيش موران آنها را
 تنها معلم بكنمى و با ديوانع عظيم فرستد
 از تشابه با ميگند و هر كس كه انگ اگاهى و
 رى اسلامي داشته باشد اعراج است از بدو ن
 دانيش موران آنها حق دانستن در تنها دهان
 صيحت موران با بدعا لي از هر گونه تشابه
 افروزي !!

مفتوح و جنوب و جنوب غربی و جنوب
 شرقی ایران آنوب های میا
 خندان (گهیها ن ۲۲ مرداد ۵۹۵)
 به در صفحه

حکومت ازم اکنون
نیت انکار قرار دهد. در حال
و سرپرده حزب جمهوری است
آنندک مخالفتی با رژیم
و ما داران قصد میگیریم که
گروهی در میان ما ندارند*
گروهی با ما* از می و شاست

کارگران جهان متحد شوید!

بقیه از صفحه ۱۰

دگماتیسیم و ...

با بدو اقعیت عینی را توضیح دهد و در ما رکسیسم مقولات، انعکاس واقعیت عینی اند، نه عکس. حاضر نیستند بدیدیزند. اصول به شکل کلی وجود ندارد و تنها در واقعیت مشخص است که خود را متجلی میکنند. این ما، تغییردهندگان جهان هستیم که با بدیدریا بیم هر پدیده ای چگونه از اصول تبعیت میکنند. مشا جراهی که مدتهاست بر سر حاکمیت در جنبش کمونیستی و حتی در درون و بیرون آن شدت گرفته دقیقاً جلوه ای از این دگماتیسیم را دارد. دگما - تیسیم خطرناکی که نه تنها هر حاکمیتی را در جامعه سرمایه داری، متعلق به بورژوازی میداند، بلکه بلافاصله پس از آنکه معلوم گردید خرد بورژوازی در حاکمیت است آنرا بنده و عبیدفوری و مستقیم بورژوازی مینامد و حاضر نیست بدیدر که "برای مدتی کوتاه" گذرا "بدون اینکه سرمایه داری بسته را بتواند از زمین ببرد" امکان حضور خمرده بورژوازی در حاکمیت وجود دارد. آنها به واقعیت عینی نیز پشت میکنند. نه به تاریخ اجتماع عینی بلوک حاکم توجه دارند و نه به آنکه چگونه ارگانهای بی از قبیل پاداران، کمیته ها، دادگاههای انقلاب و غیره دارای قدرت واقعی هستند. بجای بررسی سیاست طبقاتی و نشان دادن تضادهای آن با سیاست بورژوازی و برنامه های عمومی اش، خود را با کلیاتی از قبیل "تمییزاند در حاکمیت باشد"، از تحلیل مشخص میرها نند، والته نمیخواهند بدیدر که همه تئوری حاکمیت سیاسی در ما رکسیسم تنها به این زنده است که واقعیت عینی را بر مبنای اصول کلی و بنیادی تحلیل کند و اصول ما رکسیسم از آنجا که انعکاس واقعیت عینی اند، دیا لکتیک واقعیت را نیز با خود حمل میکنند.

اگر چنین دگماتیسمی پیوسته از تحلیل واقعیات جلومیکرد، و انسان را به کلی با فو ر با پرداز مبدل میکند یعنی به کسی که به جای واقعیت موجود عالم ذهنی خود را میشناسد، نوعی از دگماتیسیم، هم به پراگماتیسیم و ریزوینیسیم منتهی میشود. بدین گونه که در میان آنبوه واقعیتها به یک مفسر ما دها دقیق و اقتر واقع نگاری که در هر واقعیت تنها خود آن واقع و واقعیت را می بیند بدل خواهیم شد. ما از قانونمندی های پدیده دور خواهیم گشت و در عالم پراگماتیسیم غلیظ خود همه ما رکسیسم - لنینیسیم را، بی اصولی از آن را لگد مال خواهیم کرد، نمونه چنین برخورد است که ما آنچنان در روزگیهای روحانیت حاکم غرق گردیم که موقعیت طبقات، گراشات طبقاتی و خلاصه هر گونه موقعیت تاریخی را از آن سلب کنیم و آنها را صرفاً به شکل روحانی ببینیم.

اگر بخصوص در مورد ترکیب حاکمیت بسیاری نیروهای م. ل. به دگماتیسیم گشاییده شده اند، و قار در به تبیین صحیح ترکیب حاکمیت وجود خرد بورژوازی مرفه سنتی در حاکمیت نیستند، در مورد (س. ج.) اکثریت قضیه بر سر ما هیت این هیات ها - کمه، یعنی بلوک سیاسی حاکم است. (س. ج.) میگوید:

"ما رکسیستها پیوسته تکرار کرد که ارانه سخنان مارکس، لنین و دیگرینانگزاران م. ل. را مردود دانسته و بیش از همه ناشی از شک مغزی و بی خردی دانسته اند و همواره در مقامیسه وضعیت کشورهای مختلف با یکدیگر به این توجه داشته اند که "آیا دوره های تاریخی تکامل کشورهای مورد مقایسه قابل مقایسه است یا خیر؟" لنین حتی در درون یک کشور نیز مراجل گوناگون و متفاوت را در نظر داشت. حالات متفاوت هر طبقه و رابطه متغیر آن طبقه با طبقات دیگر و امر انقلاب را نشان میداد. وظایف پرولتاریا را در قبال آن مشخص مینمود. نه اینکه با آنکا - به حالات اساسی و سیاسی هر طبقه کار خود را با آن یافته تلقی کند."

"کار سراسری ۷۰ ص ۹" تاکید از ما ست.

دارد حذف کنیم، بخشی مهم از حقیقت در آن است. آری این حقیقتی است که بعد از قیام ارگانهای قدرت جدیدی بوجود آمد. اما اگر منظور نویسنده از "دل قیام" همان دل توده ها یعنی ارگانهای توده ای حاکمیت است با بدگفت که این انحرافی آشکار از درک حاکمیت توده ای است. "دل قیام" در اینجا بسیار مبهم بکار گرفته شده، و اگر ما به خود واقعیت رجوع کنیم می بینیم که بسیاری نهادها از "دل قیام" یا از بین مردم در طی جنبش انقلابی بوجود آمده اند از قبیل کمیته ها که بلافاصله پس از قیام یا نا بودند و یا در خدمت طبقه حاکم قرار گرفتند و یا اینکه تدریجاً مضمحل شدند. آنچه که (کار ۷۰) نام میبرد چیزی جز ارگانهای حکومت و نه ارگانهای توده ای قیام نیست.

*** حکم خرد بورژوازی در انقلاب دگماتیک پیوسته انقلابی است و تمامی اقتضای آن نیروی انقلاب محسوب می گردند. هم مورد استفاده دگماتیسما قرار می گیرد، هم مورد استفاده ریزوینیسما. اتفاقاً متد ولوزی آنها یکی است اولی می گوید: چون حاکمیت کمونی ضد انقلابی است پس خرد بورژوازی در آن حضور ندارد. دومی می گوید: چون خرد بورژوازی در حاکمیت حضور دارد پس حاکمیت انقلابی است، خلقی است و یا بعضاً چنین است.**

(س. ج.) اکثریت ادا ما میدهد: "ما رکسیست ها برای اثبات دعوی نظری خویش به جای ترویج آشفته فکری پیرامون وضعیت جریان های حاکم به مشخص کردن موضع هر یک از جریانها بطور کامل دقیق و مسئولانه و از آن مهم تر سمت تحول کوتاه مدت و دراز مدت تعادل قوای آن جریانها میپردازند." (همانجا - ص ۱۲) این تاکید مداوم بر روی تحلیل مشخص ما را و امیدار که واقعاً بطور جدی دنبال این تحلیل مشخص هم جا نبه (یعنی جواب دهنده به مسائل اساسی) در کار سراسری (۷۰) یگردیم. "کار" اعتقاد دارد که قدرت خرد بورژوازی حاکم موری نیست. این قدرت واقعی است. و قبول دارد که ارتش و بوروکراسی و... محل قدرت بورژوازی واری هستند. "کار" قبول دارد که خرد بورژوازی حاکم برخلاف نظراتی که میگویند "گروگان بورژوازی است" و یا "در حاکمیت به بورژوازی تبدیل شده است" چنین نیست و لا اقل تا مدت کوتاه دیگری نیز چنین نخواهد بود. هم مونی در حاکمیت سیاسی نیز بطور نسبی تاکنون با همین خرد بورژوازی بوده است. و حتی از لحاظ کلی درک روشنی از تضادهای نسبی خرد بورژوازی حاکم با امپریالیسم سرمایه انحصاری میدهد و به ما ده لوحی کسانی که گمان میکنند خرد بورژوازی مرفه سنتی گویا وظیفه نابودی سرمایه داری و بسته را بطور تارخی بر عهده دارد برخورد کرده میگوید:

"هر آینه مناسبات سرمایه داری با برجا باشد و سرمایه سیرش را طی کند، درست بر سر همین روند سرمایه، وابستگی به امپریالیسم نیز - ترمیم و بازسازی میگرد و این امری گریزناپذیر است. به اعتقاد ما تنها زمانی که روابط سرمایه داری از هم گسیخته میشود، زمینه بازسازی و احیای وابستگی نیز از بین میرود و فقط حکومتی که هم مونی آن با پرولتاریاست، میتواند با از میان برداشتن مناسبات سرمایه داری زمینه ترمیم

این حرف صحیح است و واقعاً پای بند بودن به آن برای هر م. ل. ضروری بلکه حیاتی است. اما آیا خود (س. ج.) در تحلیل خویش این کار را میکند؟ آیا بطور مشخص بر روی آنچه که ترا با کلیات و بسطها ما هرا نه پشت گوش میاندازد، یعنی ما هیت هیات حاکمه، انگشت میگذارد؟ مقاله کار سراسری (۷۰) نظری بر پیشداوری های منشعبین بخوبی بر روی ترکیب هیات حاکمه و حتی شیوه برخورد به آن متمرکز است. مقاله توانسته است عمق دید ریزوینیسیتی ناشی از دگماتیسیم مربوط به خرد بورژوازی در حاکمیت را تا حدی نشان دهد. حتی مقاله در پیچیدگی های تحلیل ترکیب به خوبی جلورفته است. (علی رغم خطاهایی از قبیل اعتقاد به آنتاگونسیم در میان اقتضای بورژوازی) اما درست در همان جایی که با بدیدر قدم دیگر برداشت، از حرکت می ایستد. شما میخواستید تحلیل کنید. میخواستید راجع به مسئله اساسی یعنی قدرت حاکمه و ما هیت آن سخن بگوئید و قعودا رید بلشویکی برخورد کنید پس چگونه است که مسئله ما هیت و نه ترکیب هیات حاکمه را درست در همانجا که با بدیدر آن جواب داد می بین میگذارید؟

کار سراسری ۷۰ مینویسد که هر کس "به جای تحلیل مشخص از شرایط مشخص برقرینه سازی های تاریخی تکیه میکند" در واقع "روح زنده و انقلابی ما رکسیسم لنینیسیم را نابود میکند." اما خود کار سراسری (۷۰) چه کرده است؟ بیاییم نگاه های کوتاه به مسئله بیفکنیم.

طرح یک مسئله در مقابل دگماتیسیم

"ستون فقرات قدرت دولتی (قدرت حکومتی) در یکسالونیم اخیر نهادهای بوده اند که از دل قیام جوشیده اند. مثل سپاه پاداران، کمیته ها، دادگاههای انقلاب و..." (همانجا - ص ۱۲) اگر ما لفظ آشکاری را که در این عبارات وجود

وبازسازی وابستگی را بطور قطعی از میان براندازد. خرده بورژوازی توان آن را دارد که به این وابستگی ضربه جدی وارد آورد...

زوازی... وابستگی به امپریالیسم از توتالیسم وبازسازی میشود. (همانجا - ص ۱۲) تاکید از ماست. بنظر میرسد که "س.ج." اکثریت با ارائه مسائل مربوط به واقعیت بسیار صحیح ما را به سرمشقل حقیقت خواهد رساند. اما رفقا اندکی دقت کنید. (کار ۷۰) به دگما تیسیم برخورد میکنند. به سادگی انگاری ما را کسیم و به اینکه خرده بورژوازی نمی تواند در حاکمیت باشد... اما آیا هر برخوردی به دگما تیسیم از موضع م.ل است؟ (س.ج.) اکثریت از این واقعیات نتیجه و تا کتی صحیح اخذ میکنند؟

اپورتونیسم چپ، اپورتونیسم راست

ما همه آنچهار تا کتون از اکثریت نقل کردیم صحیح میدانیم. و همانطور که هر خواننده نشیبه ما میدانم دقیقاً در همین موارد و در فضا از چنین ترکیبی از هیئت حاکمه و چنین خصوصیتی در مورد خرده بورژوازی حاکم نقد و تحلیل داشته ایم. ما نیز به دگما تیسیم بشدت تعرض کرده ایم. اما تعرض داریم تا تعرض اوقتی (س.ج.) به دگما تیسیم موجود حمله میکنند، واقعاً تحلیل خود را برای روشن کردن مسئله تا آخر به پیش نمیبرد. آنها به اپورتونیسم راستی اشاره میکنند که میگوید: اگر خرده بورژوازی در حاکمیت باشد یا بدست ما داری وابسته را از بین ببرد و میگویند این انتظار از خرده بورژوازی همان انتظار "حزب توده" است. و بلافاصله میفرمایند: اپورتونیسم چپ (یعنی ایفا کسانیکه همین عقیده را دارند و معتقدند خرده بورژوازی در حاکمیت نیست!) نیز به همین نتیجه میرسد. حکایت مشهور و روی سکه. شاید تا اینجا هم هنوز جای اعتراض نباشد اما ببینید چه کسانی را اپورتونیست چپ اتسلا ق میکنند:

"اینکه در نهایت جریانی خرده بورژوایی قادر به انجام تمام وظایف انقلاب دمکراتیک نیستند، همواره وسیله ای شده است در دست اپورتونیسم چپ برای انکار توانایی های سیاسی خرده بورژوازی و قرار دادن آن در صف "مداخله" و "غدا انقلاب". همانجا س.ج. تاکید از ماست. درست از همین جا است که خود (س.ج.) به کلی با فی میپردازد. بجای تحلیل مشخص از شرایط مشخص "تنها به همین اکتفا شده است که گویا دیگران به صرف اینکه خرده بورژوازی قادر به انجام تمام وظایف انقلاب دمکراتیک نیست، آنرا "غدا انقلابی" و "مداخله" ارزیابی میکنند. (س.ج.) اکثریت در اینجا دقیقاً برای فرار از دگما تیسیم به کلی با فی اپورتونیستی راست دچار میشود. زیرا بدون هیچ دلیل، بدون اینکه هیچگونه مدرک و شاهدی بر انقلابی بودن یا خلقی بودن جناحی از هیئت حاکمه ارائه دهند، گمانی را که خرده بورژوازی حاکم را غدا انقلابی یا مداخله فقط با یک مارک "اپورتونیست چپ" ارزیابی

میکند. چرا؟... حقیقت امر این است که کار ۷۰ تنها نشان میدهد ترکیب هیئت حاکمه چیست و تا اینجا به واقعیت مشخص اکتفا دارد. پس از آن ناگهان همه واقعیت را به کناره میزنند و دوباره میگویند: ای وای هرکس بگوید خرده بورژوازی حاکم مداخله یا غدا انقلابی است اپورتونیست چپ است. اگر "س.ج." در برخورد به دگما تیسیم در مورد ترکیب هیئت حاکمه موفق میشود به خوبی نشان دهد حقیقت چیست، لکن در برخورد به ما هیئت حاکمه به ویژه ما هیئت جناح خرده بورژوایی آن با کلیات، سکوت و خلاصه با ترک واقعیت شخص حرکت میکند. "س.ج." دقیقاً در مقابل "مداخله" دگما تیسیتی تنها آن درجه به مداخله مداخله تحلیل مشخص متوسل میشود که میخواهد نشان دهد ترکیب هیئت حاکمه بورژوازی و خرده بورژوازی است. پس از این هیچ.

کمیت کنونی را از لحاظ ما هیئت آن و ما هیئت خرده بورژوازی حاکم در قبال جنبش انقلابی مطالبه کنیم. حکم "خرده بورژوازی در انقلاب دمکراتیک پیوسته انقلابی است، و شما می افشار آن نیز پیوسته انقلاب محسوب میگردند" هم مورد استفاده دگما تیسیتها قرار میگیرد. هم مورد استفاده رویزیونیستها. اتفاقاً مداخله مداخله است. اولی میگوید: چون حاکمیت کنونی غدا انقلابی است پس خرده بورژوازی در آن حضور ندارد. دومی میگوید: چون خرده بورژوازی در حاکمیت حضور دارد پس حاکمیت انقلابی است، خلقی است و یا بعضاً چنین است. در این مورد مداخله و واحد است. اگر با راهای نیروها به صرف استدلالهای کلی، خرده بورژوازی نمیتواند در حاکمیت باشد و از این قبیل و یا اینکه خرده بورژوازی نیروی خلقی است میگویند نمیتواند در حاکمیت باشد. (س.ج.) اکثریت از همین استدلال به اینگونه بهره میبرد که خرده بورژوازی میتواند

مارکسیسم لنینیسم به ما می آموزد که طبقات و اقشار و بخشهای متفاوت آنرا آنطور که هستند، آنطور که واقعاً هستند بررسی کنیم، بررسی ما، بررسی واقعیت نشان می دهد که خرده بورژوازی حاکم، خرده بورژوازی انقلابی و دمکراتیک نیست، نیروی ضد انقلاب یعنی ضد کارگران و توده های دهقان و زحمتکش شهری است.

خرده بورژوازی حاکم

سوال ما این است: این خرده بورژوازی که در حاکمیت است چه موضعی در قبال انقلاب دارد؟ این خرده بورژوازی چگونه با مبارزه توده بر علیه "سرما به داری و وابسته به امپریالیسم روبرو میگردد؟ این ارگانهای خرده بورژوایی اعم از پاداران، کمیته ها، دادگاههای انقلاب و غیره چه میکنند؟ مارکسیسم لنینیسم این نیست که ما تحلیل مشخص خود را بر روی ترکیب هیئت حاکمه متمرکز کنیم. چه ما بورژوازی نیز این کار را انجام دهد. آنچه که در تحلیل مارکسیستی مهم است نشان دادن این امر به تنهایی نیست. قدرت سیاسی درست کیست؟ ما باید بلافاصله پس از این و بهر امر این امر بپرسیم: این قدرت سیاسی علیه چه کسانی اعمال میشود؟ وقتی سرما معلوم میگردد قدرت سیاسی را چه کسی درست دارد یا بدینینجه این قدرت چه چیزی را حفظ میکند و چه کسی را سرکوب میکند؟

شما میگویند جناح خرده بورژوایی در حکومت وجود دارد. شما میگویند این جناح با سرما به انحصاری تفادهای دارد. اما به اقرار خود شما به این وابستگی، تنها میتوان ضربه ای بزنید. شما میگویند اختلافات درون حکومت بر سر قدرت، و هر چیز دیگر جنبه اختلاف میان بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم دارد، و در این بلوک سیاسی خرده بورژوازی مرفه سستی هژمونی دارد. اما فراموش میکنید یک چیز را بگوئید: این بلوک و این جناح قدرت خود را علیه چه کسانی اعمال میکنند؟ و یا کسانی که تا حد درگیری قهرآمیز با حکومت رسیدند و اندکی انقلاب هستند یا غدا انقلاب؟

معیار "س.ج." اکثریت برای ورود به چنین موضوعی چیست؟ دقیقاً همان معیارهای کلی گویی! بشا به نظر (س.ج.) ضرورت ندارد که ما حاکم

تدر حاکمیت باشد و در این حالت پیوسته نیروی انقلابی و خلقی است؟ در حالیکه معیار اساسی ما نه اینگونه کلیات بلکه بررسی واقعی وضعیت خرده بورژوازی است. مقابل آن با انقلاب و نقش آن در مبارزه طبقاتی است. باید دید آنها از لحاظ تاریخی چه میکنند؟ دیدی که (س.ج.) دارد بر اساس مبارزه طبقاتی نیست. آنها علی رغم ادعاهای دیگر خود، از مداخله و امپریالیسم شروع میکنند و خلق را شامل طبقه خرده بورژوازی بطور کلی مینمایند و بعد بحث خود را ادامه میدهند. باید برای (س.ج.) مطرح نیست که در مبارزه عینیت طبقات چه میگردد. تفادهای درون جامعه چیست مداخله و اکثریت در مورد خرده بورژوازی همان مداخله و دگما تیسیتی از زاویه دیگر، حرکت می کند، یعنی از این زاویه که خرده بورژوازی با همه اقشار و بخشهای در انقلاب ایران با یکدیگر شته باشد، و بدین علت به رویزیونیسم، به چشم پوشی از مناسبات طبقات در مبارزه جاری کشانید میشود: هرکس با امپریالیسم تفادهای دارد، نیرویی خلقی است.

به همین علت "س.ج." نگران است که چرا بعضی ها از سخنان لنین پس از فوریه و قبل از اکتبر استفاده میکنند. صرف نظر از اینکه چنین شیوه ای از استدلال اگر با منطق ما باشد غلط است و مقایسه ای الگووار را بدشال خواهد داشت، اما یک نکته جالب در این انتقاد اکثریت "س.ج." وجود دارد و آن اینست که گویا جامعه ایران در دوران قبل از فوریه روسیه بر میبرد. هیچ اتفاقی نیفتاده، هیچ تنفیری در حاکمیت بوقوع نپیوسته هیچ گونه دگرگونی در مناسبات طبقات در مبارزه وجود دنیا مده است. بعبارت دیگر امپریالیسم را همان تزاریسیم میدانند، و خلق ایران را پیوسته در برابر آن بررسی میکنند. آیا بنظر "س.ج." ایراد

دگماتیسیم...

ان در دوران قبل از فوریه بر میبورد؟ ما نمیگویم و نمیخواهیم اینگونه استدلال کنیم که ایران در شرایط اکتبر میباید. اما آیا "س.ج." با اینگونه برخورد به ما نمیگوید: ایران در دوران قبل از فوریه قرار دارد؟ اینهاست آنچه "س.ج." بطور آشکارا پاسخ به آنها داده خالی میکند. و با حکم کلی خود را از شرایط راحت میسازد. در لحظه ای که ما سخن میگوئیم چه وضعی وجود دارد؟ توده های وسیع مردم، کارگران، دهقانان و زمینکشان ناگزیرند هر روز به درگیری

کنند، و بلشویکی تحلیل کنند با بدبروری این چیزها برده بیفکنند و ما هیت حکومت را در برده بهام و با انقلابیگری فروبرند: این چیزی جز منشیویسم در لباس بلشویسم نیست.

ما در اینجا به هیچ چیز استناد نمیکنیم مگر واقعیت. نه آثار لینن میان فوریه و اکتبر، نه آثار مارکس راجع به سوسیالیسم. حتی اگر بخواهید به خود شما، یعنی به "س.ج." در کار ۵۶ هم میتوانیم رجوع کنیم. این که کسی فقط بیا بدو فاصله فوریه و اکتبر را مبنای تحلیل ایران قرار دهد، سفاقت است. و انتساب این سفاقت به شیوه کلی با فاصله کار ۷۰ است که سخن لینن را با دانسان میاندازد: "نسبت دادن یک سفاقت عیان به مخالفین خود و سپس رد آن، شیوه افرادی است که چندان عقل

مونی نیز تا کنون با آن بوده، نقش فعالی در این سرکوب و کشتار داشته است. نه فقط بر علیه دستان و ردهای جدید ناشی از ادامه انقلاب که بر علیه دستاوردهای توده در قیام بهمن ماه نیز دست به تعرض زده و میزند.

اینست تصویر واقعی خرده بورژوازی حاکم: "... برای آنکه هستی خود را، بعنوان منصف متوسط، از زوال برهانند، با بورژوازی نبرد میکنند. پس آنها انقلابی نیستند بلکه محافظه کارند. حتی از این هم بالاتر، آنها مرتجعند، زیرا میکوشند تا چرخ تاریخ را به عقب بازگردانند."

ما نیفت حزب کمونیست - ترجمه فارسی ما انگلس و مارکس در همینجا بلافاصله تفاسوت میان این خرده بورژوازی را - که با بورژوازی نبرد میکند، با وابستگی و دقیقتر با امپریالیسم تفادهایی نسبی دارد. ... با خرده بورژوازی انقلابی توضیح میدهند و میگویند:

"اگر آنها انقلابی هم باشند تنها از این جهت است که در معرض این خطرند که به صفوف پرولتاریا رانده شوند، لذا از منافع آتی خود دفاع نمیکنند بلکه از مصالح آتی خویش مدافعه مینمایند، پس نظریات خویش را ترک میگویند تا نظریات پرولتاریا را بپذیرند" ما نیفت حزب کمونیست - همانجا

اینست موضع پرولتری در برخورد به خرده بورژوازی انقلابی و ارتجاعی، واپسگرا و آینه نگر، روبه پیش و روبه پس، مدافع هستی خویش، یعنی شروت های کوچک، و مبارزه جهت نفی این هستی! مارکس این کلمات را در ما نیفت میگوید، و "س.ج." عوام فریبانه و در لباس بلشویسم بروا - قعیت تاریخی، بر پیکر ضربت خرده انقلاب از این خرده بورژوازی، بر نظمی که این خرده بورژوازی ارتجاعی از آن دفاع میکند پدیده می افکنند مگر خود (س.ج.) در کار ۵۶ همین استدلال را نمیکند و

*** اگر چنین دگماتیسمی پیوسته از تحلیل واقعیات جلو میگیرد، و انسان را به کلی با فویرا پرداز بدل می کند، یعنی به کسی که به جای واقعیت موجود عالم ذهنی خود را می نشاندهی از دگماتیسم هم به پراگماتیسم و روز نویسی منتهی می شود. بدین گونه که در میان انبوه واقعیت ماه یک مفسر ساده یاد قیفر واقع نگاری که، در هر واقعیت تنها خود آن واقعیت و واقعیت را می بیند بدل خواهیم شد. ما از قانونند یهای پدید آورده و خواهیم گشت و در عالم پراگماتیسم غلیظ خود همه مارکسیسم لنینیسم را، با اصولی از آن را لگد مال خواهیم کرد.**

درستی ندارند." کا توتسکی مرتد آیا ما برای توضیح موقعیت خرده بورژوازی حاکم از لحاظ تکامل تاریخی به فاصله فوریه - اکتبر استناد کردیم. البته که چنین نیست. مارکسیسم لنینیسم به ما می آموزد که طبقات و اقشار و بخشهای متفاوت آن را آنطور که هستند، آنطور که واقعاً هستند بررسی کنیم و بررسی ما، بررسی واقعیت نشان میدهد که خرده بورژوازی حاکم، خرده بورژوازی انقلابی دمکرات که نیست هیچ، نیرویی ضد انقلاب یعنی ضد کارگران و توده های دهقانان و

بر سر سادگی ترین حقوق خود ببرد ازند، سود و بیژ، کنترل کارخانصق مسکن و... آزادیهای دمکراتیک، آزادی احزاب، آزادی مطبوعات، آزادی بیمایی (حتی بر علیه آمریکا!) و... همه و همه مسائلی هستند که توده ها را در برابر حکومت به صف آری می کشاند. کافست به کارنا صعه ع ما ه حکومت نظری بیفکنید:

- ۱ - انقلاب فرهنگی!
- ۲ - انقلاب اداری (که نه تنها طاغوتیان بلکه انقلابیون را هم در بر میگیرد)!
- ۳ - لشکر کشی به کردستان و ترکمن صحرا!
- ۴ - ایجاد نظم تک حزبی!
- ۵ - اعدام، دستگیری، شکنجه انقلابیون!
- ۶ - احیاء و استقرار قوانین ۱۳۱۰ (قانون سیاه رضا خان)!
- ۷ - ...

آیا مبارزه کارگران برای ملی کردن کردن... صنایع اقدامی انقلابی است یا نه؟ آیا دهقانان ترکمن صحرا و خلق کرده با طاسر خواسته های انقلابی خود مبارزه کرده اند یا نه؟ آیا...

همین ارتشی را که میگوئید با به کودتا میتواند اندیاشد، و همه نیروهای را که امروزه خود را تجدید سازمان میکنند (مدنی ها، تشقایی ها، ریگیاها و...) چه کسی تا کنون آزاد گذاشته بود؟

انسان با حافظه بیا دمیا و رده که مدنی سرکوب بگر خلق عرب و مشا و سرکوبگری در بندرانزلی کسی است که همه اقداماتش مورد تائید آیت الله خمینی قرار گرفت. خود شما بودید که در افشاه او بیشترین کارها را کردید و با طرد اید که هنگام حمله به کاندیدا توری رجوی، و از پشت تلویزیون راجع به آینه کشور تحت ریاست جمهوری خوش سخن میگفت. هر کس واقعاً میخواهد بلشویکی رفتار

*** شما می خواهید تحلیل کنید. می خواهید راجع به مسئله اساسی یعنی قدرت حاکمه و ماهیت آن سخن بگوئید و قصد دارید بلشویکی برخورد کنید. پس چگونه است که مسئله ماهیت و ترکیب هیات حاکمه را درست در همانجا که باید به آن جواب داد زمین می گذارید؟**

از قول لینن نمیگوید: "در قرن بیستم در یک کشور سرما به داری نمیتوان خود را دمکرات انقلابی نامید و ترسید که به سوی سوسیالیسم گام برداشته شود."

ما ادامه میدهم در قرن بیستم نمیتوان ضد کمونیست، ضد دمکرات، ضد توده ها و... بود، و ضد انقلابی نبود، آنهم در کشوری که سرما به داری نه تنها وجود دارد بلکه نظم جامعه است. قضیه به حد کافی روشن است.

ما نه با تحلیل "حالت نهایی" آنها که با تصویر "حالت کنونی" آنها این نتایج را گرفته ایم. و شما هرگز با هیچ کلی باقی بلشویکی نمیتوانید در پس ترکیب هیات حاکمه ما هیست جناحهای آنرا از لحاظ انقلاب و ضد انقلاب پنهان

زمینکش شهری است. زیرا اینها هستند نیروهای انقلاب ما! اینها هستند که انقلاب را به پیش میبرند و هیات حاکمه و ایفا جناح خرده بورژوازی دقیقاً بر علیه آنها حرکت میکنند.

از نقطه نظر پرولتاریا و انقلاب به مسئله بنگرید. لحظه ای دقت کنید، آنها هیچ نیروی "ضد امپریالیستی" مگر خود نمیباشند. بلکه از آنهم بدتر نیروی انقلابی را اعم از کمونیست یا دمکرات بطریقی ضد انقلابی محسوب میکنند و آنها را سرکوب مینمایند. خرده بورژوازی حاکم نه فقط بر ضد پرولتاریا که بر ضد نیروهای انقلابی دمکرات به وحشیانه ترین اقدامات دست میزند. این فقط بر علیه سوسیالیسم نیست که می جنگد بلکه بر علیه دمکراسی انقلابی یعنی بر علیه توده های انقلابی مبارزه میکند، و از قضا چون هژ-

و منشویکها) بیشتر عمل آید، همان قدر دشمنی
آشنا یا پذیر طبقات ستمکش و براس آنها پورلتا
ریا، نسبت به همه، جامعه بورژوازی، برای این
طبقات روشتنر خواهد شد. از اینجا است که همه
احزاب بورژوازی، حتی دمکراتیک ترین آنها، ...
تشدید تضیقات را علیه پورلتا ریای انقلابی
و تحکیم شدید تضیقات را که همان ماشین دولتی
با شدوری میسرند. "لنین، دولت و انقلاب ص ۲۷
خرده بورژوازی حاکم، بشیوه خود، آنگونه
که گفتیم بوروکراسی و کلاً ماشین دولتی را
تقسیم و تجدید تقسیم کرده است، و بعلمت وجود
شرایط مشخص ایران یعنی مسئله رنایه انحصاری
و تضیقات امپریالیسم، خرده بورژوازی حاکم تا
مقدمه درقبال بورژوازی مقاومت خواهد ورزید.

وضعیت جنبش...

و معادله زمینها و تحسن و اعتراضات را در عرصه روستاها و مقامات و اعتراض و راه پیمایی را در میان زحمتکشان شهری تجربه مینماید. میسرود تا کیفیت عالی تری در مبارزه را به تجربه در آورد. فروپاشی توهم توده ها نسبت به کل هیأت حاکمه و روحانیت حاکم و جایگزین شدن آگاهی انقلابی بستی است که در پهنه آن این تعرضات نکل عا- لیتیری بخود میگیرد.

اما در عرصه مبارزه طبقاتی و ملی خلق کرد هیأت حاکمه در شرایطی با مقاومت توده ای گستر- ده و همه جا نبه و مسلحانه خلق کرد و بیروست کسه در عین حال مجبور است با نارضایتی های درون ارتش سرکوبگر نیز از دوسوبه مقابل به برخورد. از یکسوی فرمانی و عدم تمکین سربازان، درجه داران و افسران از رفتن بکردستان و از سویی دیگر گرایش فدا انقلابی فزاینده ای که بین فرماندهان در مورد بختیاری و رودسته اش پدیدار شده است. و این امر علی رغم دوجنبه متضاد آن امکان بکارگیری این ماشین سرکوب را بطور همه جا نبه کم کرده است. مثلاً در تبریز از هر ۱۰۰۰ نفر سرباز ۵ نفر افسر و طلب رفتن بکردستان بوده اند و دولت مجبور به استخدام سرباز پیمانی شده است. و بیایا اینکه ارتش در اثنای آشوب آشکارا از بختیاری طرفداری میکند. این موضوع خطر استفاده وسیع از ارتش را بخوبی منعکس میسازد. اما در هر حال دوجنبه مورد ذکر موجب عزو ن توانی هیأت حاکمه در مقابل بله ب جنبش خلق بسیار خاسته گردگشته است.

خلق کرد بعد از قیام بهمن ماه در سه نوبت مورد هجوم قرار گرفته است. مشخصه روند عمومی جنبش خلق کرد از نوروز ۵۸ تا کنون بدینصورت بوده است که جنبش بتدریج از شکل همگانی خود خارج شده و صف بندی طبقاتی در آن شکل مشخص بخود میگیرد. و بموازات آن مرز میان نیروهای 'زحکار' و انقلابی روشنتر گشته است. و میتوان گفت جنبش از این باب بهر جهت دیکلتر گشته است. ما این روند عمومی را که بهر حال در مجموع ظرفیتها و توان زحمتکشان کرد را برای مقابله با رژیم افزایش داده در دو مؤلفه ترکیب طبقاتی شرکت کنندگان در جنبش مقاومت و پیادهای اجتماعی نیروهای سیاسی عمده کردستان میتوانیم نشان دهیم. در طول جنگ اخیر که سرکوب همه جا نبه تر رژیم را همراه با محاصره اقتصادی بهمراه داشت ما شاهد رشد گرایش تسلیم طلبانه و محافظه کارانه در بین اقشار مرفه روستایی و شهری هستیم که با تکیه بر گرایشات و توهمات عقب مانده برخی از زحمتکشان جریان توده ای سازشکارانه ای را در میان خلق کرد شکل میدهد. در این میان حزب توده (س.ج.) اکثریت و دمکراتها مشخصا بر روی این گرایشات و توهمات سوار شده و با جلب آیین نیروها صفوف خود را پر میکنند. یک انعکاس بسیار بارز این جریان حرکت ارتجاعی تحسین

بوکان بود که بدنیا ل تهدید رژیم دریا نه پس از گروگانگیری چند تن از سران جهاد سازندگی صورت گرفت. در این جریان حدود ۴۰۰ نفر از بازا- ریان و مرتجعین با نه و توده عقب مانده کا رگر- ان جهاد سازندگی برای تحت فشار قرار دادن کسب مدله به بوکان آمدند. جالبست که از زماندهی این تحسن را توده ای ها به عهده داشتند و مشوقان آنان چریکهای اکثریت بودند. و این امر که در مقابل این تحمن، جواب دندان شکن مردم زحمتکش بوکان این بوده است که: "زندانیان متعلق به خلق کرد هستند و کومله حق آزاد کردن آنها را ندارد" درخور توجه میباشد.

روند تدریجی طبقاتی را ما در افزایش مبارزات دهقانان فقیر و متوسط بر علیه مالکان و بورژوا- ازی کوچک روستایی بنیمیم. ایجاد اتحادیه- دهقانی مریوان دریا بر شهرها و مناطق کردستان عملا بدلیل همبستگی و تدریج و مقابله به شکست منجر گردید. تنها در منطقه مریوان به علت قسوی بودن فئودالها و زمین داران مرتجع و مسلح شدن آنها بر علیه کل دهقانان بود که این اتحادیه توانست شکل بگیرد. در سایر مناطق که این عامل در میان نبود، دهقانان همگی با هم یعنی بطور کامل نمیتوانستند متحد شوند. صف زحمتکشان

سطح آگاهی سوسیال دمکراتیک که عمیق- ترین تمایلات دمکراتیک توده را با آگاهی به ضرورت دگرگونی اساسی در کل روابط اجتماعی پیوند بزند، بسیار نازل است. کوم- نیستی از این لحاظ نیز کمترین کار را کرده اند این کمبود خود به مثابه عامل منفی در روند گسترش راینده جنبش توده ای عمل می نماید زمینه جنبش را برای رسوخ ایدئولوژیهای انحرافی گشوده میگذارد.

روستایی آشکارا از اقشار مرفه روستا جدا میشود و این صف بندی خود را برجسته، مشترک مبارزه ملی تحمیل میکرد و آنرا بشدت تحت تاثیر قرار میداد. مبارزات اخیر زحمتکشان "تکان تپه" بر علیه مالکان که طی آن عملاً و مستقیماً مقابل مواضع حزب دمکرات قرار گرفتند خود نشان دیگری از این صف بندی است.

بموازات افزایش تضادهای درونی از لحاظ طبقاتی، انعکاس سیاسی آن در تضادهای کومله و دمکراتها چشم گیر است. واقعاً سر دشت که حزب طی آن بدفاع از گروگانهای زمیندار کومله برخاسته بود (در تیر ماه ۵۹) و تهدید دمکراتها در مها- با د از این نمونه اند. اعلان سیاست های سازشکارانه دمکراتها منجر به افزایش نارضایتی در میان توده های هوادار این حزب گردیده و دمکراتها و "س.ج." (اکثریت) را از سه روستا اخراج کرده- اند. حزب دمکرات در مناطق تحت نفوذ خود شروع به اخذ مالیات بر مایحتاج عمومی و کتیرا کرده که این امر به افزایش نارضایتی زحمتکشان از آن منجر گردیده است.

برخورد سرد مردم مها با به اشغال غنی بلور- یان و افزایش نفوذ کومله خود به نگرانی دیک- لتر شدن جنبش مقاومت خلق کرد است. نفوذ کوم- له در سنج افزایش یافته و مردم سنج حتی پس از خراج شدن کومله و پیشمرگه ها نیز با وجود جواختنای و فاشیستی به حمایت از پیشمرگه ها ادامه میدهند. جالبست که بازاریان سنج نیز به حمایت از کومله پرداخته اند و به آن کمک مینمایند. افزایش نفوذ کومله در مها بسیار دو مناطق "برکور" و "مرگور" در مهاهای اخیر در حقیقت وارد شدن به جولانگاه بیلا منازع دمکراتهاست که کمتر با بقعه داشته است. کومله در این مناطق از چنان قدرتی برخوردار گشته که به عملیات اجرایی حکومتی از قبیل دستگیری فئودالها و عاملین بمب اندازی اقدام کرده است و در مقابل تهدید دمکراتها

ایستادگی کرده است. سیاست سازشکارانه حزب را در شمال، بورژوازی شهری و دهقانان مرفه و مالکین روستا پاس میدارند. در جنوب (سنج، مریوان، سقز) جنبش مقاومت بطور عمده بدوش کومله بوده و حزب دمکرات در عرصه عمل کمترین روهایی نظامی خود را برای دفاع از جنبش خلق بکار گرفته و "س.ج." اکثریت نیز در همه جبهه ها عقب دار بوده است. نتیجه ای که از این مساله میگیریم اینست که همین مقاومت را نیز زحمتکشان کرد و سازمان به پشتا زش کومله و سایر کمونیست ها بدینجا رسانیده و ارتش و پاسداران را با همه قدرتشان بگل نشاندند.

موازنه نیروها در شمال تا به حدی است که در شهرهای سردشت، اشنویه، مها باد، بوکان تا کنون عملاً آتش بس برقرار است و فعالیت سیاسی بطور آزاد انجام میشود. در حالیکه نیروهای نظامی و پاسدار اطراف شهرها کاملاً موضع گرفته اند و تنها اخیراً تهدید به اشغال مها با دو ورود به شهر کرده اند در شهرهای جنوبی هم ارتش پس از اشغال شهرهای سنج، سقز، مریوان، بانسه هر شب از طرف پیشمرگه ها مورد هجوم قرار میگیرند و پس از گذشت ۵ ماه از جنگ جرئت تعرض به روستاها را ندارند.

دو مؤلفه فوق الذکر در مجموع نشان دهنده را دیکالیزه شدن جنبش خلق کرد و افزایش پش پتانسیل آن است، که با توجه به ضعف عمومی دولت در کردستان که واقعیت های ذکر شده بخوبی آنرا نشان میدهد، شاهداً عتلا هر چه بیشتر جنبش خواهیم بود. برجستی که در پیشگاه خلق کرد سازشکاری به سرعت محکوم میگردد.

جبهه نبرد کردستان عرصه های خود را از شمال تا دره قطور و از جنوب تا اورامانات گسترش داده است و در این میان نیروهای فدا انقلاب منلو ب با استفاده از جوانان را بیتی موجود و ضعف دولت در منطقه به سازماندهی خود پرداخته و به خصوص در منطقه اورامانات و اطراف کرمانشاه، فصر

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی!

شیرین، کزنده و شاه آبا دغرب (اسلام شهر) به تعرض دست زده اند. در شمال نیروهای (سکوک علیار) و دارودسته (کره رش) و پسر قاضی محمد با کمک بعضی ها، حمایت دمکراتها را به سیج شده اند. اما در مجموع این نیروها عمده نیستند و کماکان در منطقۀ نیروهای ضد خلقی هیات حاکمه هستند که خطر عمده محسوب میشوند. عمده ترین دلیل تقویت چنین نیروهایی در منطقه همانا سرکوب خلق کرد است. زحمتکشان کرد را حتی میتوانند هرگونه حرکت ضد انقلاب مغلوب و عوام را بعضی را خفه کنند. لیکن این حکومت است که پیش از ضد انقلاب مغلوب به سرکوب خلق کرد پرداخته و هنوز هم با وجود تهدیدات ضد انقلاب مغلوب، خلق کرد را در واقع خطر اصلی بحساب می آورد.

از موازین نیروها در کردستان، ترکیب طبقاتی جنبش و نیروهای ضد انقلاب در منطقه که با زبانی نتایج اصلی بدین ترتیب بدست می آید:

۱ - موقعیت مشخص جنبش در کردستان علیرغم تضیقات رژیم، محاصره اقتصادی، سرکوب خونین و بازگاری دموکراتها و چریکها یک روند را دیکار لیزه شدن روبه گسترش را ترسیم میکنند و با لا رفتن آگاهی توده ها که عملکرد نیروهای کمونیستی در این میان نقش زیادی دارد به تعمیق این روند کمک می نماید. بازگاری بسرعت در میان توده ها محکوم میگردد و در مجموع توده ها خواستار اعمال حاکمیت بر سرنوشت خویش اند و نسبت به هیات حاکمه اعتماد و اعتقادشان را بکلی از دست داده اند. عا ملی که بعنوان جنبه منفی در این روند اثر میگذارد عملیات ضد انقلاب مغلوب و گسترش تبلیغات رادیوهای مزدور و وضع سا- زمانه کمونیستها برای تبلیغات سیاسی است که جو طرفداری از اختیار رویا رژیم سابق و آنلش- تا تیوهای لیبرالی را افزایش داده، و این جو- یا اگر چه هنوز در مجموع ضعیف است و ل- نمیتوان آنرا نادیده گرفت. یک پایه اساسی مبارزات کنونی خلق کرد خواستهای ملی آنست. خواستهای که در زیر فشار تاریخی ستم ملی و طبقاتی بر این خلق، فشرده و متراکم شده است. این خواستها در موقعیت حاضر و در رکنونی آگاهی و تجربه خلق کرد با زتاب خود را در این موارد یافته است:

۱ - نفی حاکمیت سرکوبگران کنونی که و ارث همان ستم ملی و طبقاتی است، نفی فئودالها و زمین داران که پایه های ستم و سرکوب هستند، تعدیل ثروت ها (به خصوص در میان دهقانان فقیر و متوسط و زحمتکشان شهری) خوا- ست های عمومی رفاهی که خلق کرد عمده تاً بدلیل همین ستم از آن محروم بوده است و...

برای توده های خلق کرد خود مختاری آن خوا- ست های است که تحقق آن میتواند اندر قاه اجتماعی آنرا تا مین نموده، به حیثیت ملی نیز احترام گذارده و حق او را در تعیین سرنوشت خویش بپذیرد. در همان حال سطح آگاهی سوسیال دمکراتیک که عمیق ترین تمایلات دمکراتیک توده را با آگاهی به ضرورت دگرگونی اساسی در کل روابط اجتماعی پیوند میزند، بسیار نازل است. کمونیست ها از این

لحاظ نیز کمترین کار را کرده اند. این کمبود خودیست به عامل منفی در روند گسترش یا بنده جنبش توده ای غم می نماید و زمینه جنبش را بر ای رسوخ ایدئولوژیهای انحرافی گشوده میگذارد.

۲ - معآرایی نیروها در کردستان: با توجه به آنچه گفته شد، دمکراتها هنوز به عنوان نیروی عمده مخالف در کردستان شمالی و بخشهایی از جنوب وجود دارد. انشعاب غنی بلوریان و دارو دسته ۷ نفری حرکت این حزب را اندکی را دیکار لیزه کرده است. برای حزب با ده نیست که مبارزات خلق کرد را به سازش بکشانند و ناچار است حدی با جنبش و لا اقل خاطر توجه به خواسته های پایه های اجتماعی خود که دهقانان مرفه و خرده بورژوازی مرفه شهری و... است همراهی کند. و حداقل خود را با شعارهای تاکتیکی در این فرجه از مبارزات خلق کرده همراهی نماید. کومه له به عنوان دومین سازمان سیاسی، که عمدتاً

وظیفه کمونیست ها در این مرحله سازمان دادن جنبش مقاومت خلق کرد (در تمام اشکال آن) بریدن آگاهی سوسیال دمکراتیک به بیان توده ها، جذب آنها به سازمان های کمونیستی و سازمان دادن شوراها و تشکل های توده ای هر جگانه امکانش باشد و اعمال کنترل و نظارت بر حیات سیاسی - اجتماعی توسط این شوراها و سیج مردم به دفاع از این ارگانه های توده ای است.

بر زحمتکشان کرد تکیه دارد، حرکتی سریع را شد با بنده را طی میکند، و علاوه بر نفوذ گسترش با بنده در مناطق سنتی خود مثل با نه، بوکان، سقز، سنندج، به گسترش نفوذ در شمال و جنوب پرداخته است و با طرح شعارهای قاطع توانسته به عمق بخشیدن و را دیکار لیزه کردن جنبش کمک موثر بنماید. نیروی نظامی و سیاسی کومه له در جنگ اخیر بر ز چشم گیری افزایش یافته بطوریکه علی رغم ضعف سازمانی و ایدئولوژیکی از چنان پایه وسیع اجتماعی در کردستان برخوردار است که در روندهای آتی کردستان نقش بسیار موثری بدو میبخشد.

س. ج. (اکثریت) با داشتن پایه نسبتاً زیاد در محدوده تنگ روشنفکران شهری سومین نیروی سیاسی است که توانسته در بین توده های اهالی پایه پیدا نماید و با سیاست سازشکارانه و مماشات جویندگان، این حداقل پایه ها را هم از دست میدهند. در جریان آتی کردستان اینها به پشت جبهه دمکراتها تبدیل میشوند و در رابطه با دمکراتها ست که بر روی چنان اثر خواهد گذاشت. همینطور در مورد سازمانهای م. ل. (غیر از کومه له) که با وجود گسترش کمی پروهاشان در کردستان مجموعاً هنوز نیروی مستقلی بشمار نمیروند، میتوانند وزن و جریان انقلابی جنبش خلق کرد یعنی کومه له را افزایش دهند. اما با توجه به ضعف سازمانی و ایدئولوژیکی کل جنبش کمونیستی در کردستان، کمونیستها باید جدأ به تشدید فعالیت خود در این زمینه ها بپردازند. از هم اکنون دمکراتها خطر نفوذ و حضور

سازمانهای م. ل. را در کردستان حس میکنند و خواستار خروج آنها هستند (آخرین خبر طبقه سلاج "رزم کارگران" در بوکان و اخطار به پیکار و رزمندگان مبنی بر طرح طمع در هیات نمایندگی از این جمله اند). فعالیت عمده سازمانهای م. ل. تبلیغ سیاسی و مبارزه ایدئولوژیک آنهاست که در جهت رسوخ آگاهی سوسیال دمکراتیک در میان زحمتکشان و منفرد کردن سازشکاران میتوانند موثر باشند. و این خود به رفع یکی از عمده ترین کمبودهای سیاسی مبارزه در کردستان کمک مینماید.

از نظر نظامی وضعیت دشمن بدین قرار است که ارتش در جنوب مواضع متصرف شده را حفظ کرده ولی در مقابل اعتراض توده ای و شیخون های مستمر پیشمرگه ها که ملا قدرت تعرض خود را از دست داده و برای پیشروی به روستاها را ندارد. در منطقه اورامانات و اطراف کرمانشاه حضور نیروهای نظامی ضد انقلاب مغلوب را متنفوذ و عمل حکومت را محدود کرده و خود این نیروها را به عامل ملی

خطر آفرین برای جنبش مقاومت تبدیل کرده است. در شمال آتش بس ضمنی تا کنون برقرار بوده و ارتش و پاسداران گسترش فعالیت نظامی نداشته اند چرا که این ساله جبهه های وسیعتری را میبگشاید که جبهه های قبلاً متصرف شده آن را نیز ضعیف خواهد کرد. اما بنظر میرسد که حکومت، علی رغم ضعف قدرت و پایه های توده ای اش، بهراکندگی و تشتت درونی جناحهای آن و نا فرمانی سربا- زان و... در صدد است، این جبهه جدید را از شمال بگشاید، و اینکار را پیش از فصل سرما آغاز کند. از سوی دیگر، یعنی در جبهه سیاسی حکومت سعی دارد با تکیه بر سازشکاران حزب دمکرات و "س. ج." (اکثریت) نیروهای انقلابی را در منطقه منفرد نماید.

با این وجود آمدن فصل سرما از قدرت مانور ارتش و پاسداران کم خواهد کرد و ما همای شهرپور و مهر در تعیین تاکتیکهای نهایی در این مورد از اهمیت زیادی برخوردارند. نیروهای انقلابی نسبت به ارتش و مواضع پاسداران موضع مقاومت فعال و تنها جمی گرفته اند و این خود روحیه توده اهالی را بالا برده است. مردم میگویند: "مهرماه پیشمرگه به شهرها وارد خواهد شد."

۳ - همانطور که قبلاً در مقالات مربوط به "جنگ و صلح" در کردستان مندرج در رزمندگان گفته شده است کسب پیروزی بلافاصله در کردستان امری است که مربوط به کل جنبش از سوسیالیستی و وضعیت نیروهای ضد انقلابی از دیگر سوس- در چنین متنی سیاست کومه له مبتنی بر اعلام آتش بس با شرایطی که میتوانند ملا در خدمت تحکیم صفوف و تجدید و تقویت قوا با شد در دست و پا نیل تا نید است. کومه له اجرای آتش بس را منوط به شرایط زیر نموده است:

۱ - بازگشت ارتش و پاسداران به مواضع قبلی

۲ - منع نقل و انتقالات نظامی

۳ - شکستن محاصره اقتصادی

همچنین مذاکره با دولت را از طریق هیات نمایندگی سابق نمی پذیرد و "س. ج." (اکثریت) بقیه در صفحه ۱۰

نگاهی به ضمیمه پیکار ۶۲

نکته دیگری که پیکار در برابر رزمندگان اظهار میکند آنست که رزمندگان نظر خود را بصراحت در مورد مرحله انقلاب مطرح نمی سازد، و در واقع دیدگاهش را در مورد انقلاب ایران که آنرا سوسیالیستی میدانند، پنهان داشته، و ابیضا از تمییدار پیکار مینویسد: "بر اساس نظرات رزمندگان ما با جامه بی سرمایه داری روبهرو هستیم، و بهمین خاطر مسئله انقلاب ایران "نابودی سیستم، نابودی سیستم، نابودی دی روابط غارتگرانه و استثمارگرانه طبقاتی" (بخوان روابط سرمایه داری) است و "طبقه بورژوازی باید نابود شود". بنا بر این رزمندگان برپایه این تئوری خود باید مرحله انقلاب ایران را سوسیالیستی بدانند. پیکار ۶۲

بنا بر نقل قول بالا یعنی بنا بر اظهار نظر پیکار، انقلاب ایران هدفش نابودی سیستم سرمایه داری وابسته، و نابودی طبقه بورژوازی نمیشد. و هرکس چنین هدفهایی برای انقلاب ایران قائل شود، موضعی چپ و شبه تروتسکیستی اتخاذ کرده است. واقعاً که مردم از این باغ بگری میرسد! اکنون گمان میگردیم که از نظر پیکار نیز هدف انقلاب ایران نابودی سیستم سرمایه داری وابسته است. اما حال می بینیم که پیکار اطلاعات در این هدف نیست، و تنها در فکر مبارزه دموکراتیک و ضد امپریالیستی است. اگر مسئله انقلاب ایران واقعاً با دوپاراگر - اف بصورتی که رفقا مطرح میکنند قابل حل بود، آنگاه این همه مشاجره و جویخت پیرامون چگونگی انقلاب در ایران بی معنی مینمود. نتیجه گرفتن از این امر که رزمندگان انقلاب را سوسیالیستی میدانند، بدون رجوع به تبیین ما از مبارزه و صف بندی طبقاتی، کسانی که قدرت را در دست دارند و اوضاع تاریخی جامعه، ما فقط میتوانیم گمراهی گشته بود.

ما میدانیم که کلیت بورژوازی یا دقیقتر، طبقه بورژوازی در ایران ضد انقلابی است و از سیستم منسوخ و روبه افحلال سرمایه داری وابسته دفاع میکند. طبقه مسلط اقتصاد ایران میباشد. و هم اکنون بورژوازی حاکم بطور تاریخی منافع کل آنرا نمایندگی میکند. این بورژوازی نه تنها بواسطه آنکه در سرمایه داری وابسته طبقه مسلط است و درباری وابسته یعنی بازاری که به هر طریق بنا به قانون نرخ متوسط سود حرکت میکند به حیات خود ادامه میدهد، بلکه در مبارزه طبقاتی جاری نیز بطور کامل ماهیت خود را بروز داده است. همه ما میدانیم که بورژوازی ملی در ایران وجود ندارد. و ساختمان سرمایه داری ایران منافع طبقه بورژوازی را با منافع سرمایه جهانی امپریالیستی منطبق ساخته است.

این طبقه نه تنها طبقه مسلط اقتصادی، و طبقه ای است که در حاکمیت سیاسی حضور دارد، و

بلکه متحد و یارگاه طبیعی امپریالیسم نیز میباشد.

هر انقلابی در ایران، اکنون در مقطعی از زمان تاریخی قرار گرفته است که اگر بخواهد، واقعاً انقلاب محسوب گردد با پذیرش و از سر نوگون سازد و بخشهایی از آنرا که در خارج از قدرت رت یعنی بصورت ضد انقلاب مطلوب عمل میکنند، نیز سرکوب کند. انقلاب در ایران، موظف است طبقه بورژوازی را سرنگون و سرکوب نماید و لی همین انقلاب به اعتراف برنامهم، حداقل پیکار و وظیفه دارد سرمایه های بزرگ

اگر پیکار اظهار میداشت که مبارزه طبقاتی تابع مبارزه ضد امپریالیستی است و نه برعکس خوب مسئله تمام بود، اما بعلت جوهر الحاق گری، پیکار در اینجا نیز بین دو ضدلی می نشیند، همچنانکه برای سرمایه داری و وابستگی هر دو یک مقام قائل است، و هر دو را بیک نحواً ملی و اساسی تلقی میکند برای مبارزه ضد امپریالیستی نیز نقش یکسانی قائل بوده و هر دو را بیک نحواً ملی و اساسی تلقی میکند.

و انحصاری را نیز مصادره کند و پروسه انقلاب و وظیفه در سرمایه های متوسط را نیز به مالکیت دولت انقلابی درآورد. وظیفه دارد از عملگر دقل نون نرخ متوسط سود جلوگیری، یعنی بر حرکت سرمایه غلبه کند، یعنی سرمایه وابسته را از یک شیوه مسلط تولیدی بصورت مطلوب درآورد و در یک کلمه سیستم سرمایه داری وابسته را نابود نماید، و طبقه بورژوازی را به مثابه یک طبقه مورد ضربات اساسی قرار دهد و از کلیت خویش خارج سازد. هیچکس نه تنها بفکر این نیست که پس از سرنگون کردن بورژوازی در ایران و مصادره بخش اعظم سرمایه های عمل کننده توسط دولت انقلابی، سازمانهای بورژوازی را آزاد بگذارد بلکه در اکثر برنامها و خط مشی های کمونیستها و حتی نیروهای مثل (س.ج. سرکوب) - یسن احزاب و سازمانهای بورژوازی در دستور قرار دارد.

آیا گمان میکنید بدین ترتیب میتوان از طبقه بورژوازی در جامعه آینده سخن گفت. آیا قبول ندارید که بورژوازی به مثابه یک طبقه در انقلاب ما مورد نابودی قرار خواهد گرفت. اگر چه مقدمات این عمل با کسب قدرت سیاسی یعنی سرنگون ساختن بورژوازی امکان پذیر است؟ آیا گمان نمیکند با سرنگونی بورژوازی و نابود شدن آن در کلیت خود، سیستم سرمایه داری نیز دیگر بعنوان سیستم حاکم در جامعه ما وجود نخواهد داشت و نابودی آن آغاز میگردد؟

ما گمان نمیگردیم که رفقای پیکار نابودی سرمایه داری وابسته، و نابودی بورژوازی به مثابه یک طبقه را (و نه نابودی فیزیکی افراد بورژوازی) و نابودی همه بخشهای آن در روز پس از انقلاب! بعنوان مائیلی که انقلاب ایران با آنها مواجه است، پذیرفته است و اینها اجزای برنامهم، حداقل آن هستند، اما بمنظور میرسد که با توجه به نقل قولی که گردیم چنین گمانی صحیح نبوده و برعکس پیکار به مائیلی

تمام، بدون توجه به شرایط مبارزه طبقاتی، بدون توجه به طبقه حاکم از لحاظ اقتصادی و سیاسی، بدون توجه به پیچیدگی انقلاب ما، آنچه را که ما به عنوان نتیجه تحلیل اوضاع طبقات موقعیت تاریخی ایران میگیریم، منتسب به تروتسکیسم و انقلاب سوسیالیستی میکند.

تروتسکیسم، جدا کردن پروتاریا از متحدین او در انقلاب است: آیا ما پروتاریا را از متحدینش جدا کرده ایم؟ و یا پیکار گمان میکند طبقه بورژوازی و وابستگی آن (که احتمالاً هنوز مرجع شده) متحد پروتاریا در انقلاب میباشد.

اگر پیکار اظهار میداشت که مبارزه طبقاتی تابع مبارزه ضد امپریالیستی است و نه برعکس خوب مسئله تمام بود، اما بعلت جوهر الحاق گری، پیکار در اینجا نیز بین دو ضدلی می نشیند، همچنانکه برای سرمایه داری و وابستگی هر دو یک مقام قائل است، و هر دو را بیک نحواً ملی و اساسی تلقی میکند برای مبارزه ضد امپریالیستی نیز نقش یکسانی قائل بوده و هر دو را بیک نحواً ملی و اساسی تلقی میکند.

آیا میتوان گفت که شرایط ایران همان شرایط نیمه مستعمره نیمه فئودال چین است؟ و یا اینکه مبارزه طبقاتی جاری در ایران را میتوان با دگی تمام از مبارز بر علیه امپریالیسم جدا نمود و گفت: هرکس "مبارزه ضد امپریالیستی را تا بجای از مبارزه طبقاتی تصور میکند چپ بوده" و "به مبارزه لطمه میزند".

نگرش رفقا به مبارزه طبقاتی بگونه ای است که گویا همانطور که وابستگی و سرمایه داری هر دو تضاد اساسی هستند، مبارزه بر علیه وابستگی، بر علیه امپریالیسم هم از مبارزه طبقاتی جدا است. حال آنکه همانطور که گفتیم مبارزه طبقاتی در ایران اتفاقاً مبارزه ضد امپریالیستی را نیز توضیح میدهد و گرنه بعنوان نمونه بورژوازی حاکم تا این حد اعتنا را ارتباط با آمریکا و آزادی گروگانها نبود!

اگر پیکار اظهار میداشت که مبارزه طبقاتی تابع مبارزه ضد امپریالیستی است و نه برعکس، خوب مسئله تمام بود، اما بعلت جوهر الحاق گری، پیکار در اینجا نیز بین دو ضدلی می نشیند، و همچنانکه برای سرمایه داری و وابستگی هر دو یک مقام قائل است، و هر دو را بیک نحواً ملی و اساسی تلقی میکند برای مبارزه طبقاتی و مبارزه ضد امپریالیستی نیز نقش یکسانی قائل بوده، و هر دو را بیک نحواً ملی و اساسی تلقی میکند.

اما گمان پیکار به همین نیز وفادار بود. زیرا در آن صورت با این نظر رزمندگان که نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و نابودی بورژوازی به مثابه یک طبقه راه هدف انقلاب قرار میدهد، به مخالفت بر نمی خاست، و انقلاب ایران را علاوه بر داشتن خطت دمکراتیک و ضد امپریالیستی، ضد سرمایه داری وابسته هم بحساب می آورد، و نابودی طبقه بورژوازی را نیز در دستور انقلاب قرار میداد، بهمانه "سرنگونی" و "نابودی" نیز نمیتواند موضوع را منتفی سازد، زیرا که پرواضح است که برای

بدون رهبری طبقه کارگر سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم نابود نمیشود

نا بودی سیستم سرمایه داری وابسته با پیدردرجه نخست قدرت سیاسی را بچنگ آورد، وطبقه حاکم کنونی را سرنگون ساخت. و پس راه نابودی سیستم طبقه حامی و ارگانیک آنرا همواره ساخت. نشست بین دو صندلی - با باید اعلام کرد که نا بودی سیستم سرمایه داری وابسته بدنبال سرنگونی قدرت طبقه حاکم هدف انقلاب ما هست، با که بصراحت اعلام داشت که انقلاب ما در این مرحله در پی نابودی سیستم سرمایه داری وابسته نمی باشد.

بنظر ما عمل اصلی که موجب گشته تا پیکار اظها نظرانی آنچنانی بنماید آنست که پیکار اعتقاد به وجود سرمایه غیر وابسته و بر این اساس، بورژوازی غیر وابسته دارد، و برایش قابل هضم نیست که سرمایه داری در ایران همان سرمایه داری وابسته است، و طبقه بورژوازی نیز همان طبقه بورژوازی وابسته میباشد. پیکار نمی تواند بپذیرد که در ایران بازاری واحدی وجود دارد، و قانون ارزش و اضافه ارزش واحدی برای بازار حاکم است که اینها خود موجب یکسان شدن و به هم پیوستن کل سرمایه های موجود در ایران است. در کشوری که با لهاست مناسبات سرمایه داری بر آن حاکم است، سرمایه ها در ارتباط و پیوستگی با هم، سرمایه اجتماعی یکسانی را موجب میشوند که همان سرمایه وابسته ایران باشد. یعنی آنکه سرمایه های ایران علیرغم تنوع آنها از خلست واحدی برخوردارند که همان وابسته بودن همه آنها میباشد، و تبعاً بورژوازی ایران نیز علیرغم تنوع آن که بصورت بورژوازی انحصاری، بوروکرات، لیبرال و... نمود میکرد، بیگانه و یکسان میباشد، و این امر در قالب طبقه بورژوازی وابسته ایران منعکس میشود.

اما پیکار پیشی برای این مفاهیم ارزش قائل نیست و فقط حرف خود را میزند، پیکار طبقه بورژوازی ایران را - و ناید طبقه بورژوازی رانه زیرا که "طبقه" خود وحدتی را میرساند - شامل دو بخش بورژوازی وابسته و بورژوازی غیر وابسته - توجه کنید "غیر وابسته" نه "غیر مستقیم وابسته" - میداند، و هدف انقلاب را نابودی بورژوازی وابسته میداند، و دنده بورژوازی غیر وابسته - شایدهما نبودی نه و بلکه فقط سرنگونی! - بهتر ترتیب ما نقل قول پیکار را فقط اینطور نمیتوانیم موجه بدانیم که قائل به وجود بورژوازی ملی یا چیزی شبیه آن باشد که نه تنها بر علیه انقلاب نیست بلکه به خاطر آنکه هنوز کاملاً "مرتجع" نشده میتواند در صف انقلاب و بیابا بینا بینی باشد. اما بهر حال ما از طبقه و از کلیت آن سخن میگوئیم، بغرض چنین چیزی باز هم انقلاب ما ناگزیر است با بدنه اصلی بورژوازی درحاکمیت روبرو شود.

البته یک شوق وجود دارد که میتوان آنرا مبنای حقیقی تحلیل پیکار قرار داد. و آن اینست که میارز طبقه ای و انقلاب آینده ایران هیچ تغییری در اوضاع طبقاتی ایجاد نمیکند، هیچ تغییری در سیستم سرمایه داری وابسته به امیر یا لیسیم ایجاد نمیکند: تنها دمکراسی را تا میسر میکند. اما طبقات مبارزه کنند و... یعنی کمترین

چیزی که از یک تحول میتوان درخواست کرد. اما حتی برای دموکراسی هم باید بر علیه سرکوب کنندگان آن یعنی امپریالیسم و متحدین طبیعی آن طبقه بورژوازی بطور جدی مبارزه کرد. و انقلاب بر علیه آنان یعنی غلبه بر آنان، یعنی حاکمیت پرولتاریا و متحدینش بر علیه امپریا - لیسیم و بورژوازی (یعنی...) میبینید که پیکار حتی تئوری "دموکراسی نوین" را که نسبت به شرایط جامعه ما یک مرحله عقب تر است کنار میگذارد!

انقلاب در ایران، انقلاب در کشوری است که سیستم اجتماعی حاکم بر آن سرمایه داری است این انقلاب بر ما تبار از انقلاب چین و ویتنام پیچیده تر و نسبت به آنها در پله بالاتری قرار دارد نمیتوان با یک عبارت پلخا نویستی: دمکراسی - تیک یا سوسیالیستی؟ یا با نتیجه گیری از آنچه که خود هنوز مورد بررسی است با این مسئله را بست.

حال آنچه را که گفتیم با اظهارات خود رفقای پیکار مقایسه کنیم. پیکار (۴۴) ویزه انتخاباتی ترش برنا مه حداقل سازمان پیکار را چنین مینویسد:

بخش اول "نا بودی نظام سرمایه داری وابسته

۱ - مصادره و ملی کردن کلیه منابع و موسسات مالی، صنعتی، کشاورزی، معدنی، بازرگانی، و خدمات امپریالیستی سرمایه داران و زمینداران بزرگ وابسته.

۲ - افشا و لغای کلیه قراردادهای امپریا - لیستی...

۳ - اخراج کلیه مستشاران نظامی...

۴ - نابودی و برانداختن کلیه نهادها و سازمانهای اداری، نظامی و امنیتی رژیم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و جایگزینی آن توسط دستگاه اداری نوین و ارتش مسلح توده ای - برجیدن و سرکوب تمام احزاب، سازمانها و جمعیت های سیاسی و مطبوعاتی وابسته به امپریالیسم، سرمایه داران و زمینداران بزرگ وابسته، دستجات ارتجاعی و فاشیستی... نقل از پیکار ۴۴ ص ۹

آنچه که در اینجا پیکار مورد توجه قرار داده است آغاز انهدام سرمایه داری وابسته یعنی نابودی سرمایه داری وابسته میباشد.

همین برنا مه در دنباله خود از حاکمیت دموکراسی توده ای سخن میگوید و مینویسد:

"۸ - شورای مرکزی انقلابی خلق، مرکب از نمایندگان منتخب شورا های انقلابی کارگر - ان، دهقانان و ساقشار خلقی در سطح کشور، عالیترین ارگان نظام دموکراسی توده ای است" همانجا ص ۹

اگر فرض کنیم پیکار "ساقشار خلقی" را شامل طبقه بورژوازی و یا بخشی از آن نمیداند خواهیم دید که:

"اولاً: سیستم سرمایه داری وابسته در این برنا مه پیدنا بود شود.

ثانیاً: سرمایه های بزرگ و وابسته مصادره گردد.

ثالثاً: بورژوازی سرنگون گردد زیرا برای

نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و برای استقرار "نظام دموکراسی توده ای" کلیه ارگانهای حاکمیت و بوروکراسی سابق باید نابود شوند. و کارگران، دهقانان و... بقدرت برسند. رابعا: در بند ۱۳ همین برنا مه حمایت از سرمایه داران کوچک آمده است. معنی این امر یعنی مصادره سرمایه های متوسط و یا عدم حمایت از آنها در طی یک پروسه پس از انقلاب.

آیا رفقای پیکار رهنویز این برنا مه حداقل خود معتقدند؟ با اینکه پیکار ۶۲ قصد دارد با

اتهام تر و تسکستی و سوسیالیستی نامیدن "نا بودی سرمایه داری وابسته" و "نا بودی طبقه" که شما نیز در برنا مه خود در ۲۲ شماره قبل آنرا از لحاظ سیاسی سرنگون و از لحاظ اقتصادی کاملاً مورد تعرض قرار میدید یعنی به مثابه یک طبقه آنرا نابود میکنید و حداکثر بخشهای کوچک آنرا حمایت میکنید - را برای رد پیکار ۴۴ باز کنید؟ ما نمونه این پامالی برنا مه را در مورد "س.ج." دیده ایم که چگونه کار ۵۹ برنا مه حداقل "س.ج." را لگدمال میکند. آیا پیکار ۶۲ با دست و دلبازی تمام، قبل از آنکه علیه رزمندگان سخن بگوید بر علیه پیکار ۴۴ سخن نگفته است؟ بهتر است رفقای پیکار دیگر (فقط پیکار) به پیکار ۴۴ و برنا مه حداقل خود نظری بیفکنند، گرچه، توصیه ما در رجوع به آن برنا مه، هرگز بمعنای قبول همه آن نیست.

آری رفقا! مسئله ای را که خود شما تا این حد روشن، روزگاری مطرح کرده اید، نباید به خاطر آنکه فقط به دیگران "چیزی را باید منسوب کرد" لگدمال کنید، شما در برنا مه خود بورژوازی را سرنگون میکنید، علیه سیستم سرمایه داری وابسته اعمال قهر میکنید، کلیه سازمانها و احزاب بورژوازی را قهرانا بود میکنید، ماشین دولتی طبقه بورژوازی را خرد میکنید و به جای آن ارتش توده ای و ارگانهای انقلابی قرار میدید، از بورژوازی متوسط حمایت نمیکند و آنرا در واقع روبه نابودی میرید و با این وجود از نابودی طبقه میهراسید، و آنرا تر و تسکستی مینامید، آنچه که گفتیم چیزی جز انهدام بورژوازی به مثابه یک طبقه و در کلیت آن نیست. و این حرفی است که نه تنها پیکار ۴۴ بلکه "س.ج." رویز بنویست نیز آنرا در برنا مه خود منظور کرده است. و البته این نابودی کار یک روز در روز نیست، اما پروسه ای که حاکمیت توده ای، آنرا به پیش میرانند و پرولتاریا در آنست چیز دیگری نمیتوانند. باشد، و با البته ما در باره اینکه همه این جریان چگونه خواهد بود و چگونه به پیش خواهد رفت تنها در حد همین کلیات میتوانیم سخن بگوئیم.

رفقا! با حرف خود را صریح میزنیم، ما بنا به مقتضیات هرگز نمی گوئیم "بورژوازی بخشا مرتجع شده" و یا نشده، "خرده بورژوازی مرفه سنتی ضد انقلابی اما خلقی" هرگز در فاصله ۲۲ شماره نظرات خود را بر زیر پامی گذاریم، ما نظر خود را اصلاح و تکمیل میکنیم، اما نه به شیوه میان دوندلی نشستن بلکه با صراحت و روشن! ما هرگاه به این نتیجه برسیم که انقلاب ایران سوسیال

بقیه از صفحه ۱۱

نشریه فابریک

تا این با آن فابریک با دیگر فابریکها و... به تربیت کارگران پرداخته و بتدریج جای خود را در میان آنان باز خواهند کرد. واضح است که نشریات فابریک میبایست به مسایل خاص فابریک پرداخته و سعی نمایند آنچه را که در پس پرده و دور از چشم کارگران میگذرد و حیل و حقه و نیرنگهایی که در پشت پرده توسط کارفرمایان یا شورای زردپو دولت بر علیه کارگران و منافع آنها صورت میگیرد افشاء نمایند. این نشریات نمیبایست به طرح مباحث عام و ترویجی پیچیده و سنگین بپردازند. نشریات فابریک از آنجایی که عمدتاً برای توده کارگران منتشر میگردد و میبایست با زبانی ساده و در قالب جملات و عبارتی کوتاه پیام خویش را به کارگران برساند و عمدتاً بوسیله خود هسته کمونیستی کارخانه (هما هنگ با خط عمومی سازمان کمونیستی) تهیه شوند. انتشار نشریاتی حجیم که مملو از مقالات ترویجی گوناگون هستند بعنوان نشریه فابریک همچنانکه گفتیم خرده کاری محض است. نشریات فابریک میبایست در کمترین حجم و بصورت نشریاتی در حدود دو برگ انتشار یابند. انتشار منظم این نشریات و تبلیغ و افشای بزرگان

ساده و تعقیب مداوم وضعیت ذهنی توده های فابریک یا محله، البته در شدت آگاهی و تشکل توده ها (و برای اینکه بتوانیم هر کارخانه را به یک سنگ تبدیل کنیم) بسیار موثر خواهد بود. لیکن هسته کمونیستی کارخانه نمی بایست کار خود را بدان محدود سازد. هسته کمونیستی علاوه بر انتشار این نشریه در مواردی که مساله ای حادث فوری در سطح فابریک مطرح است و یا با صلاح برای گرفتن میج سر مایه داران و مقامات دولتی و عوامل آنها بهنگام ارتکاب جرم و یا دادن رهنمودیه کارگران در هنگام میکه مبارزه ای حادث گردان دارد و خلاصه در مواضع بزرگه میبایست از اعلامیه ها یا اوراق دیگری که میتوانند بصورت ضمیمه منتشر شوند استفاده جوید و علاوه بر انتشار نشریه فابریک غرور پخش نشریات و اعلامیه های سازمانی را نفی نمی نماید. در اینجا لازم بتذکرات که در شرایط فعلی، انتشار نشریات فابریک در هر فابریک نه امکان پذیر است و نه درست. نشریات فابریک تنها در فابریکهای بزرگ که سطح مبارزات کارگران رشد یافته تر است و توده های بیشتری از کارگران را در بر میگیرد قابل حصول است و در هر مورد بسته به کیفیت نیروهای حاضر در فابریک واضح است که این نشریات میبایست حتی الامکان با اعلام هویت سازمانی منتشر گردند.

وضعیت جنبش...

بقیه از صفحه ۷

را به عنوان یک نیروی سیاسی - نظامی مورد قبول خلق کرده رهیات نمایندگی قبول نخواهد کرد.

با توجه به شرایط کنونی از تثبیت فعالیت سیاسی نیروهای انقلابی، گسترش شورا های مردمی در شهر و روستا با تکیه بر زحمتکشان شهری و روستایی و اعمال کنترل و نظارت بر امور سیاسی اقتصاد و اجتماعی خلق کرد توسط این شورا ها. که البته با تکیه بر نیروهای مسلح توده ای و رهبر سازمانهای سیاسی هنوز هم با اعمال حاکمیت کامل فرق دارد و یک نوع قدرت دوگانه را در منطقه سازمان میدهد که صد البته هیات حاکمه قادر به تحمل آن نیست. با توجه به این مسایل مذاکره با دولت با هدف کسب فرصت برای تحکیم و گسترش بیشتر سازمانهای توده ای و نیروهای انقلابی میتواند محتوی انقلابی داشته باشد.

تطور بعدی شورا های مردمی را در کردستان وضعیت کلی جنبش توده ای و حاکمیت تعیین می نماید و ما از پیش نمیتوانیم اشکال تغییر آنرا تعیین نمائیم. وظیفه کمونیستها در این مرحله سازمان دادن جنبش مقاومت خلق کرد (در تمام اشکال آن)، بردن آگاهی وسیع کارگران و کمونیست ها به میان توده های، جذب آنها به سازمانهای کمونیستی و سازمان دادن شورا ها و تشکلهای توده ای هر کجا که امکانش باشد و اعمال کنترل و نظارت بر حیات سیاسی - اجتماعی توسط این شورا ها و بسیج مردم به دفاع از این ارگانهای توده ای است. مساله جنگ و ادامه آن و صلح در این متن از حرکت انقلابی فابریک بررسی است و بس. و تاکید میکنیم هر نوع سازش با دولت فاشد میتواند همراه با تحمیل این شرایط بر دولت با شونده عقب نشینی از آنها. چنین عقب نشینی ای مرگ جنبش انقلابی خواهد

بود. در مورد خلق سلاح، یک لحظه هم نمیتوان اندیشید، فقط میتوان در مورد شکل ظاهری قضیه که نیروهای سیاسی و شورا ها سلاحهای خود را در معرض نمایش نگذارند با دولت حرف زد.

در قبایل سازشکاری دمکراتها و "س" (اکثریت) و احتمال سازش جداگانه آنها با دولت نمیتوان خوش بینی بخرج داد. سیاست افشاء و تبلیغ سیاسی حول این مساله نقش بسزایی در جلوگیری از زود بند دمکراتها بازی خواهد کرد. تا کتیک کمونیستها نمیبایست و نبا بد بر مقابله سیاسی و نظامی با دمکراتها در شرایط کنونی بنا نهاده شود. بهر حال در چشم انداز سازش جداگانه دمکراتها نمیتوان از هم اکنون وضعیت نیروها را ترسیم کرد. آنچه مسلم است دمکراتها نخواهند توانست با منفرد کردن کومله و سایر نیروهای مل این سازش را به انجام برسانند و در نتیجه شرایط برای فعالیت سیاسی و بسیج توده ای کماکان باقی خواهد ماند. آنچه مسلم است کومله و کمونیستهای دیگر تحت هر شرایطی نیز به عنوان نیروی انقلابی و فعال میتوانند و باید در جهت تحقق خواستهای دمکراتیک و انقلابی توده مبارزه نمایند.

دیدگاه انحرافی که بدون توجه به گسترش مبارزات توده ها و برآمدن ربه پیش جنبش و اعتلاء انقلابی جنبش خلق کرد و ضعف و ناتوانی هیات حاکمه بخواد تحت هر پیشانی به مماشات با هیات حاکمه و پیش بردن ملح بدون کسب اهداف مرحله ای فوق بپردازد محکوم است و میتواند به اشهر مغرب بر جنبش انقلابی منجر گردد.

* - پیش بسوی سازماندهی مقاومت توده ای!
* - در پیشگاه خلق کرد سازشکاری محکوم است!
* - گسترده تر باید پیوند مبارزات زحمتکشان کردستان با مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر ایران!

نگاهی به...

لیستی است لحظه ای به خود تردید را نخواهیم داد و آنرا نه تنها در نشریه خود بلکه بر در دیوار شهر خواهیم نوشت. مادر طی مبارزه ایدئولوژیک درونی خود با دگر فته ایم که رک و صریح و بی استادگی سخن بگوئیم و وقتی تحلیل واقعیت به ما نشان دهد چه چیز صحیح است از ادو قوال هیچکس، از انواع آنها مات اعم از اپورتونسم چپ و حتی ماورا چپ (کار به ما چنین میگوید) از ترس و تسکیم، از هر گونه آتیه می که تنها برای ایجاد فضای وحشت و فرار از مبارزه ایدئولوژیک جدی و حقیقی است نهراسیم.

پایان

☆☆☆
رفقا و هواداران!
رزمندگان
را بخوانید و
در تکثیر و پخش
آن بکوشید!

بقیه از صفحه ۱۱

جلب نماید و آنها را از زیر چنگال بورژوازی و خرده بورژوازی بدرآوردند.

واضح است که نیازهای فکری هریک از اقشار فوق در مبارزه طبقه‌ای نمی‌تواند متغایر باشد و جنبش کمونیستی برای هدایت صحیح و همه‌جانبه مبارزات پرولتاریا ملزم به برطرف کردن نیازهای فکری گوناگون هریک از این اقشار می‌باشد. بطورمثال کارگران کمونیست لازمست که به تمام مسأله‌های که در سطح جنبش کمونیستی مطرح است احاطه و آگاهی داشته باشند. این کارگران می‌بایست در تمام مباحثات ایدئولوژیک و مسائل تئوریک مطروحه در جنبش کمونیستی شرکت داشته و از این طریق شناخت تسلط و تبحر کافی در مسائل پیدا نمایند. این کارگران می‌بایست تمام مسائل تاکتیکی و سیاسی و تئوریک جنبش کمونیستی بین المللی را تعقیب نموده، از طریق مطالعه سخت و منظم تاسطح روشنفکران انقلابی ارتقاء یابند.

در مورد کارگران دسته دوم (کارگران میانی - کارگران پیشرو کارخانه‌ای) آنچه اهمیت دارد ایجاد پیوند بین مبارزات محلی و منطقه‌ای آنان با اهداف تاریخی پرولتاریا و مبارزه سیاسی کل طبقه کارگر است. این کارگران شور و شوق زیادی برای فراگیری از خود نشان می‌دهند کمونیست‌ها با یستی این قشر را بعنوان رهبران آینده پرولتاریا، مرتباً ارتقاء داده به نیازهای آنان پاسخ گویند. اما در مورد توده کارگران در شرایط فعلی با توجه به نیرو و توان جنبش کمونیستی در جذب پیشروان و نبود یک قطب قوی کمونیستی، ایجاد یک نشریه سراسری برای توده کارگران کاری اکتونومیستی بحساب می‌آید. برای ارتقاء آگاهی این قشر از کارگران میتوان روشهای مختلف تبلیغی مانند تبلیغ شفاهی، سخنرانی، نمایش فیلم تا تر، استفاده از اجتماع قانونی و انتشار جزوات تبلیغی و غیره را بکار گرفت. اما یکی از مسأله‌هایی که برای رشد آگاهی و تشکل توده‌های کارگری کار گرفته میشود نشریات فابریک است. این نشریات فابریک که مربوط به یک کارخانه و یا یک رشته از صنایع هستند، متأسفانه تاکنون نتوانسته‌اند نقش سازنده خویش را به نحو مطلوب بازی نمایند. پس از قیام شکوهمند بهمن ما شاهد رویدادها نشریه فابریک بوده ایم که اگرچه نشان دهنده و بیانگر رشد نسبی جنبش کمونیستی بود، اما بی برنامگی حاکم بر آنها و خرده کاری شدیدی که از این طریق دامن زده میشد خود نشان دهنده دوران کودکی جنبش و کمیت اکتونومیسم بر آن دوره می‌باشد که تا آن هنوز ادامه دارد.

سازمانها و گروههای مختلف جنبش کمونیستی قبل از آنکه بفکر انتشار ارگان عمومی و ایجاد زمینه برای پیوند و تشکل پیشروان طبقه کارگر باشند دست به انتشار نشریات فابریکی و محلی گوناگون زنند. یکی از مختصات مهم آن دوران (خرده کاری ناشی از عدم آگاهی) همین توجه شدید به ارتباط مستقیم و حضور مکانیکی در اجزای مختلف مبارزه طبقه‌ای و بی توجهی به کلیت آن است. اکتونومیست‌ها که از ضرورت تمرکز و رهبری متمرکز جنبش طبقه کارگر و اعمال همبستگی بر کل این جنبش غافل بودند (هم اکنون نیز هستند) به روابط پراکنده ولی مستقیمی که با اجزای مختلف جنبش کارگران و زحمتکشان داشتند دل خوش کرده و با صرف نیرو و انرژی زیاد بدون ابراه زمام و نشان خود به جزیی از مبارزات کارگری و توده‌ای سرگرم شده و کل طبقه کارگر را جنبش کاری را ناآگاهانه در اختیار بورژوازی و ریزیونیست‌ها قرار داده بودند.

از این امر که بگذریم، نشریات فابریکی که تاکنون منتشر شده اند، غالباً به مخاطب خود را می‌شناسند و نه به هدف و وظیفه خود آگاه بودند و در اغلب موارد نمیتوانستند نقشی را که از آنها انتظار میرفت بازی نمایند. نگاهی کوتاه به نشریات گوناگون فابریکی نشان میدهد که نشریات فابریک اغلب در انجام وظایف خویش موفق نبوده اند و اگرچه سهمی در آگاهی کارگران بازی نموده اند اما به لحاظ التقاطی بودن و بی برنامگی و فرمالیسم حاکم بر آنها از ایفای نقش خویش غافل مانده و عملاً خرده کاری را دامن زدند. این نشریات با آن حجم اغلب بی‌بعلت نداشتن امکانات و بی‌توجهی انتشار دهندگان و بی‌کمبود هیأت تحریریه متناسب با آنچنان نشریه ای، در فواصل طولانی منتشر میشدند (یا میشوند)، چنین نشریه‌ای

چگونه میتواند در هر حرکت معین به کارگران رهنمود بدهد؟ نشریه ای که گاهی حتی دوماه یکبار منتشر میشود چگونه میتواند به تباهکاران و حین ارتکاب جرم گرفته و کارگران را به هیجان آورد؟ در صورتیکه تمام جریانات و مبارزات فابریک را با پدیدایشات فابریکی که منظمآ منتشر شده و بموقع حتی فوق العاده و با ضمیمه منتشر کنند، رهبری کرد.

از طرف دیگر، بسیاری از مقالاتی که در این نشریات درج میشوند عموماً به بررسی مسائل عمومی جنبش میپردازند، مسائلی که در ارگانهای سراسری نیز با کیفیتی بهتر آورده میشوند و در اینجا تک تک تکرار میشوند. هیأت تحریریه‌های متعددی این نشریات هریک مانند هیأت تحریریه مرکزی سازمانهای کمونیستی به نشر مقالاتی در مورد مسائل عمومی سیاسی و اقتصادی جنبش کارگری پرداخته و در واقع هریک بطور پراکنده در گوشه‌ای به تداوم خرده کاری میپردازند. آیا وقتی از جانبیک سازمان پیرامون مسأله واحدی دردهها نقطه ایران و توسط هیأت تحریریه‌های متفاوت و با ناهمخوانی متفاوت مقالاتی منتشر میشود این بدترین شکل خرده کاری نیست؟ آیا این جز پاره پاره کردن یک سازمان کمونیستی معنای دیگری میتواند نداشته باشد؟ بی‌کساری گرانی، اخراج، حق اعتصاب، ۴۰ ساعت کار در هفته، قانون کار، مسأله کردستان، افشای هیأت حاکمه، سرکوب، تبلیغ و ترویج وسیع ایده‌های کمونیستی و غیره، همه و همه مسائل طبقه کارگر و زحمتکشان سراسری ایران است. پاسخگویی درست به این مسائل تنها از عهده ارگانهای سراسری ساخته است که در وسیعترین سطحی در میان کارگران و زحمتکشان سراسری ایران منتشر شود. آنچه که در این مورد اهمیت دارد بالا بردن کیفیت نشریات سراسری بجای انتشار نشریات متعددی است. این امر در عین افزایش توان سازمان سیاسی برای بالابردن کیفیت فعالیت خود به سازمانگری کارگران و زحمتکشان غیر پرولتاریا و پیرامون سازمانهای ملی کمک خواهد کرد و آنها را از سرگردان شدن در میان دهها نشریه مختلف نجات خواهد داد.

بسیاری از نشریات فابریک در پروسه انتشار خود بخودی شان به بین بست رسیدن و نیروهای ملی بدون اینکه تحلیل روشنی از آنها را بی کارشان در این زمینه ارائه دهند بطریق کاملاً خود بخودی انتشار آنها را متوقف کردند.

"ما در رزمندگان شماره ۲ بدرستی به پیشروان توجه کردیم ولی به غلط انتشار نشریات فابریکی برای پیشروان توصیه نمودیم که همانطور که در این مقاله نشان دادیم جز خرده کاری و دوباره کاری چیز دیگری نیست و این خرده کاری هنوز تا ایجاد وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب، بصورت انتشار ارگانها و نشریات مختلف سازمانها و گروههای کمونیستی و حتی انتشار نشریات فابریکی یا محلی گوناگون در یک فابریک یا محله کماکان ادامه خواهد یافت."

نشریات فابریک، یکی و تنها یکی از مهمترین وسایلی هستند که برای تبلیغ و تهییج سازماندهی توده‌های پرولتاریا توسط هسته کمونیستی کارخانه‌ها محل بکار گرفته میشوند. این نشریات و اقارب دیگری که همراه با آنها منتشر میگردند در واقع وسیله ارتباط منظم هسته کمونیستی کارخانه‌ها با کارگران و انتقال آگاهی آنها و هدایت مبارزاتشان می‌باشد. این نشریات با تبلیغ و افشای منظم و تعقیب دائمی ذهن توده‌ها و مسائلی که در پیش روی توده کارگران فابریک قرار دارند به ارتقاء سطح آگاهی کارگران پرداخته و با جلب کارگران بصورت خبرنگار رویش کنند و در پیشرفت خود با کمک مالی کارگران، در حول خود سازماندهی کارگران می‌پردازند. این نشریات به افشای منظم دزدیها و حیل‌های کارفرمایان و دولت حامی آنها و عوامل مرتجع و نقشه‌هایی که بمنظور سرکوب کارگران و ایجاد تفرقه در بین آنان از جانب مقامات دولتی و فابریکی طرح میگردد، به افشای ستم و جنایاتی که سرما به بر کارگران و سایر توده‌ها روا میدارد و تبلیغ در مورد آن و با طرح آن مسائل اساسی که در سطح جامعه مطرح هستند با زبانی ساده برای کارگران، با دادن رهنمود به آنها در مبارزات روزمره و جاری آنها، با نشان دادن رابطه مسائل و مشکلات

بقیه در صفحه ۱۰

بقیه از صفحه ۱

نشریه فابریک

در یک سال و نیم گذشته چه بنیادریا تیک های کورونتا آگاهانه صورت گرفت و چه بنا تجربیات خام انجام یافت که هیچیک جز شکست نتیجه ای نداشت. کمونیستها در این مدت در سطح وسیعی در مبارزات اقتصادی سیاسی پرولتاریای ایران شرکت نمودند و بدون برخورداری از دیدی روشن نسبت به آنچه انجام میدادند در عرصه های زمینه های مختلف مبارزه درگیر شدند و همچنانکه گفتیم بسیاری از این مبارزات به نتیجه مطلوب نرسیده و به شکست انجامیده است. همین شکستها و ناکامیها و برخورد آگاهانه کمونیستها به آن هر روز نقش و اهمیت بررسی تئوریک مسائل مبارزات اقتصادی - سیاسی طبقه کارگر را برجسته تر ساخت و اینک این ضرورت هر چه بیشتر خود را بر جنبش کمونیستی تحمیل مینماید. جنبش کمونیستی ایران درمی یابد که بدون بررسی تئوریک مسائل مبارزات اقتصادی و سیاسی پرولتاریا و جمع بندی از تجربیات موجود جنبش کمونیستی و کارگری بدون داشتن دید روشن نسبت به اینکه "چه میکنیم" و "چه میخواهیم بکنیم" قادر به حل مسائل عملی جنبش نخواهد بود.

یکی از مسائل مبارزات اقتصادی - سیاسی طبقه کارگر که هنوز از لحاظ تئوریک برخورد جامع با آن صورت نگرفته است، مسائلی است که نشریات بطور کلی و نشریات فابریک (یا محلی) بطور خاص است. ۱۵ ماه پس از قیام و پس از انتشار رصدها نشریه فابریک و کارگری هنوز این نشریات سمت و محتوی درست و صحیح خویش را نیافته اند که این خود نشان دهنده حل شدن این مساله بلحاظ تئوریک است. ما قبلا طی مقاله ای در رزمندگان ۲ در این باره سخن گفتیم و اینک در این مقاله ضمن انتقاد از موضع قبلی خود در این مورد به بررسی مساله نشریه فابریک میپردازیم.

پس از قیام نشریات فابریکی متعددی از جانب جریانها و کتل کمونیستی گوناگون منتشر گردیدند. این نشریات از لحاظ مخاطب و محتوی خود، اغلب التقاطی و فاقد هدفهای روشن و وظایف معینی بودند. با نگاهی به این نشریات میتوان در آنها، از عام ترین مسائل تئوریک سیاسی و انتزاعی ترین مباحث اقتصادی، تا جزئی ترین و اقلیه فابریک مشخص را مشاهده کرد. این نشریات مملو از مسائل عمومی مبارزه کارگران و زحمتکشان، مسائل عمومی سیاسی، مسائل محلی، اخبار فابریک و افشاکاری میباشد.

سوالی که با اولین نگاه به این نشریات مطرح میگردد اینست که نشریه فابریک چه تفاوتی با نشریات عمومی و ارگان سازمانها و گروهها دارد؟ چرا مسائلی که در یک نشریه عمومی آورده میشود با قدرت تک این نشریات تکرار شوند؟ چه سیاستی باید برای این نشریات حاکم باشد؟ و اساسا هدف از انتشار این نشریات چیست؟ آیا ترویج مسائلی مانند شناخت امپریالیسم و سرمایه داری، بررسی علل گران و تورم در سیستم سرمایه داری، ریشه یابی علل بیکاری و توضیح ارزش اضافی و استثمار و غیره و غیره میباید در هر فابریک یا محله بطور جداگانه و توسط نشریات خاص آن فابریک یا محله صورت گیرد؟ آیا همواره از گردن نشریات فابریک از لحاظ مضمون و محتوی و حجم با نشریات سراسری سازمانهای مملکت در سطح و برای پیشروان پرولتاریا منتشر میگردد و به ترویج ایده های مارکسیستی و مسائل تئوریک و سیاسی جنبش میپردازد و زنده کرده کاری معنای دیگری دارد؟ نشریات فابریک که عمدتاً به ترویج مسائل فوق میپردازد و زنده در واقع فقط میتواند مورد استفاده پیشروان فابریک قرار گیرند و انتشار چنین نشریاتی برای

پیشروان معدودی که در هر فابریک وجود دارند آنهم با تهیه یک هیأت تحریریه قوی جزا کونومیسیم، خرده کاری و دوباره کاری معنایی ندارد.

برای اینکه مضمون و محتوی نشریات فابریک را روشن سازیم باید به این سوال پاسخ گوئیم که مخاطب این نشریات چه کسانی هستند و برای چه کسانی منتشر میشوند و چه تمایزاتی بین آنان با سایر نشریات یا تی که مخاطبین دیگری دارند وجود دارد؟ باید دید نشریات فابریک بطور عمده با چه کسانی میگویند و برای چه منتشر میشوند؟

برای پاسخ گفتن به این سوال، باید نگاهی به نشریات درونی طبقه کارگر بیندازیم و تمایزات بین این اقشار را مورد توجه قرار دهیم. باید بدانیم این اقشار را روشن کنیم که چه تفاوتی بین اقشار مختلف پرولتاریا از لحاظ میزان آگاهی نسبت به اهداف تاریخی پرولتاریا موجود بوده و این تفاوت چگونه است.

۱ - کارگران کمونیست (کارگران پیشرو طبقه)

این قشر از کارگران (کارگران کمونیست) شامل کارگرانیست که با اصول م. ل. آشنا بوده و تمایز بین گرایشهای مختلف در جنبش کمونیستی را درک میکنند و در سطح رهبران (رهبران پرولتاریا) همراه با روشنفکران انقلابی و دیگر کمونیستها میباشد. کارگران کمونیست با آگاهی به اهداف تاریخی پرولتاریا و وحدت طبقاتی کل آن در مقابل سرمایه و با آگاهی به آرماترمان سوسیالیسم عموماً در ارتباط با سازمانهای کمونیستی مبارزه خویش را به پیش میبرند. واضح است که این قشر از کارگران نسبت به اقشار دیگر در اقلیت بسر برده و تا زمانی که با معطبات وجود دارند در اقلیت نیز خواهند بود. (۲)

۲ - کارگران میانی (کارگران پیشرو کارخانه ای، کارگاهی، روستایی و...)

این گروه از کارگران کمیت وسیعتری را نسبت به دسته اول در بر میگیرند. این قشر شامل کارگرانی است که بطور نسبی اصول م. ل. را شناخته و شروع به درک تمایزات ما بین گرایشهای مختلف موجود در جنبش کمونیستی نموده اند و مایلند از میان این قشر عده ای به رهبران پرولتاریا اضافه میگردد و بخشی از فعالیت کمونیستها در رابطه با طبقه کارگر، در شرایط فعلی میباشد متوجه پرورش و جدجهره و سیختر این عناصر به جنبش کمونیستی باشد. اینها در واقع کارگرانی هستند که پایه های سازمانها و با لایحه حزب کمونیست را در میان پرولتاریا مستحکم خواهند نمود.

هم اکنون بسیاری از شوراهای و تشکلهای کارگری توسط این قشر از کارگران اداره میشود و هر روز تعداد بیشتری از این قشر به کمونیستها میپیوندند.

۳ - توده کارگران (قشر عقب مانده کارگران)

این دسته وسیعترین قشر کارگران را تشکیل میدهند. این دسته در پایین ترین سطح خود نا آگاهترین و عقب مانده ترین کارگران را در بر میگیرد. کارگران نا آگاهی که به تازگی از محیط زندگی تنگ و محدود روستا بریده شده اند، کارگرانی که بسیاری از آنها از آگاهی سندیکیایی و حرفه ای نیز محرومند و جزو این قشر قرار میگیرند. این کارگران در مبارزات خود عمدتاً دنباله رو بوده و میباید توسط دودسته اول هدایت شوند. این قشر از کارگران تا ما ج حملات تبلیغاتی و فریب کاری های بورژوازی و خرده بورژوازی قرار داشته بسیاری از خرافات بورژوازمکراتیک را با خود حمل مینمایند. کمونیستها با یتی این قشر از کارگران (توده کارگران) را به آرماترمانهای تاریخی طبقه کارگر بقیه از صفحه ۱۱

* - رجوع کنید به لنین - گرایش قهرقایی در سوسیال دموکراسی روسیه - مقاله اول

قطع کامل رسته های خونین امپریالیست ها
فقط بوسیله کارگران و زحمتکشان امکان پذیر است!

ضمیمه سیاسی خبری 'رزمندگان' ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر
دوشنبه ۳ شهریور ۱۳۵۹ تک شماره ۲۰ روال شماره ۲۶

پیک رزمندگان

۱۶ صفحه

«کمونیست‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند»
کمونیست‌ها هرگز به صاحبان قدرت
تکیه نمی‌کنند. کمونیست‌ها فقط به
قدرت طبقه کارگر و سایر زحمت‌کشسان
و روشنفکران انقلابی متکی هستند.
ولادیمیر ایلیچ لنین

شوراهای کارگری و لغوسودویژه

به دنبال اعلام قانون ضدکارگری
لغوسودویژه، مبارزات کارگران
به اشکال مختلف در کارخانجات شروع
گشت. در این میان عملکرد کارکنان و اتحادهای
کارگری در رابطه با خواست
کارگران مبنی بر قانون لغوسودویژه
بقیه در صفحه ۲

اعتصاب کارگران لهستان: سوسیالیسم دروغین رويز- یونیست‌ها را بر ملا میکند!



اعتصابات کارگری بخش مهمی از
مراکز صنعتی لهستان را فرا
گرفته است. این اعتصابات که از اوایل
مرداد آغاز شده است، ابتدا از کارخانه
کشتی سازی لنین در گدانسک با هفده
هزار کارگر برپا گرفته و هر روز گسترش
بیشتری می‌یابد.
بخشی از خواسته‌های کارگران به
شرح زیر است: بقیه در صفحه ۱۳

ضد انقلاب مغلوب در تدارک جنگ داخلی!

خبر مسلح کردن عشایر
توسط مزدوران و وابستگان
امپریالیسم زقبیل ناصرو
خروج قشایی و تیسما رشا هشا
هی و فرمانده نیروی دریایی
جمهوری اسلامی احمد مدنی،
اینک حتی از سوی مقامات
انتظامی رژیم نیز تأیید شده
است. فرمانده سپاه پاسداران
انقلاب اسلامی فیروز آبادشیرا
ز در مصاحبه‌ای گفته است: "خوا
نین جاسوس عشایر، خسرو، تا-
مرو عبد الله قشایی پس از
افشای اسناد جاسوسی شان
تصمیم گرفته اند که به رهبری
سید احمد مدنی، جاسوس دیگر
آمریکا، شبکه خوانین سراسری
منطقه جنوب را متشکل ساخته و
در آینده نزدیک در منطقه
جنوب و جنوب غربی و جنوب
شرقی ایران آشوب‌هایی بپا
کنند" (کیهان ۲۷ مرداد ۵۹)
بقیه در صفحه ۲

در صفحات دیگر میخوانید

کارگران چون کوهی استوار در
مقابل لغوسودویژه ایستاده اند (۲)



تشکیل کانون مستقل
معلمان کردستان
موج اخراج‌های ضد انقلابی
در شرکت‌های مخابرات



با تار کردن جاسوسان کهنه کار
ضد اطلاعات:
ارتش یوسید شاه بازسازی میشود

نورس ارتجاع به کتابفروشیهای
مقابل دانشگاه

ترور جنايتكارانه

دو کمونیست انقلابی

حزب خائن توده

دست در دست

مزدوران حکومت

بمناسبت سالگرد فاجعه سینما رکس آبادان این هیات حاکمه، از افشای فاجعه چرا هراس دارد!

۲۸ مرداد علاوه بر یادآوری اتفاقات شوم و ننگین
دیگر، خاطره تلخ کوره آدم‌سوزی سینما رکس را نیز
زنده میکند. اینک در آستانه سومین سال این حادثه-
نه فجیع، حکومت جمهوری اسلامی، از یکسودر بلند
گوهای تبلیغاتی اش برای سالروز چنین فاجعه‌ای
بقیه در صفحه ۸

اول مهر نزدیک است!

* حکومت ازم اکنون در صدد است از طریق والدین دانش‌آموزان آنها را
تحت فشار قرار دهد. در حالیکه تنها معلم "مکتبی" و یا در واقع معلم طرفدار
و سرسپرده حزب جمهوری اسلامی انتخاب میکند و هر کس که اندک آگاهی و
اندک مخالفتی با رژیم جمهوری اسلامی داشته باشد اخراج است، از پدران
و مادران تعهد میگیرد که "دانش‌آموزان آنها حق دامن زدن به تضادهای
گروهی در مدارس ندارند" چون محیط آموزش باید خالی از هرگونه تضادهای
گروهی باشد. ازهی وقت و بیشتر می
در صفحه ۱۰



ضد انقلاب مغلوب در تدارک جنگ داخلی!

* مسلح کردن عشایر در جنوب، فرستادن عنا صرمزدور به کردستان سرآغاز تدارک برای یک جنگ داخلی است جنگی که در صورت وقوع قدرت گیری کارگران و زحمتکشان را در دستور روز کمونیستها و نیروهای انقلابی قرار داده و سازماندهی توده های مسلح و جذب کارگران و زحمتکشان، به قطب پرولتری راه عنوان وظیفه ای بلافاصله مطرح خواهد کرد.

رژیم جمهوری اسلامی مردم را از خطر حملات مسلحانه مزدوران آمریکا آگاه میکند، رژیم جمهوری اسلامی اسناد ارتباط مدنی با ساواک را افشاء میکند، رژیم جمهوری اسلامی اعتبارنامه خسرو قشقایی را رد کرده و مدتی او را دستگیر میکند، اما نمیگوید که چه کسانی، مدنی را به استانداری خوزستان رسانده اند مدنی - گوید چه کسانی امنیت شیراز مناطق عشایر نشین را به برادران مزدور قشقایی سپرده اند و نمی گویند آنها در زمان قدرتشان چه بر سر توده های کارگران و زحمتکشان خوزستان و خلق عرب آورد - ه اند. زیرا این اعترافات نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی خود زمینه ساز و عامل قدرت گیری این وابستگان به آمریکا است. مگر همان رژیم جمهوری اسلامی ورهیزی خرده بورژوازیی آن نبود که مدنی را در کنار مزدوران دیگری چون فلاحی، شاکر، مهدیون به وزارت و ریاست و فرماندهی ارتش رساند؟ مگر همان رژیم جمهوری اسلامی نبود که بر تمام جنایات و سرکوبیهای مدنی صدها گزافه و حتی او را کاندیدای ریاست جمهوری نمود؟ تمام این جنایات و کسب پست ها در زمان رژیم جمهوری اسلامی صورت گرفته است. توده های قهرمانان، مدت ها قبل از قیام و سقوط رژیم شاه سازگان را با شعار "شاه باید سلطنت کند نه حکومت" از صفوف خود رانده و تیمسارهای ارتش نظیر ازار، او - یسی و فلاحی و مهدیون و سایر همپالگی ها بشان را به پیشبازی بی ارزش بدل کرده و دشمنی و تنفر خود را از آنان نشان داده بودند و این رهبری خرده بورژوازیی انقلاب بود که با سوء استفاده از اعتماد توده ها به خود، بورژوازی و بسیاری از عنا صرمزدور امپریالیسم را در قدرت خود شریک کرد. مگر در همان زمان در هر اعلامیه و نوشته و از هر طریق، کمونیست ها و نیروهای انقلابی مخالفت خود را با این عملکردهای ضد انقلابی به گوش توده ها نمی رساندند و آیا رژیم درست به همین دلایل نبود که این نیروها را ضد انقلابی میخواند؟

اینک که بعلمت بحران اقتصادی و مبارزه طبقاتی، امپریا -

لیسم امید خود را در تثبیت اوضاع از دست داده است و عوام - مزدور و دست آموز خود را به تحریک و اقدام برای در دست گیری قدرت فرا خوانده است، مدنی ها و قشقایی ها، که روزی بنام "دست پر قدرت امام" معروف بودند در مقابل حکومت قرار میگیرند و اینجا مسئله بر سر موجودیت رژیم جمهوری اسلامی است و به همین علت دشمنی این دو جناح ضد انقلابی آشکار میشود. اینک دو جناح ضد انقلابی با هم رو در روبرو شده اند که هر دو در سرکوب توده ها نقش داشته و نقش هم خواهند داشت.

حفظ وجود فلاحی ها، شاکرها، بهشتی ها، رفسنجانی ها و خامنه ای ها در قدرت، خود نشانه آنست که رژیم جمهوری اسلامی از وحشت قدرت گیری مدنی ها و قشقایی ها و کم شدن یا سرنگون شدن قدرت خود، آنان را افشاء میکند، و البته مواظبان است که در افشاء آنان به رابطه شان با ساواک بسنده کند زیرا اگر بخواند از اعدا مها و کشتارهای خلق عرب، از انحلال شورای سdkو سسد ایران، از سپردن امنیت استان فارس به قشقایی ها سخن بگوید، ماهیت خودش نیز برای توده ها روشن میشود!

اما اگر رژیم جمهوری اسلامی از وحشت قدرت گیری این عنا صروسرنگونی خود، دست به افشای مدنی ها و اعدا م مهدیون ها میزند و اسنادی را که کمونیست ها ماه ها پیش افشا کرده بودند، به مردم عرضه میکند، و آنها را از قدرت میراند، این عنا صرنیوز بیکار رنشته و با کمک دوستان سابق خود، ضد انقلابیونی توده ها با قیام مسلحانه خود آنان را به زباله دان تاریخ سپرده بودند، در صدد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و سرکوب انقلاب توسط خودشان می باشند. آنان که در پی استقرار حکومتی مز - دور آمریکا بوده و از سیاستهای ضد انقلابی و سرکوبیهای جمهوری اسلامی اطمینان کافی ندارند، برای سرکوب انقلاب و زترس قدر - رت گیری نیروهای انقلابی و کمونیست از هیچ توطئه و عمل ضد انقلابی خودداری نمیکنند. آنها خوب میدانند که با آشکار شدن هر چه بیشتر ماهیت رژیم جمهوری اسلامی، با عمق گیری هر چه بیشتر بحران و باروشن شدن مواضع انقلابی و درست نیروهای کمونیست و انقلابی، توده ها روز به روز به سوی نیروهای انقلابی و کمونیست جذب خواهند شد و این معادل مرگ همیشگی و نهایی آنها خواهد بود. و از این روست که برای سرکوب انقلاب در زمانی که رژیم جمهوری اسلامی نتواند آن را پیش ببرد از هم اکنون تدارک می بینند.

مسلح کردن عشایر جنوب و سازماندهی آنان، فرستادن مزدوران مسلح به حوالی کرمانشاه، سازماندهی عنا صر ضد انقلابی ارتش تحت فرماندهی مزدوران آمریکا به منظور کودتای ایجاد رادیوهای امپریالیستی برای فریب و جذب توده های نا آگاه ها، ما بریده از رژیم جمهوری اسلامی، همه و همه اجزاء برنامه امپریالیسم برای سرکوب انقلاب در زمانی است که مبارزه طبقا - تی اوج نوینی یافته و بحران اقتصادی و اجتماعی سراسر جامعه را فرا گرفته است و رژیم جمهوری اسلامی قادر به سرو سامان دادن به در صدمه

نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم

شوراهای کارگری و

بقیه از صفحه ۲۶

به خوبی ماهیت فربکا را نه وضد کارگری بعضی از آنها و مبارزه صادقانه تعداد دیگری از کانون ها را نشان میدهد.

۱۳- کانون هماهنگی شوراهای اسلامی وابسته به حزب جمهوری اسلامی تنها هنگامی که با مخالفان وسیع کارگران روبرو شد، و ۲۰ روز پس از اعلام لغو سود ویژه به مخالفت با لغو این قانون پرداخت. جلسه ای در خانه کارگر برپا کرد. در این جلسه از یکطرف خشم کارگران از این اقدام ضد کارگری و از سوی دیگر مواضع فرصت طلبانه وضد کارگری عناصروا بسته به حزب برای مهار این کینه و نفرت مشاهده میشد. کانون از موضعی فرصت طلبانه به مخالفت با آن برخاست و راه حل های سازشکارانه ای ارائه میداد، از جمله اینکه: "ابتدا نامه ای تحت عنوان رنج نامه به امام بنویسیم و هر روز مهلت دهیم، پس از آن سوت کارخانجات را به صدا درآوریم، و پس از ۱۰ روز در کارخانجات بطور جدا (۱؟) میتینگ برگزار شود و پس از ۱۰ روز اگر هیچ اقدامی نشد، یک میتینگ از کلیه شوراها برگزار میکنیم."

این کانون از بدو پیداش خود هدف و منظور و رسالتی غیر از به انحراف و سازش کشاندن مبارزات کارگران نداشته است و کارگران مبارز باید در افشای هر چه بیشتر کسانیکه بنا به طبقه کارگر به آن خیانت میکنند پیردازند.

۲۴- کانون شوراهای اسلامی وابسته به انجمن پلی تکنیک با وزیر کار در وزارت کار ملاقات کرد در این جلسه نیز خشم کارگران حدود مرزی نداشت و بارها کارگران وزیر کار را مورد فحش و ناسزا قرار دادند. و گفتند ترا نزد ما محاکمه خواهیم کرد. این جلسه از ساعت ۱۰ تا ۴/۵ بعد از ظهر طول کشید و وزیر کار گفت "که این قانون تصویب شده و حتی یک نفر از اعضای شورای انقلاب با آن مخالفت نکرده و این قانون به نفع کارگران

است." جلسه با اواخر بی نتیجه پایان یافت و تنها در انتهای جلسه از طرف وزیر کار پیشنهاد شد ۸ نماینده شورای اسلامی به نمایندگی کارخانجات تهران و ۱۰ نماینده شورای اسلامی به نمایندگی از کارگران شهرستانها و یک نفر مشاور عالی کار و وزیر کار به تدوین مجدد قانون کار بپردازند. رهبری کانون شوراهای اسلامی وابسته به انجمن پلی تکنیک نیز در دست عناصروا بسته به هیات حاکمه است و آنها نیز از منافع کارگران دفاع نمیکند:

۳۳- کانون شوراهای شرق و کانون شوراهای متحد غرب نیز، با حضور ۵۰ شورا در روز ۱۸ مرداد جلسه ای در محل کانون شوراهای شرق تهران تشکیل دادند. در این جلسه برای مقابله با عمل ضد کارگری لغو سود ویژه نظرات مختلفی از برگزاری راهپیمایی و میتینگ تا رفتن به وزارت کار مطرح میگردد و سرانجام تصمیم گرفته میشود که نمایندگان شوراها روز دوشنبه ۲۰ مرداد به جلوزارت کار رفته و طی قطع نامه ای عمل ضد کارگری لغو سود ویژه را محکوم نمایند: قطع نامه بدین شرح بود: ۱- لایحه جدید لغو سود ویژه تا تصویب قانون کار عادلانه ای که بجای سود ویژه خواست کارگران را مطرح کندکان لیم یکن تلقی شود. ۲- طرح پیشنهادی وزارت کار مبنی بر اینکه ۲۰ نفر از نمایندگان کانون کار را تدوین کنند رد شد و اعلام میکنند که این ۲۰ نفر نمایندگان واقعی کارگران ایران نیستند ۳- تقاضای تشکیل مجمعی از نمایندگان کارگران سراسر ایران برای تدوین قانون کار.

روز ۲۰ مرداد نمایندگان کانون شوراهای شرق و چند شورای دیگر، در وزارت کار جمع میشوند. وزیر کار که از خشم و کینه کارگران با خبر بود، حاضر نمیشود در جلسه کارگران شرکت کند و میگوید: من

ترور جنایتکارانه دو انقلابی کمونیست

دو تن از رفقای کمونیست و انقلابی هوادار سازمان پیکار، مسعود صالحی را د و رفیق طیب نجم الدینی بطرز وحشیانه ای توسط ارتجاع به شهادت رسیدند.

این دو رفیق که روز ۱۳ مرداد در جرم پخش اعلامیه دستگیر شده بودند، بدست مزدور حکومت در بیا با نه ای اظرف تبریز به شهادت رسیدند. ترور این دو رفیق به جرم پخش اعلامیه از آخرین جنایات رژیم جمهوری اسلامی است، که وقاحت و بیشرمی و جنایت را در کنار هم به نمایش گذارده است!

اعدام این دو رفیق بطور پنهانی و بدون هیچ محاکمه ای پیش از هر چیز نشانه وحشت حکومت از کمونیست ها و نیروهای انقلابی است که روز به روز بیشتر در دل توده جا گرفته و روز به روز پیوند با کارگران و زحمتکشان قدرتشان فزونی میابد.

آری رژیم در قدرت گیری کمونیست ها و انقلابیون مرگ خود را می بیند و از وحشت نابودی خود، چون تمام مملکتی رژیم های ارتجاعی، هر چه بیشتر و آشکار تر به سرکوب و کشتار انقلابیون و کمونیست ها و کارگران و زحمتکشان مبارز دست میزند. اعدام رفیق شهرام، نریمی سارا، احمد مودن، عبدالله قیزل و هالی زاده، عزیزیان، مهدی علیوی شوشتری و... در همین یکی دو ماه اخیر اثبات این ادعای ماست. اما این اعدام ها نه تنها ذره ای در راه پولادین انقلابی ترین فرزندان خلق خدشه ای وارد نمیکند بلکه روز به روز اراده و عزم راسخ آنها را آهنین تر میسازد. *

اعدام انقلابیون لکه ننگی بر دامان رژیم جمهوری اسلامی

شوراهای کارگری...

شما را قبول ندارم!!
آری: وزیرکار نمایندگان شوراهای واقعی و کارخانه را قبول ندارد و به رسمیت نمیشناسد چرا که آنها از منافع کارگران دفاع میکنند.

به جای نعمت زاده وزیرکار زارعی و سبحانی دوتن از مقامات وزارت کار به میان کارگران می آیند. (نمایندگان شوراهای کارخانه جات پپسی، تیغ ناسته چاپ، شهرک اکباتان شرق، روغن موتور و... شروع به صحبت میکنند) زارعی و سبحانی، این دو حامی کارفرمایان، برای فریب دادن و آرام کردن کارگران به توجیه دلایل لغو سودویژه میپردازند.

نمایندگان کارگران با جوابهای کوبنده و افشاگرانه خود، ماهیت قانون وزارت کار را بر ملا میسازند. تا جایی که این دو نفر میگویند ما مسئول نیستیم. کارگران فریاد میزنند: "اگر مسئول نیستید، غلط کردید، این جا آمدید."

چطور هنگام تهیه و تصویب این قانون ضدکارگری مسئول بودید ولی برای جواب دادن به ما مسئولیت ندارید؟ نمایندگان مبارز کارگران شوراهای شرق و غرب با زهم خواهان آمدن وزیرکار میشوند.

ولی وزیرکار همچنان از آمدن به میان آنها خودداری میکند. و معاون خود را میفرستد کارگران نه تنها قانون لغو سودویژه را محکوم میکنند، بلکه کل قوانین کار و نحوه تهیه و تصویب آنها را ضدکارگری دانسته و رد میکنند، و خواهان تشکیل یک مجمع از کلیه نمایندگان کارخانه ها و واحدهای تولیدی و صنعتی میشوند.

نمایندگان کارگران با پوس است و گوشت و خون خود قوانین ظالمانه سرمایه داری را احساس میکنند، و خواهان لغو آن هستند.

عاقبت یکی از کارگران اعلام میکند که: ما با قانون کار مخالفیم و می خواهیم قانون بدست نمایندگان واقعی کارگران یعنی نمایندگان ۷ میلیون کارگر تهیه و تدوین شود.

در خاتمه نمایندگان کارگران شوراهای

های شرق سه خواسته زیر را مطرح میکنند:

۱- کارکنان لیکن اعلام کردن لایحه لغو سودویژه

۲- تشکیل مناظره تلویزیونی با وزیر کار،

۳- گرفتن وقت ملاقات با وزیرکار، معاون وزیر، خواستار اول امری مربوط به مجلس قلمداد میکند، خواست دوم راهم تحت عنوان خودتان تماس بگیرید از سرباز میکلندولی در آخر ششم و اعتراض شدید کارگران خواست سوم را قبول میکنند!!

* * *

نمایندگان شوراهای تصمیم میگیرند، ۱۵ روز بعد یعنی پس از ختم تعطیلات کارخانه جات به اتفاق کارگران نشان به وزارت کار بیایند.

* * *

وزیرکار در جلسه کارکنان شوراهای شرق تهران شرکت نمیکند و آن را به رسمیت نمی شناسد ولی در جلسه کارکنان هماهنگی شوراهای اسلامی وابسته به حزب جمهوری اسلامی و کارکنان شوراهای اسلامی وابسته به انجمن پلی تکنیک شرکت میکنند و حتی در تلویزیون با آنها مناظره میکند، چرا؟

برای اینکه وزیرکار میداند رهبری این دو کارکنان در دست جناحهای مختلف هیات حاکمه است. وزیرکار به خوبی میداند رهبری این دو کارکنان کسانی چون ربیعی و کمانی، کشا و وزیرکار، نمایندگان واقعی کارگران نیستند و از موضع منافع کارگران حرکت نمیکند. در حالی که کارکنان شوراهای شرق از نمایندگان واقعی کارگران تشکیل یافته و از منافع کارگران دفاع میکنند. به همین دلیل است که وزیرکار در جلسه کارکنان شوراهای شرق شرکت نمیکند و به همین دلیل است که چند روز بعد از این جلسه، ساختمان کارکنان شبانه مورد حمله پاسداران قرار میگیرد و به اشغال در می آید و اموال ناچیز آن به نفع سرمایه داران و دولت حامی آنها مصادره میشود.*

حزب خائن توده، دست در دست مزدوران حکومت!

حزب خائن توده، هواداران و مزدوران خود را برای حمله به نیروهای انقلابی، بسیج کرده است. حزب توده دست در دست پاسداران، چماقداران حزب اللهی در سر هر کوی و برزن به دهکده های نیروهای انقلابی و کمونیست حمله کرده و در شنا سابی عناصر مبارز و انقلابی به کمیتها کمک میکند. این حزب خائن که ادعای رهبری طبقه کارگران را هم میکند، در همراهی با نیروهای ضد انقلابی، از پاک کردن شعارها و پاره کردن اعلامیه های گروه های انقلابی گرفته تا رفتار پلیسی و شناسایی آنها، شرکت میکند.

از جمله در جریان پاکسازی دیوارها ۷۰ - ۶۰ نفر دستخورد و پرتاب شده ای با اجازه شهرداری و کمیتها مشغول پاکسازی درودیوارهای محله گودر سولی شدند، آنان در حالیکه با شور و شوق یک مزدور حکومتی آثار شعارها و اعلامیه های سازمان رزمندگان را محو میکردند ما پوستر "علیه آمریکا متحد شویم" خود را دست نخورده باقی گذاردند که در مقابل اعتراض کمیتها ای ها مجبور به کندن آن نیز شدند!! همچنین در هفته اول مرداد، به بساط سه تن از رفقای هوادار سازمان پیکار در تهران رس نزدیک شده و با فریاد "الله اکبر" دست به تحریک مردم زده و پاسداران و کمیتها را از خیر میکلند و رفقا که جورا چنین می بینند کتابها و نشریات را جمع کرده تا آن محل را ترک کنند اما با مخالفت و هیاهوی توده ای ها، یکی از رفقا دستگیر و به کمیتها برده میشود.

آری حزب خائن توده این سازمان ضد انقلابی و ضد خلقی که به تا زگی از جانب سازمان چریکهای فدایی (اکثریت) به لقب ضد امپریالیست و مترقی مفتخر شده است، دست در دست عمال مزدور حکومت، به سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست میپردازد. اما دیر نیست زمانی که مبارزات توده های قهرمان ما با رادیکالیزاسیون حزب خائن توده و تمام می فرزندان و رهبران راهش را به زباله دان تاریخ بفرستد.

کارگران چون کوهی استوار در مقابل لغو سود ویژه ایستاده اند!

(قسمت دوم)

در شماره قبیل مواضع حزب جمهوری اسلامی و رهبران کانون هماهنگی شورا - های اسلامی وابسته به حزب راه در رابطه با لغو سود ویژه بررسی کردیم و نشان دادیم مخالفت آنها دروغین و فریب کارانه است. حال ببینیم شورای انقلاب و وزیر کار برای عمل ضد کارگری لغو سود ویژه چه دلایلی می آورند و دلیل واقعی لغو سود ویژه چیست ؟

دلیل اول : رفع تبعیض - وزیر کار در مصاحبه با خبرگزاری پارس گفته است : "این قانون حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر را شامل می شود، در حالی که جامعه کارگری ۳ الی ۴ برابر این رقم است. بنا بر این این قانون یک تبعیض بود." مصاحبه وزیر کار - اطلاعات چهارشنبه ۱۵ مرداد.

وزیر کار میگوید چون ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر سود ویژه میگردند و بقیه نمیگرفتند پس ما سود ویژه را لغو کردیم. اینست رفع تبعیض گردانندگان جمهوری اسلامی! رفع تبعیض به نفع سرمایه داران و استثمارگران دولتی و خصوصی!

با این شیوه رفع تبعیض ضد کارگری، رژیم میتواند تمام مزایای کارگران را لغو کند و دستمزدها را به حد اقل برساند. مثلاً چون همه کارگران حق مسکن نمیگیرند پس برای رفع تبعیض به هیچ کس حق مسکن نباید داد. چون حداقل دستمزد کارگران ۶۷۵ ریال است پس دستمزد تمام کارگران را باید تا این مقدار کاهش داد. آری رژیم جمهوری اسلامی رفع تبعیض میکند. اما نه به نفع کارگران بلکه به نفع سرمایه داران و دولت سرمایه داری.

سود ویژه بخشی از دستمزد مسلم کارگران است، دولت اگر میخواهد (که به علت ماهیت ضد کارگری خود هرگز نمیخواهد) در جهت منافع کارگران و رفع تبعیض گام بردارد بایستی، به کارگرانی که

هنوز موفق نگرفتند "سود ویژه" نشده اند سود ویژه میداد دولت اگر دلسوز کارگران بود (که هرگز نیست) بایستی به کارگران میگفت سود ویژه بخشی از دستمزد شماست و کارگر - ما باین باید مبلغ سود ویژه را به پایسه حقوق کارگران اضافه نمایند.

از نظر رژیم جمهوری اسلامی همانند تمامی رژیمهای سرمایه داری رفیع تبعیض یعنی سرکشی کردن فقر و محرومیت هرچه بیشتر بین کارگران، و زدیدن هرچه بیشتر از دسترنج کارگران و تقدیم نمودن به سرمایه داران و مفت خوران. کارگران باید بدانند تا وقتی که حکومت در دست سرمایه داران و حاکمان آنهاست طبقه کارگر به خواسته ها و نیازهای خود دست نخواهد یافت. و امتیازاتی را هم که بنا بر مبارزات خود بدست می آورد موقتی و قابل پس گرفتن میباشد، تنها با نابودی حکومت سرمایه داران، تنها با برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان که تنها حکومت حامی منافع آنهاست خواسته ها و نیازهای مادی و معنوی کارگران برآورده میشود.

دلیل دوم : شاهنشاهی بودن قانون "سود ویژه" - وزیر کار گفته است : "در جهت محو آثار طاغوت... باین نتیجه رسیدیم که این قانون تا مین کننده منافع کارگران نیست و باید لغو شود." وزیر کار، کیهان سه شنبه ۱۴ مرداد.

در رژیم شاهنشاهی اینگونه تبلیغ میکردند که هرچه کارگران و توده های ستمدیده با مبارزات خود بدست آورده اند، از لطف ملوکانه شاه بوده است. حال وزیر کار جمهوری اسلامی هم همان تبلیغات آریا مهری را میکند. و تحت عنوان "طاغوتی بودن" سود ویژه "بخشی از دستمزد کارگران را از چنگ آنها در می آورد و به جیب سرمایه داران مفت خور میریزد.

ولی تمیز سود ویژه و تمامی امتیازاتی که کارگران در سطح جهان و ایران

مجموعه سیاست ها و عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی فقر و محرومیت هرچه بیشتر کارگران، با ردیگر این اصل مسلم را ثابت می نماید که نبود سطح زندگی کارگران و زحمتکش و برآورده شدن نیازهای آنها در یک جا مع سرمایه داری تحت هر نام و پوشش که باشد امکان پذیر نیست.

بدست آورده اند حاصل مبارزات خونین، اعتصابات و قیامهای کارگران در ایران و جهان بوده است. و رژیم های سرمایه داری تحت فشار مبارزات کارگران و برای خاموش ساختن شعله خشم کارگران تن به بعضی از امتیازات داده و میدهند. قانون ۸ ساعت کار را سرمایه داران به میل خود تصویب نکردند، بلکه مبارزات خونین و گسترده کارگران، آنها را وادار به قبول آن ساخت. حق مسکن را سرمایه داران و رژیم شاه "عطا" نکردند، بلکه کارگران با مبارزات خود از حلقوم سرمایه داران و رژیم حامی او بیرون کشیدند.

گردانندگان رژیم جمهوری اسلامی با قانون آریا مهری و آثار آن مخالف هستند و لی نه از آن جهت که آنرا ارتجاعی و ضد انقلابی و ضد کارگری میدانند بلکه از آن جهت که آن را "فریادی" مترقی و انقلابی و به نفع کارگران میدانند!! رژیم جمهوری اسلامی خیلی دلش میخواهد تحت عنوان "طاغوتی بودن" ۸ ساعت کار، سود ویژه، حق مسکن، حق اولاد، خواربار و مرخصی و... کارگران را لغو کند و شرایط ۱۰۰ سال پیش را به کارگران تحمیل نماید. ولی گردانندگان رژیم با یادگوشهایشان را باز کنند، و بدانند که همان طبقه کارگری که ۸ ساعت کار را با زور به رژیم شاه تحمیل کرد، همان طبقه کارگری که با زور و مبارزه "سود ویژه" حق مسکن و... را از حلقوم سرمایه داران بیرون کشید، توانایی بیرون کشیدن حق خود را از حلقوم رژیم جمهوری اسلامی هم دارد.

آری، رژیم جمهوری اسلامی سود ویژه کارگران را لغو میکند. و با این کار دستمزدها را کاهش میدهد. برای اینکه در سالهای گذشته متوسط سود ویژه کارگران ۳/۵ ماه بوده است (سود ویژه پرداختی در بیشتر کارخانه ها بین ۳ تا ۵ ماه بوده است) با توجه به اینکه

که حتی اگر فرض کنیم رژیم بتواند به قیمت فقر و محرومیت هر چه بیشتر کارگران شرایط مناسبی برای "سرمایه" فراهم سازد و با مصالح بتواند چرخ تولید را راه بیاورد، و امنیت سرمایه داران و سرمایه داری را فراهم کند، تازه میشود مثل دوران شاه در سالهای قبل یعنی استثمای شدن کارگران و چپاول کردن دسترنج آنها و سرکوب منظم کارگران.



مجموعه سیاستها و عملکردهای رژیم

و سود آوردن کارخانجات و راه انداختن چرخهای زنگ زده سرمایه داری وابسته با بددیناری فتنی کارگران کاهش یابد. رژیم جمهوری اسلامی که بنا بر ماهیت سرمایه دارانه خود حفاظت از نظام سرمایه داری وابسته را به عهده گرفته، با تمام نیرو میکوشد ضرباتی که قیام و عوارض ناشی از آن به سیستم وارد ساخته است جبران سازد و شرایط و امنیت مناسب و مطلوب را برای سرمایه داران (داخلی خارجی، دولتی و خصوصی) و سودآورساند.

طبقه کارگر ضمن اینکه برای مبارزه نهایی و رها ساختن خود آماده میشود با بدبها هرگونه کاهش دستمزد و دریا فتنی کارگران قاطعانه مبارزه نماید.

جمهوری اسلامی، فقر و محرومیت هر چه بیشتر کارگران، بار دیگر این اصل مسلم را ثابت می نماید که بهبود سطح زندگی کارگران و زحمتکشان و برآوردن نیازهای آنها در یک جامعه سرمایه داری تحت هر نام و شکل و پوشش که باشد، امکان پذیر نیست. بهبود سطح زندگی اقتصادی و برآوردن نیازهای کارگران و زحمتکشان ایران تنها با نابودی نظام سرمایه داری و کسب قدرت سیاسی توسط کارگران و زحمتکشان، امکان پذیر است. کارگران باید برای این هدف آماده شوند و سلاحهای لازم را برای انجام این کار یعنی سلاح آگاهی طبقاتی و سلاح تشکیلات را مهیا سازند.

اما طبقه کارگر ضمن اینکه برای مبارزه نهایی و رها ساختن خود آماده میشود با بدبها هرگونه کاهش دستمزد و دریا فتنی کارگران قاطعانه مبارزه نماید و بدونه تنها به سطح دستمزد و دریا فتنی سابق که به هیچ وجه کفاف نیازهای اولیه کارگران را نمیدهد، اکتفا نکند، بلکه شرایط دستمزد و کار را بهتر خواهد. بطور مشخص کارگران باید با کم شدن سطح دستمزد و دریا فتنی خود از طریق لغو سود ویژه به شدت مقاومت نمایند و برای لغو تصویب نامشروع انقلاب مبارزه کنند.

* * *

معمولا کارگران در سالهای قبل حداقل یکماه به عنوان پاداش وعیدی دریافت میکردند، با لغو سود ویژه ۲/۵ ماه از دریافتی آنها کم شده است و تنها یک ماه پاداش به آن اضافه میگردد، یعنی به طور متوسط ۲/۵ ماه حقوق از مجموع دریافتی سالانه کارگران کسر گردیده است. خواست اصلی دولت هم همین کسر شدن مبلغ دریافتی کارگران بوده است و نه چیز دیگری.



دلیل سوم: لغو قانون به سود سرمایه داران نیست - وزیر کار گفته است: "جمعاً ۸۰٪ صنایع ملی شده و مدیریت آنها را دولت به عهده دارد پس بیان این مطلب که لغو این قانون به نفع سرمایه دارانست نادرست میباشد" مصاحبه وزیر کار کیهان سه شنبه ۱۴ مرداد.

وزیر کار با این حرفهای ضد کارگری میخواهد ما هیت استثمای کارگران و سرمایه داران را به دولت را بپوشاند و در بخش اول این مقاله ما گفتیم که به علت ماهیت سرمایه دارانه دولت جمهوری اسلامی، دولت خود بزرگترین سرمایه دار و بزرگترین چپاول گرواستثمای دسترنج کارگران است. و گفتیم برای کارگران هیچ فرقی ندارد که دسترنجشان بوسیله یک سرمایه دار خصوصی غارت شود یا یک کارفرمای دولتی.



دلیل چهارم: رکود در تولید و نجات کارخانجات و سودآورساندن آنها - یک مقام بلندپایه اظهار داشت که این مصوبه بخاطر نجات کارخانجات و کارگاههای کشور از خطر رکود بیشتر تنظیم شده است، اگر این کار نمیشد سود ویژه پرداختن به کارگران تخفیف پیدا نمیکرد، بیم آن میرفت که کارفرمایان نتوانند از عهد پرداخت وجوهات لازم بپردازند. روزنامه جمهوری اسلامی.

این مقام بلندپایه در حقیقت به دلیل لغو سود ویژه اعتراف کرده است. برای نجات اقتصاد سرمایه داری وابسته

ختن "سرمایه" فراهم سازد. هوار، هو از گردانندگان جمهوری اسلامی و در رأس آنها بنی صدر در مورد "امنیت"، تولید بیشتر و مصرف کمتر" و غیره به همین خاطر است راه انداختن چرخهای اقتصاد سرمایه داری و فراهم آوردن "امنیت" لازم به نفع طبقه سرمایه دار و چپاول گر، به قیمت فقر و محرومیت هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان، به قیمت سرکوب مداوم آنها، به قیمت کاهش سطح دستمزد و دریا فتنی کارگران!

بله! رژیم جمهوری اسلامی با روزه - بنه اصلی فراهم آوردن شرایط مناسب و امکانات اقتصادی لازم برای "امنیت" و سودآوری سرمایه داران و کارگران میان نداد. اضافه حقوق ۱۰۸ ریال (۱۲٪) در مقابل نرخ تورم و گرانی بیش از ۶۰٪ - هس حق مسکن و بعضی مزایای کارگران، گران کردن نان و گوشت و سیگار و سایر مواد مورد نیاز کارگران و زحمتکشان که در انحصار دولت است و آخرین آنها لغو سود ویژه، حلقههایی هستند از زنجیر فشار اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی بر روی کارگران و سایر زحمتکشان.

گردانندگان رژیم جمهوری اسلامی میخواهند خواست و مطلوب خود و طبقه سرمایه دار و سرمایه ر مفت خوران جامعه را خواست و مطلوب کارگران جابزنند، در حالی

پیش بسوی ایستاد حزب طبقه کارگر!



*** - کارگران کارخانه**

آلومینیوم سازی کدخواه که عضو شورای متحد بوده و به عنف در هشتاد و دو روز دوشنبه ۵ مرداد دست به اعتصاب زده و در محل کارخانه متحصن شده اند. کارگران مبارز این کارخانه در سال ۵۸ بر سر مسئله سودویژه ۲۱ روز اعتصاب داشته اند. کارگران فرما قضا خراج تعدادی از کارگران را داشت که با مشاهده آنجا کارگران عقب نشینی میکنند.

*** - روز ۱۴ مرداد ۵۵ تا ۶۰ نفر از زندگان و کبک رانندگان ماشین سنگین در مقابل نخست وزیری سابق، دفتر بنی صدر متحصن کرده اند. مضمون پلاکاردهای اینان اعتراض به بیکاری چندین ماهه شان بوده است.**

*** - در کارخانه مینو -**

از بعد از جریان گروگان گیری خروشا هی شورای کارخانه تعطیل بوده است. ماه گذشته انتخاب نمایندگان برای تشکیل شورا دوباره آغاز شد اما این نمایندگان قسمت قسمت انتخاب میشدند و کارگران مبارزه این شیوه انتخابی را که مانع شناخت نمایندگان قسمت های مختلف کارخانه میشد، مخالفت و در بعضی از قسمت ها انتخابات را تحریم کرده اند.

*** - کارگران شرکت سا -** ختمانی پور سا از روز ۱۱ تیر متحصن شده اند و متحصن آنها تا ۱۵ مرداد ادامه داشت علت تحمیل کارگران اخراج ۸۵ نفر از ۲۰۰ شرکت سا ختمانی بوده

*** - با اخره بعد از درخو -**

استهای مکرر انجمن اسلامی بخش چگنی، جهاد سازندگی لرستان و حزب جمهوری اسلامی خرم آباد مبنی بر انحلال آموزش و پرورش بخش چگنی، روز ۱۷ مرداد، انحلال آموزش و پرورش بخش چگنی از سوی فرماندار خرم آباد اعلام شد. بخش چگنی یکی از بخشهای تابعه شهرستان خرم آباد می باشد. و علت انحلال آموزش و پرورش آن وجود شورای معلمان بخش چگنی است، که موقوفی بوده و از خواستهای صنفی و سیاسی معلمان آن بخش و سایر مناطق پشتیبانی نمیکرد. تعدادی از معلمان نیز توسط هیئت پاکسازی اخراج شده اند که نفوذ بسیاری در میان مردم و دانش آموزان دارند.

*** - بدنبال موج تصفیه** در ادارات و وزارتخانه ها اخیراً صد نفر از معلمان گنبدرا اخراج کرده اند.

*** - در پی هجوم گسترده**

فالانژها و مزدوران حکومتی به شهرهای مازندران و گیلان، شب جمعه ۱۰ مرداد ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر فالانژ از بهشهره ساری میاورند، که با شعارهای "حزب الله پیروز است، منافق نابود است" و "حزب فقط حزب الله" به دکه ها و بساط های مجاهدین حمله میکنند و طبق معمول به سوزاندن کتابها و جزوه ها دست میزنند. درگیری از ساعت ۱۰ شب تا ۳ صبح ادامه داشت که در آن مجاهدین در مقابل این هجوم وحشیانه سرسختانه مقاومت میکنند. در این جریان چند تن از هواداران مجاهدین چاقو میخورند. و یک رستوران که روبروی دفتر سابق مجاهدین واقع شده با این بیها نه که متعلق به منافقین است به آتش

*** - روز دوشنبه ۲۰ مرداد**

سه نفر با در دست داشتن حکم دادستانی جهت باز دید و تفتیش به دانشگاه آزاد گنبد می آیند. در این روز مربیان دانشگاه جهت شرکت در سمینار انقلاب فرهنگی به تهران رفته بودند و تنها مسئول کتابخانه در دانشگاه حضور داشت. این سه نفر تمام اتاقها، کتابخانه و حتی کشورهای میزکار رکنان را تفتیش میکنند و بسیاری از اشیاء را ضبط کرده یا خود میبرند. و در مقابل اعتراض کتابدار به چنین تفتیش فاشیستی، خود کتابدار را نیز دستگیر میکنند.

*** - ساعت ۶ روز دوشنبه**

۶ مرداد پاسباران با اونیفورم ویژه و به همراه افراد جهاد سازندگی ۴ دکه کتابفروشی را در آبادان دزدیدند. این دکه ها متعلق به سازمان پیکار و سازمان رزمندگان بوده است. رفقای صاحب دکه ها بلافاصله در محل دکه های ربوده شده میگردانند فعالیت خود را از سر گرفته اند. تعدادی از رفقا نیز متهم های افشاکاری در مورد این دزدی و قبیاحت تهیه و با مردم به بحث و گفتگو میپردازند. مردم یکپارچه این دزدی بی شرمانه پاسباران را محکوم و از نیروهای انقلابی حمایت کرده و به آنان کمک مالی میگردانند. کارگزاران با دستمال پهنه بسته چند تومان در صندوق انداخته و در روز بعد رفقای هوادار سازمان در این محل به عنوان اعتراض به این یورش پاسباران تظاهراتی برپا کردند و شعار می دادند: "دزدیدن دکه ها توسط ارتجاع محکوم است، محکوم است". برای حل بحران زحمتکشان باید حکومت کنند.

*** - مقدار معتنایی پول**

و اسلحه بین سران و کدخدایان عشا بیرختیاری توسط عوامل فئودال عشا بیرختیاری تقسیم شده است.

*** - صبح جمعه ۱۷ مرداد**

یکی از اعضای فعال جنبش معلمان مسلمان، مجاهدین علی فلاحپور در حالیکه به اتفاق یکی دیگر از مجاهدین سوار بر موتورسیکلت از یکی از خیابانهای قائم شهر عبور میکرد، بعلمت پیچیدن ناگهانی یک پیکان زرد رنگ بی شما ره در جلو آنها که منجر به برخورد با چراغ برق میشود به شهادت رسیده و رفیقش نیز به شدت زخمی و بیهوش میشود. نیروهای انقلابی قبلاً نیز این پیکان بی شما ره را در حال گشت زنی در شهر دیده بودند. صبح شنبه تشیع جنازه شهید با جمعیت انبوهی از مردم شهر و هواداران سازمان مجاهدین در سرا سر شهرهای مازندران از بیماستان "ولی عصر" ۳ غاز شد. تمام نیروهای انقلابی در این تشیع جنازه شرکت داشتند. در هنگام عبور جمعیت از مقابل دفتر

*** - ۲۸ نفر از کارگران**

مبارزو آگاه قسمت آرماتور بندری و تخته بندی سیمان ری را از کارخانه اخراج کرده اند. در مقابل این عمل ضد کارگری ۳۰۰ نفر از کارگران استعفا کرده اند و کارفرما نیز با سوء استفاده از صف عظیم بیکاران استعفا آنها را قبول کرده و از کارگران بیکار را استخدام کرده است. تولید کارخانه بعلمت ناواری کارگران به ۱/۳ تقلیل یافته ۳۰۰۰ کارگر اخراجی به دفتر بنی صدر شکایات کرده اند (در صورت رسیدن خبر جدید، جریان و علل دقیق استعفا را اعلام خواهیم کرد).

این هیات حاکمه، از افشای فاجعه چراهراس دارند؟!

بقیه از صفحه ۱

اشک تمساح میریزد و از سوی دیگر، با مزدوران مسلحش به تحصن برحق با زما ندگان این فاجعه حمله کرده و وحشیانه آنها را از محل تجمعشان میپراکند. حکومت، که اینک قریب دو سال است برای تدارک محاکمه مسببین فاجعه سینما رکس، با زما ندگان دلسوخته شهدارا، سردوانیده است، و بویژه حدود سه ماه ونیم است که در مقابل تحصن معترضان این با زما ندگان عاجزانسه مهرسکوت برلب زده است، این روزها درکنار با صلاح ادای احترام شهدای سینما رکس، خانواده های مبارزانها را ببا حمله گرفته است.

روزی از دهم مرداد در حالیکه یادی حکومت، ما م جمعه وفرما را شهر، با پیام ها و اطلاعیه های خود، با زما ندگان شهسدارا برای شکستن تحصن، تهدید کرده بودند، در نیمه های شب، ناگهان بیش از دویست پاسدار مسلح به رهبری حاکم شرع به اداره دار- ایی - محل تحصن با زما ندگان - یورش برده و با وحشیگری بسی نظیری آنان را ببا دکتک گرفته و از محل خارج میکنند. اما چون با مقاومت با زما ندگان روبرو میشوند، به شگرد سیاه تری متوسل شده و آنان را با زور سرنیزه به داخل مینی بوس میریزند و در بیا- با نهایی اطراف شهر پیا ده میکنند. آنها زنی را با فرزند خردسالش در بیا با نهایی نزدیک گورستان شهر به بیرون پرتاب کرده و به او میگویند: "شما که طرفدار خلق هستید، بروید پهلوی خلقتان بخو- ابید! با زما ندگان مبارز شهدای سینما رکس، خشمگین از اینهمه ددمنشی، همان شبانه در خیابانهای شهر دست به راهپیمایی سی رده و این اعمال کثیف را افشاء میکنند. مردم که وحشت زده از خواب پریده اند، به تظاهرات میپیوندند. پیرزنان و مادرانی که هر کدام در فاجعه سینما رکس چند فرزند خود را از دست داده بودند، با چهره های برفروخته و مشیت های گره کرده، در حالیکه از مبارزه رودر رو با پاسداران مزدور و مسلح، لباس هایی پاره و خون آلود برایشان بجا مانده است، در پیشاپیش جمعیت حرکت میکنند. آنها فریاد میزنند: مرگ بر پاسدار حاکمی سرمایه دار!، حمله با زما ندانه حمله به انقلاب است!

مردم خشمگین شهر، تمام شب را، چون رودی خروشان در خیابانهای شهر میگردند و فریاد دعیا نشان، پشت ارتجاع را می لرزانند! در اولین ساعاتی صبح، خبر به سرعت برق در تمام شهر میپیچد و حرکت آغاز میشود. آنروز تمام راهها به خیابان شهرداری ختم میشوند! اینجا میعادگاه شهدا، محل تحصن با زما ندگان آنها و کانون تجمع انقلابیون و افشاگری است. هر لحظه بر تعداد جمعیت اضافه میگردد. پاسداران و وپاسبانها، مسلح، درون و بیرون اداره دارایی را اشغال کرده اند و مقواهای افشاگری با- زما ندگان و نیروهای انقلابی که تا دیروز در دیوار منطقه را

پوشانده بود، به آتش میکشند. تمام خیابان از جمعیتی م- میزند که در هر گوشه، در اجتماعات کوچک و بزرگ جمع شده اند. عد- های از با زما ندگان مجروح که شب را در بیمارستان گذرانده اند، حالا با سروصورت پانسمان شده، خود را به جمعیت میرسانند. کم کم فریاد شعارها از گوشه و کنار به آسمان برمیخیزد. مرگ بر ارتجاع! مرگ بر پاسدار! حمله به با زما ندانه، بدست پاسداران محکوم است، محکوم است! با زما ندانه، با زما ندانه حمایت میکنیم! یکی از با زما ندگان، در گوشه ای از خیابان، آخرین اطلاعیه ای را که درهما نروضا در کرده اند، بصدا ی بلند برای مردم میخواند و آنها برای راهپیمایی غروب دعوت میکند.

پاسداران با تفنگ های آمریکایی خود به جمعیت حمله میکنند. شلیک تیر هوایی، دود آشنای باروت را در هوا میپراکند! سرانجام جنگ و گریز خاتمه مییابد و مردم پراکنده میشوند. آنها خود را برای تظاهرات غروب آماده میکنند.



از حوالی غروب، شهر آبادان حال هوایی دیگر دارد. مردم از هر سوبه سمت اداره دارایی می آیند و فرزندانشان دلیر شهر، خود را برای حمایت از با زما ندگان شهدای قهرمان آبادان، آماده کرده اند. اولین شعارها با نفیر گلوله هم آغاز میشود! پاسداران که اینبار مشتی چماق را راهم به همراه خود آورده بو- دند، به مردم حمله ور میشوند. اما مردم بیدی نیستند که از این با دها بلرزند! مردم در مقابل این حمله های سیاهانه، مقاومت جانانه ای را سازمان میدهند. پاسداران مسلح از یک سو و پاسداران بالباس شخمی از سوی دیگر، یکی با تفنگ و دیگری با چماق مردم را به با حمله میگیرند. در این میان، با زما ندگان که خود مستقلا از جلوی سینما سهیلا بقصد سینما رکس راه افتاده اند، به محل حادثه میرسند. کوچه ها و خیابانها سرشار از جمعیت است. دیری نمیگذرد که یک راهپیمایی با شکوه، در حالیکه صدای رعد آسای مردم خشمگین تمام شهر را پوشانده است، برآه میافتد: این است آزادی ما، گلوله بر سینه ما!

پاسدار، پاسدار، عامل قتل و کشتار!

جان دادیم، خون دادیم، که حقمان بگیریم، نه حقمان بگیرند!

حدود ساعت ۱۰ شب، راهپیمایی به پایان میرسد. از این ساعت به بعد در بسیاری از نقاط شهر، جوانان دلیری که کاسه صبرشان لبریز شده است، به پرپا کردن تظاهرات موضعی میپردازند. آنشب آبادان در آتش این خشم میسوزد!



صبح فردا که بیست و نهمین روز ماه رمضان شهر تعطیل است، مردم دسته دسته به سمت گورستان میروند و در پاییان مراسم با شعارهای

برق را باد جمه - وری دمکراتیک خلق!

بقیه از صفحه ۷



این هیات حاکمه ...

چون بازمانده زندانی آزاد با پدگردد!
مرگ بر ارتجاع، مرگ بر آمریکا! راهپیمایی میکنند.



روز ۱۶ مرداد، مردم آبادان بار دیگر بدعوت بازماندگان دربار زار جمشید آباد جمع میشوند. رادیو تلویزیون حکومت این تظاهرات را غیر قانونی (!) اعلام میکند. اما مردم دلیر شهر قانون انقلابی خود را جایگزین قانون های ضد انقلاب میکنند. حکومت مطابق معمول این اقدام را عملی از جانب گروه های وابسته و مزدور که پشت نقاب خانوادۀ شهید پنهان شده اند!! قلمداد میکند. اما خود نیز به بی اعتباری حرف هایش واقف است. زیرا با دست دیگرش - که پاسداران مسلح و مزدوران حزب الهی باشند - به جمعیت تظاهرات کننده با شلیک گلوله و گاز اشک آور حمله میبرد و این بار هم تعدادی از مردم بشدت مجروح میشوند. جمعیت بطرف کوچه های اطراف میدود و مردم درهای خانه هایشان را بر روی جمعیت میگذارند. اما چند لحظه بعد تعرض جمعیت دوباره آغاز میشود. مردم با مشت های گره کرده و عزمی راسخ فریادکنان به خیابان می آیند و در همین زمان به جمعیتی که از گورستان راهپیمایی کرده و به آنجا رسیده است، میپیوندند. دوباره صدای خشمگین خلق، پرده تاریک شب را میزدود و آسمان آبادان را بلرزه میاندازد. فریادهایی که حکومت خود را در مقابلشان حقیر و عاجز میباید:

این هیات حاکمه از افشای فاجعه، چرا هراس دارد؟!



مبارزه بازماندگان با سرسختی ادامه دارد... *

بقیه از صفحه ۲

ضد انقلاب ...

وضع نیست.

اما از طرف دیگر نیروهای مزدور امپریالیسم نمیتوانند با یک کودتا، خرده بورژوازی را از حکومت رانده و به تنهایی وبا تثبیت حکومت مزدور آمریکا به سرکوب انقلاب مشغول گردند. رشد روزافزون مبارزه طبقاتی در سراسر ایران، مسلح بودن مردم در بخش هایی از ایران، وجود نیروهای انقلابی و کمونیست مسلح، در کنار وجود سپاه پاسداران که در صورت وقوع کودتا از موضع ارتجاعی با مزدوران مستقیم امپریالیسم به جنگ برخاسته و خواست، چشم انداز جنگ داخلی را در مقابل ما خواهد گشود.

مسلح کردن عشار در جنوب، فرستادن عناصر مزدور به کردستان سرآغاز تدارکی برای یک جنگ داخلی است. جنگی که در صورت وقوع قدرت گیری کارگران و زحمتکشان را در دسترس روز کمونیست ها و نیروهای انقلابی قرار داده و سازماندهی توده های مسلح و جذب کارگران و زحمتکشان به قطب پرولتری را به عنوان وظیفه ای بلافاصله مطرح خواهد کرد. زیرا این تنها توده های مسلح تحت رهبری طبقه کارگر و همراه با نیروهای انقلابی هستند که میتوانند با مبارزه با تمامی دشمنان مزدور حکومت کارگران و زحمتکشان را برقرار و برای همیشه به سلطه سرمایه داران و ارتجاع و امپریالیسم پایان دهند! *

بقیه از صفحه ۱۵

اخبار کردستان ...

معمولا تعداد زیادی از کارگران و روستائیان و دانش آموزان و مردم، برای حل مشکلات یا طرح مسائلشان به مقر کومه له سر میزنند.

بمب گذاری در مقابل مقر کومه له به احتمال قوی کار همان دارودسته مزدوری است که قبلا دونفرشان توسط کومه له دستگیر و در یک دادگاه خلقی محاکمه شده اند.

سندج:

۱۷ مرداد: سه روز است که بعنوان اعتراض به اعدام ۹ نفر از مبارزین مغازه های شهر سندج بسته شده است.

سردشت:

بدنبال تحریکات نظامی حزب دمکرات علیه روستائیان منطقه و پیشمرگان کومه له، پیشمرگان کومه له شروع به گشت سیاسی در دهات حومه سردشت نموده اند. در این جریان اجتماعات بزرگی در شهرک ربط، روستاهای امیر آباد (میراوی)، واون و دیگر روستاهای منطقه ترتیب داده و برای مردم سخنرانی نموده اند. سخنرانان کومه له همه جا از موضع خود در مورد جنبش مقاومت و حزب دمکرات سخن گفته و از مردم میخواهند که این اعمال حزب دمکرات را محکوم کرده و او را ادا کنند که از اینجا دزدگیری دست برداشته و بجای آن نیروهای خود را به جبهه مقاومت در برابر سرکوبگران خلق اختصاص دهد. (کوتاه شده) نقل از خبرنامه کومه له

* - بعد از قیام بخشدار دهات "چشمه نادی" در اطراف ورامین، زمین های مالک ده را بین عده ای از روستائیان که زمین نداشتند تقسیم کرده و ۲۰ هزاره ۱۹ هکتار را با هم کشت و برداشت میکنند. سپس از مدتی مالک زمین ها که می بینند، ساواکی ها آزادند فتوای آنها و وضعشان خوب شده و به زمین هایشان بر میگردند، تصمیم میگیرند به بدیدویک آخوند را بخود میآورند و قبلا هم ترتیبی میدهند که بخشدار را عوض کنند. آخونده به میان روستا - ثیان آمده و به مردم میگوید که "بله بخشدار کمونیست بوده، این زمین ها شرعی نیست و باید به صاحبش برگردند". روستائیان هم در مقابل این حرف های سر - اپادروغ و نیرنگ آخونده و مالک را مفضلا کتک زده و بخشدار را هم به سرکار خود بر میگردانند!

* * *

اول مهر نزدیک است!

در پی توطئه با مصلاح "انقلاب فرهنگی" و بستن دانشگاهها، اینک که یکماه به بازگشایی مدارس باقی مانده است رژیم برای بسط این انقلاب کذابی به معلمان و دانش آموزان پرداخته است. آنها که مبارزات پرشور معلمان و دانش آموزان را در سال تحصیلی گذشته برای حفظ و گسترش دستاوردهای انقلاب فراموش نکرده اند، اینک قصد دارند با اخراج معلمان مبارزو تا رومار کردن دانش آموزان از این مدرسه به آن مدرسه و اعمالی از این قبیل از هم اینک جلوی مبارزات خلق را بگیرند. رژیم جمهوری اسلامی و وزیر آموزش و پرورش بغایت ارتجاعی اش - رجایی - که اکنون با یاری حزب جمهوری اسلامی به نخست وزیری رسیده است، از تصویب هیچ قطعنامه ضد دموکراتیک و انجام هیچ عمل سرکوبگرانه و ارتجاعی در رابطه با مبارزات دموکراتیک دانش آموزان و معلمان خودداری نکرده و نمیکند.

تصفیه معلمان مبارز و انقلابی که از همان آغاز سال تحصیلی ۵۸ - ۵۹ آغاز شده بود در تمام مدت تابستان ۵۹ ادامه داشت و قطعنامه های رنگ و وارنگ برای معرفی این عناصر مبارز که حاضریه سرسپر دگی به رژیم جمهوری اسلامی و فریب شاگردانشان نبودند، صادر گشتند. در این قطعنامه ها به جاسوسان قول داده میشد که نامشان هیچگاه فاش نمیشود و به آنان رهنمود میدادند که "آنها تیکه ضد اسلام هستند و بهر عنوان میکوشند تا افکار دانش آموزان را منحرف سازند (۱؟). آنها تیکه با اعمال و رفتار خود میخواهند به انقلاب اسلامی لطمه بزنند و مسلمین و مردم را نسبت به اسلام بیزار و بدبین کنند" و خلاصه هر کس که سرسوزنی از جمهوری اسلامی انتقاد کرد، معرفی کنی تا آنها را اخراج کنیم. (ناممه شماره ۳۲۷۹۷/۱ ۵۸/۱۱/۲)

اما معنی این حرفها را دیگر بیشتر

مردم ایران میدانند. حکومتی که تمام نیروی خود را برای حفظ نظام پیوسیده - سرمایه داری وابسته بکار گرفته است تمام مبارزان و مخالفان رژیم سرمایه داری را با حربه اسلام میکوبد. و از این حربه برای تمامی اعمال جنایتکارانه، سرکوبگرانه و ضد انقلابی در جهت منافع ضد مردمی خود استفاده می نماید. چنینی است که بخشنا - مه های جاسوس پرور حکومتی تحت لوای این جملات ریاکارانه، انقلابیون راستین را، کارگران و زحمتکشان را، و معلمان و دانش آموزان مبارز را سرکوب مینماید. اینان خوب میدانند که نقش یک معلم انقلابی و مبارز در زندگی و مبارزه دانش آموزان شاگرد بسیار مهم و موثر میگردد. راه شاگردان رفیق صمدیهرنگی، شاگردان رفیق بهمن عزتی و رفیق عبدا - الله قزل و مبارزه آنان با تمام مزدوران و حامیان حکومتی سرمایه داری این آقایان را به وحشت می اندازد، و از این روست که رژیم جمهوری اسلامی دهها تن از مبارزترین و دلاورترین معلمان از قبیل گرجی بیانی، بهمن عزتی، عبدا - لله قزل، عزیزیان (دبیر سیرجانی که بعزت فروش و پخش نشریات انقلابی دستگیر شد) را به جوخه اعدام سپرده است. و از این روست که حزب جمهوری اسلامی شب و روز فریاد میزند که باید معلمان "مکتبی" باشند و حتی تحمل دیدن هواداران رقیب و همپالگی خود بنی صدر را ندارد.

آموزشگاه های تربیت معلم در سال گذشته از ضد دموکراتیک ترین محیط ها بوده و انواع قوانین فاشیستی بر آن حکومت داشت تنها روزنامه ای که در آنجاها خوانده میشد، روزنامه جمهوری اسلامی بود. انجمن های اسلامی در رابطه با اتمام سپاه پاسداران و در پی انجام وظیفه ضد مردمی خود هر کس را که به جستجوی اندک

آگاهی میشتافت، بیرون میکردند. استخدام در آموزش و پرورش با سئوالاتی که بسیاری از آنها تفتیش عقاید ه قرون وسطایی را به یاد میآورد همراه بود و درخواست کنندگان برای استخدام میبایست از هفت خوان رستم رد شوند!

اینک بعد از ۱۸ ماه اعمال فشار و زور و سرکوب در تمام عرصه ها و از جمله در آموزش و پرورش که به حق، همواره یکی از مهمترین محیط های مبارزه چو در رژیم شاه و چو در رژیم جمهوری اسلامی بوده است و بعد از تصفیه نزدیک به ۱۵۰۰۰ آموزگار و دبیر که بسیاری از آنان از مبارزترین و انقلابی ترین فرزندان میهن بوده اند، با نزدیکی شروع سال تحصیلی، فشارها افزایش یافته است.

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به جای حل مشکلات واقعی دانش آموزان از قبیل کمی معلم، وجود کلاس های پر جمعیت، نبود مدارس در بسیاری از روستا - های کشور، نبود بسیاری از رشته های تحصیلی در بسیاری از شهرستانها، کمبود کتب درسی و مطالب غیر علمی آن، دست به یکسری عملکردهای ارتجاعی زده اند. در حالیکه دانش آموزان همواره از کمی معلم و بخصوص نبود معلم های علوم و ریاضی - که اکثر آنها هستند - در رنج و عذاب بودند، با تمامی نظرات ارتجاعی و واپسگرایانه اش در صدد جدا کردن معلمان زن و مرد در مدارس پسرانه و دخترانه است و در واقع به مقام دبیران و آموزگاران توهین میکند.

رژیم جمهوری اسلامی مدارس را باز میکند و از دانش آموزان ثبت نام میکند اما با هزاران قید و شرط از والدین دانش آموزان تعهد میگیرد که "دانش آموز باید فقط کتابها و وسایل تحصیلی خود را همراه داشته باشد و از آوردن لوازم غیر ضرور

بقیه در صفحه ۱۲

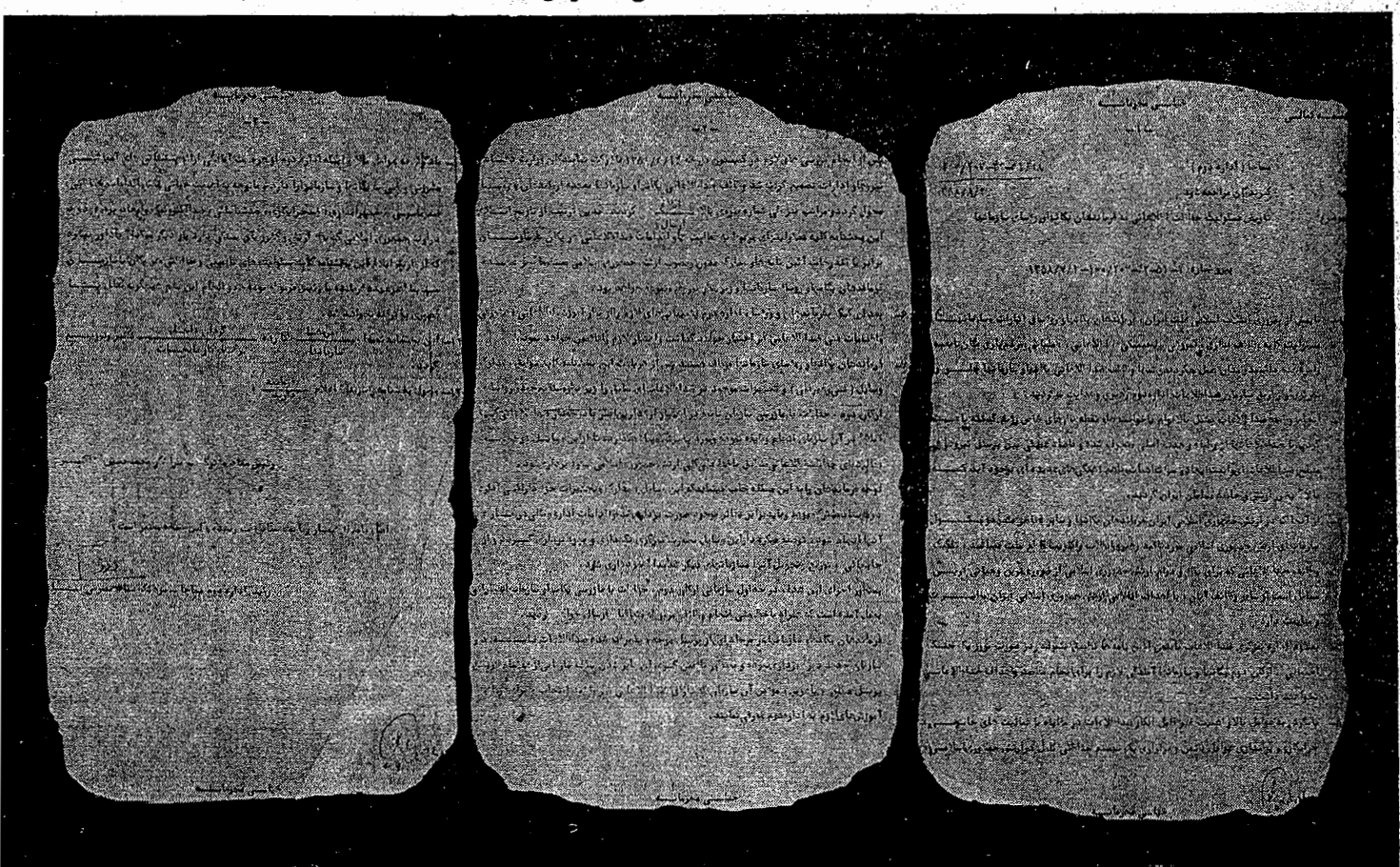
تفتیش عقاید و اخراج معلمان مبارز محکوم است!

با بکارگرفتن جاسوسان کهنه کار ضد اطلاعات

ارتش پوسیده شاه بازسازی میشود!

اینک قدم جدیدی بسوی بازسازی ارتش شاهنشاهی برداشته میشود. طبق یک بخشنامه وظایف ضد اطلاعاتی در ارتش جمهوری اسلامی به فرماندهان یگانها و روسای ادارات و سازمانها سپرده شد. سازمان اطلاعات و ادارات دوم زمان شاه خائن را تمام پرسنل انقلابی ارتش به یاد دارند اینان که نقش ساواک ارتش را بازی (ببینید چگونه فرماندهان جنایتکار ارتش آمریکا بی، خود را به ملتی که هفتاد هزار نفر از فرزندانش را قتل عام کرده اند میچسبانند؟! آیا اکثریت قاطع ملت، فلاحی ها، شاکرها، باقری ها، شادمهرها، این فرماندهان مزدور آمریکایی را تا شید میکنند؟) تفکیک وظایف ضد اطلاعاتی که برای بقاء

اول از پرسنل "موجه و پذیرفته شده" ضد اطلاعات سابق در سازمان جدید بهره بردار نموده و به منظور تامین کسری آن تا پرش سقف سازمانی از خوشنام ترین پرسنل صالح، با هوش و مومن آن سازمان که دارای اطلاعاتی نیز باشند انتخاب و به پرسنل دریا فت آموزش های لازم به اداره دوم معرف نمایند (بند ۹ سند)



میکردند، از هرنفیس کشیدنی در ارتش جلوگیری کرده و تمام پرسنل را تحت کنترل داشته و هر حرکت انقلابی و مبارزه جویانه را در منطقه خفه میکردند.

اکنون ارتش جمهوری اسلامی فرماندهی وظایف ضد اطلاعاتی را به فرماندهان یگانها و سایر عناصرتعهد و مسئول سپرده است و علت آن را چنین ذکر کرده است: "از آنجا که در ارتش جمهوری اسلامی ایران فرماندهان یگانها و سایر عناصرتعهد و مسئول سازمانهای ارتش جمهوری اسلامی مورد تأیید رهبری انقلاب و اکثریت قاطع ملت میباشد.

این سند "خیلی محرمانه" که به امضا سرلشکر محمدحسین شاکر رئیس ستاد مشترک و سرهنگ ستاد نصرتی نیار رئیس اداره ۴۰ رسیده است، بیشمارانه عناصر واکتی در ارتش را به خدمت گرفته و از نوکران و مزدوران ارتشی میخواهد که جاسوسانی را که "شبه اطلاعاتی" دارند و سندها را افشاد و "صالح، با هوش و مومن" میخواهند به اداره ۴۰ م معرفی نمایند.

سند از فرماندهان ارتش میخواهد پس از دریافت این بخشنامه کلیه سوابق

دوام ارتش جمهوری اسلامی از ضروری ترین و حیاتی ترین مسائل است از سایر وظایف آنان، با اهداف انقلابی ارتش جمهوری اسلامی ایران (!؟) مغایرت و مبادینست دارد" (بند ۳ سند)

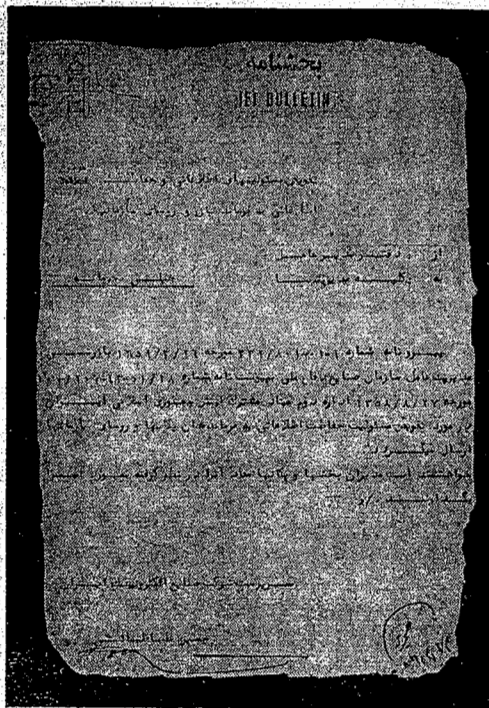
بخشنامه با توجه به چند دلیل ضد پریمی دیگر، فرماندهان مزدور ارتش را به وظیفه جاسوسی و دستگیری پرسنل انقلابی گماشته و به این ترتیب اداره دوم ضد اطلاعات ارتش تحت ریاست این مزدوران بازسازی میشود. بخشنامه "خیلی محرمانه" از فرماندهان یگانها و سایر عناصرتعهد و مسئول

موج اخراجهای ضد انقلابی در شرکت مخابرات!

۳۵ نفر از کارکنان مبارز و انقلابی شرکت مخابرات که تعداد زیادی از آنان نیز اعضای شورای مرکزی و شورای تلفن بین المللی بوده اند در عرض چندین ماه از شرکت اخراج شده اند شرکت مخابرات که یکی از فعالترین مراکز اداری در جریان مبارزه با رژیم شاه در دو ساله ۵۶ - ۵۷ بوده است، بلافاصله بعد از قیام چون تمام کارکنان مبارز و انقلابی را با تمام کادرهای مدیریتی و کارکنان را برکنار کرد. رئیس شورا، تعلیق و اخراج کارکنان مبارز و برود و اعضای شورا و کارکنان مبارزان یکی پس از دیگری اخراج میشوند.

در همان اوایل رئیس منتخب شورای مرکزی مخابرات را که در افشای تمام ساواکها و قراردادهای امپریالیستی فعال بود، به بهانه های از شرکت به قسمت دیگری منتقل و از ریاست شورا برکنار کردند. بعد از چند ماه هیئت پاکسازی وزارت پست و تلگراف که هیچیک از کارکنان آنهارا نمیشناسد، تن از نمایندگان گان شورای مرکزی را اخراج میکنند و در مقابل اعتراض و تحصن کارکنان نسبت به اخراج همکاران مبارز خود در شاگاه مخابرات، یک نفر دیگر از کارکنان مبارز را نیز اخراج میکنند.

بقیه در صفحه ۱۳



ضد مردمی شاه، پشت سر گذاشته اند، این توطئه های بی شرمانه فرماندهان آمریکایی خواب و خیالی بیش نخواهد بود! نه جاسوسان کثیف ضد اطلاعات و نه تسلیحات آمریکایی، هیچ کدام قادر نخواهند بود تا لاشه متعفن ارتش ضد خلقی شاهنشاهی را دوباره زنده کنند. زیرا چه در داخل این لاشه پوسیده و چه در بیرون آن، همه جا انقلابیون، کارگران و زحمتکشان با اراده ای استوار خود را آماده میسازند تا آخرین ضربه را بر پیکر پوسیده اش فرود آورند.

مدارک، وسایل (فنی و غیر فنی) و تجهیزات موجود در ضد اطلاعات های سابق را زیر نظر مستقیم خود و روسای ارکان دوم حفاظت یا سازمان بازرسی سازمان تابعه در اختیار ارشدترین افسر یا درجه دار ضد اطلاعاتی که قبلاً در آن سازمان انجام وظیفه نموده و مورد پذیرش میباید گذارده تا از این وسیله جهت فعالیت های حفاظتی اطلاعاتی منطبق با خط مشی کلی ارتش جمهوری اسلامی بهره برداری شود (بند ۲ سند)

آری! ارتش جمهوری اسلامی، ارتش مسلمان شده رژیم شاه روز به روز بیشتر و بیشتر چهره چوب ضد مردمی و ضد انقلابی خود را ترمیم کرده و با استفاده از مزدورترین عناصر ارتش شاه خود را برای سرکوب توده ها آماده میگردانند، ارتشی که ضد اطلاعات آن از فعالترین بخش های ساواک بود، ارتشی که فرماندهان آن تمام ما در آمریکا تعلیم دیده بودند، ارتشی که ۱۷ شهریور ۸۰ بهمن ها را بوجود آورد، اینک برای بوجود آوردن کشتارهایی دیگر با سازی و ترمیم میشود. و فرماندهان مزدور ارتش و قیاح نه دستور استفاده از همان عناصر ضد مردمی سابق را می دهند. اما دیگر خیلی دیر شده است!

در حالیکه کارگران و زحمتکشان ایران نجار بگرا نیهای از مبارزات قهرمانان خود را پشت سر گذاشته اند، و بویژه در شرایطی که سربازان زحمتکش و پرسنل انقلابی ارتش، نجار ب تلخ اطاعت کورکورانه را در ارتش

بقیه از صفحه ۱۰ اول مهر ۰۰۰

خود داری کند" (!!) مقامات آموزش و پرورش جمهوری اسلامی خوب میدانند که هر روز صبح در کیف یا جیب هر دانش آموز مبارز و انقلابی کتابی و اعلامیه ای برای آگاه کردن دوستان و معلمان شان وجود دارد، خوب میدانند که دانش آموزان برای مبارزه با سرکوبیهای فاشیستی آنان بیگانه و افشاگری خواهند کرد و خوب میدانند که اینها لوازم دیگری غیر از کتاب و وسایل تل تحصیلی میخواهد. از همین روست که حکومت از هم اکنون در صدد است از طریق والدین دانش آموزان آنها را تحت فشار قرار دهد!!

در حالیکه تنها معلم "مکتبی" و پادشاه واقع معلم طرفدار و سرسپرده حزب جمهوری اسلامی انتخاب میکنند و هر کس که استبداد

آگاه و اندک مخالفتی با رژیم جمهوری اسلامی داشته باشد اخراج است، از پدران و مادران تعهد میگیرد که "دانش آموزان آنها حق دارند به تضادهای گروهی را در مدارس ندارند" چون محیط آموزش باید خالی از هرگونه تضادهای گروهی باشد! زهی وقاحت و بیشرمی!!

* * *

آری اینها همه تدارک ضد انقلابی و ضد مردمی رژیم برای سالتحصیلی آینه شده است: بستن دانشگاهها از یک سو و صدور هزاران قطعه نامه و انجام هزاران تصفیه برای بازگشایی مدارس، اما آیا این تلاشها میتواند مانع سدی در مقابل مبارزات دانش آموزان و معلمان انقلابی باشد؟ آیا دانش آموزانی که حماسه ۱۳ آبان را آفریدند، دانش آموزانی که پا به

پای پدران و مادران شان و برادران و خواهران شان، در روزهای قیام سنگر ساختند و در تمام زمستان سال ۵۷ اعلامیه پخش کردند و در رژیم جمهوری اسلامی نیز دمی از مقابله و مقاومت علیه اعمال ضد مردمی آموزش و پرورش و رژیم دست نکشیدند، امسال علیرغم تمامی سرکوبیها آشکارا و ضد انقلابی، آرام خواهند نشست؟ به اخراج معلمان شان تن در خواهند داد؟ فشارهای سیاسی را تحمل خواهند کرد؟ خلاصه از مبارزه دست خواهند کشید؟ نه! دانش آموزان و معلمان انقلابی و مبارزان امسال نیز چون سالهای گذشته همانند دانش آموزان و معلمان دلیروغیور کردند. ستان در کنار سنگر کارگران و زحمتکشان به مبارزه علیه نظام سرمایه داری وابسته و رژیم جمهوری اسلامی ادامه خواهند داد.

کارگران لهستان...

احترام به آزادی بیان و مطبوعات همانگونه که در قانون اساسی نیز ذکر گردیده است، پایان دادن سانسور و اقدامات تلافی جوینانه بر علیه نشریات مستقل.

آزادی تمامی زندانیان سیاسی - منجمله کارگران و دهقانان باسای ادموند زاد روزیکی در شهر گروزیاز، مارکس کوزلوزکی در شهر اسلویسکه بویان، کوزلوزکی در شهر بویوسه - شلویس.

لغو کلیه امتیازات برای دستگاه های امنیتی و مقامات پامن و خزی از طریق یکسان بودن امتیازات خانوادگی و ستر معازر های مخصوص افراد

وسط کوپن مروحه سود افزایش حقوقها به میزان ۲۰ هزار زلوتی (معادل ۶۸ دلار) ماهانه .

اعضایون مدت زمان اعتصاب را بعنوان مرخصی با دریافت حقوق بگیرند.

همانگی خودکار سطح مزیند زندگی با حقوقها .

انتشار اخبار اعتصابات از طریق رادیو تلویزیون و مطبوعات و اجازه تشکیل کمیته اعتصاب بین کارخانجات

یک حکومت کمونیستی قلمداد کنند .

امپریالیست های غربی و مطبوعات و خبرگزاریهای مزدور آنها سعی میکنند با "سوسیالیستی" قلمداد کردن حکومت لهستان ، سوسیالیسم و کمونیسم را لجن مال کنند . آنها میخواهند اینطور تبلیغ کنند که در حکومت سوسیالیستی نیز خواهسته ها و نیازهای کارگران برآورده نمیشود و بدین ترتیب کارگران را از وحمت کشان را نسبت به سوسیالیسم و کمونیسم بدبین سازند . و از مبارزات آنها برای نابودی نظام فاسد سرمایه داری و برقراری حکومت کارگری جلوگیری نمایند .

ما برآنیم که حکومت هایی از قبیل دولت رویزیونیستی لهستان ، دولتی سوسیالیستی نیستند و گردانندگان چنین رژیم هایی با سلب قدرت کارگران به حکومت رسیده اند .

ما میپرسیم چگونه امکان دارد که در یک حکومت با مطلق کارگری ، خودکارگری ان دست از کار کشیده و از خودشان دستمزد بیشتر طلب کنند ؟!

ما میپرسیم آیا امکان دارد که کارگران در کشوری که به آنها ستادعای حاکمیت کارگران را یدک میکشد ، آنچنان در فشار اقتصادی باشند و نیز با آنچنان اجاعات سیاسی روبرو شوند که به سرای تحقق خواسته های خود ، مجبور به اعمال فشار و مبارزه بر علیه حکومت با صلاح سوسیالیستی گردند ؟

ما معتقدیم حکومت سوسیالیستی و کمونیستی یعنی حکومت کارگری ! در چنین رژیم ، کارگران خود حکومت را در دست دارند ، در حالی که در کشورهای نظیر شوروی و لهستان - که رویزیونیست ها آنها را سوسیالیست قلمداد میکنند - مدتهاست که طبقه کارگر قدرت سیاسی خویش را از دست داده است . اینگونه حکومت ها چون کارگری نیستند ، صدکارگرند !

از این روست که ما کمونیست ها قاطعانه از خواسته های برحق کارگران اعتصابی لهستان حمایت کرده و هرگونه حرکت سرکوبگرانه دولت رویزیونیستی لهستان را در جهت سرکوب کارگران اعتصابی شدت محکوم میکنیم .*

تشکیل کانون مستقل معلمان کردستان

جمعیت مستقل معلمان مبارز کردستان ایران برای دفاع از حقوق فرهنگیان اعلام موجودیت کرد . بعد از اعمال ضد دموکراتیک حکومت مبنی بر اخراج همه معلمان و تعطیل مدارس و برگزاری امتحانات سال تحصیلی ۵۹ - ۵۸ و به منظور مقابله با این اعمال جمعیت مستقل معلمان مبارز کردستان طی بیانیه ای خطاب به هموطنان و فرهنگیان مبارز از مردم سراسر ایران خواسته است که از فرهنگیان کردستان حمایت کرده و بیاضهای هیئت حاکمه را در رابطه با برپا میهای ضد فرهنگی افشاء کنند و به فرهنگیان مبارز سراسر کردستان پیشنهاد کرده است که با تحریم هرگونه پرسشنامه و انجام محاسبه برای استخدام محدود و جدت مبارزاتی خود را استحکام بخشند . بیانیه دریاپان از دانش آموزان مبارز کردستان خواسته است که با اعتراض دسته جمعی علیه انحلال آموزش و پرورش ، اعدام و اخراج ، تبعید و زندانی کردن فرهنگیان و دانش آموزان مبارز دست زنند و از تعطیل مدارس جلوگیری کرده و شرکت در امتحان را در شهرهای دیگر تحریم نمایند !*

بقیه از صفحه ۲۲ - موج اخراجهای ۱۰۰۰ در مقابل این موج اخراجهای ضد انقلابی ، مسئولین شرکت بی شرمانه تعدادی از افراد جهاد سازندگی را به شرکت میآورند تا کار با دستگاهها را یاد بگیرند و از کارکنان میخواهند که به آنها این کار را یاد بدهند ! کارکنان یکپارچه از آموزش به نور چشمی های حکومت خودداری کرده و خواهان آن میشوند که آنها نیز برای استخدام همان براخیل عادی را طی کنند ، اما نه تنها جوابی نمیشنوند بلکه با زهم با حکم تعلیق یکی دیگر از همکاران مبارز خود روبرو میشوند و این بار یعنی ۱۸ ماه پس از استقرار جمهوری اسلامی و در ادامه سیاست سرکوب مبارزه توده ها - کارکنان معترض با پاسداران ژان ۳ بدست عناصر مزدور انجمن اسلامی روبرو میشوند !!

اما کارکنان مبارز شرکت محابرات هیا بدست می توده های مردم به مبارزات و اعتراضات خود ادامه میدهند .*



در کشت و صنعت کارون:

هر روز نیرنگ کثیف دیگری برای اخراج!

بدنبال دستگیری نمایندگان شورای کارخانه

کشت و صنعت و اخراج عسده ای از کارکنان مبارز و آگاه شرکت که چندی پیش در نیمه دوم اردیبهشت صورت گرفت، مسئولین شرکت در صدد تدابیر آشکار و پنهان مختلف به کارگران فشار آورده و در مقابل اعتراض کارگران، به اخراج هر چه بیشتر آنها بابت بستن تمامی شرکت دست بزنند.

مسئولین شرکت در این راه از هیچ توطئه کوتاهی نمیکنند. تعدادی از کارگران پیمانی را بعد از چند سال کار رسمی کردند ولی در قبال این رسمی کردن،

حقوق آنها را کم کرده اند، سربیس ها را قطع کرده و نگهبانها مناطق مسکونی کارگران شرکت شوسترنو، بوستان و نئی شر را اخراج کرده اند. این عمل باعث اعتراض شدید اهالی محل و ارسال تقاضاها ایشان برای کلاه دور کار فرمای ضد کارگر شرکت شده است. شایع شده است که شرکت میخواهد پول آب و برق و اجاره خانه را از کارگران بگیرد!

کار فرمایان ضد کارگر شرکت کشت و صنعت کارون در صدد تدابیر این توطئه ها و فشارها

مبارزات کارگران اخراجی مسجد سلیمان ادامه دارد!

شهرداری مسجد سلیمان، همچون بقیه ارگانهای مملکتی، سرانجام ماهیت ضد کارگری خود را برملا کرد و با اخراج کارگرانی که با استفاده از شهرداری به کار سازندگی مشغول بودند، بخش دیگری از کارگران را به صف بی انتهای بیکاران کشور افزود. کارگران مبارز شهرداری که از این عمل ضد کارگری به خشم آمده بودند، پس از اینکه با مراجعات مکرر به ادارات دولتی کمترین نتیجه ای نگرفتند، تصمیم شدند تا با اتکاء به قدرت اتحاد و یکپارچگی خود، حقشان را از حلقوم کار فرمای بیرون بکشند. آنها در ابتدا تصمیم گرفتند که در محل کارشان بمانند و علی رغم اینکه حکم اخراجشان بتاریخ هفتم مرداد صادر شده و حقوقشان قطع شده بود، بکارشان ادامه دهند.

اما پس از مدتی که شهرداری از دادن مصالح به کارگاهها خودداری کرد، کارگران مجبور شدند شیوه دیگری را برای مبارزه انتخاب کرده و سرانجام در تاریخ ۱۸ مرداد، در محوطه شهرداری دست به تحصن نیمه وقت زدند.

کارگران، اینک روزها در شهرداری جمع شده و ضمن صحبت و سخنرانی درباره مشکلات خود و مشکلات جامعه، میکوشند که مسئولین ضد کارگر شهرداری را به پذیرفتن خواستهای برحقشان مجبور کنند. آنها هر روز با مشت های گره کرده و راده های استوار و فرسایشی در شعار میدهند: کارگر اخراجی، بر سر کار سابق، ابقاء باید گردد! و این شعارها در حالیکه کم کم مردم مسجد سلیمان را بسوی آنها جلب کرده است، گوش های حامیان سرمایه را کر کرده است!

در این میان بخش عظیمی از کارگران اعتقاد دارند که باید علاوه بر تحصن، از فعالیت های روزمره شهرداری هم جلوگیری کنیم، زیرا آنها با قضاوتی ماهیت کثیفشان، کمترین توجهی نسبت به این ظلم وحشیانه ندارند و تا بطور مستقیم درگیر نشوند،

کارگران را اخراج و شرکت را تعطیل و هزاران نفر را به صف دیگر کارگران و زحمتکشانی بی کار و بی درآمد تبدیل نمودند. بیشتر متقاضیان خود و دیگر سرمایه داران را تا مین کنند. *

توضیح و پوزش

در خبر کارخانه دیسمان اصفهان در "پیک رزمندگان" شماره ۲۱ نوشته شده بود که "کارگران... نتوانستند سود ویژه خود را از ۵۳۱۲۵ ریال به ۸۰۰۰۰ ریال برسانند" این خبر بصورت زیر تصحیح میشود: "قرار شده بود که مبلغ ۵۳۱۲۵ ریال سود ویژه به کارگران پرداخت شود ولی کارگران تقاضای ۸۰۰۰۰ ریال کردند که طی مبارزه کارگران و کار فرما به کمک دادگاه تنها مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال برای یکسال به عنوان سود ویژه علی الحساب به کارگران پرداخت کرده است."

به تحصن ما اهمیتی نخواهند داد. با اینحال نمایندگان کارگران با این کار موافق نیستند و معتقدند که ابتدا باید حمایت مردم را جلب کنیم و بعد به چنین کاری دست بزنیم. در حال حاضر، مسئولین شهرداری، از یک طرف بابت تقاضای نسبت به اعتراض کارگران و از سوی دیگر با حیل و فریب میکوشند تا مبارزات بر حق کارگران را خنثی کنند. از جمله روز دوشنبه بیستم مرداد، قائم مقام شهرداری و نماینده سازمان گسترش به سراغ کارگران آمدند و شخصاً با حرف های فریبکارانه اش کوشید تا کارگران را قانع کند که دست از تحصن بردارند و به سازمان گسترش بپیایند، تا اگر در آینده کاری پیدا شد (!!) ابتدا به این کارگران رجوع شود!

آری، این حامیان سرمایه داری که به احتمال زیاد قبلاً به تعداد زیادی از کارگران زحمتکش و بیکار هم چنین قولی را داده اند، برای اینکه بتوانند به زندگی آسوده و راحت خود و امثال خود ادامه دهند، یکبار دیگر با وعده و وعید، میکوشند تا بخش از کارگران مبارز را هم پراکنده کرده و آنان را هم در ازتیش عظیم ولی پراکنده بیکاران بگنجانند.

در همه جای دنیا، سرمایه داران و حکومت های سرمایه داری چاره ای جز فریب و سرکوب کارگران ندارند. و این واقعیت، بخش کوچکی از اتفاقات فراوانی است که در جهان سرمایه داری هر روز شاهد آن هستیم. کارگران و زحمتکشان، از طریق همین مبارزات روزمره است که به ماهیت کثیف نظام سرمایه داری پی برده و سرانجام از طریق جدت و تشکیلات خود، این نظام ظالمانه را سرنگون خواهند کرد تا بر خرابه های آن، جامعه نوینی سازند که در آن از سرمایه و سرمایه دار، از فقر و بیکاری و از کلیه مظالم جامعه سرمایه داری خبری نباشد. *

با اتحاد و مبارزه توطئه اخراج کارگران را خنثی کنیم!

بقیه از صفحه ۱۶

اخبار کردستان...

بحام پس از مدتی تدارک مقدّمات وزینه چینی، این روزها با انتشار اکاذیب، همسان تبلیغات و اتهاماتی را که سرمداران رژیم جمهوری اسلامی و دشمنان خلق کرد از یکسال پیش علیه من برآه انداخته اند، تکرار نموده اند. بدین ترتیب بخیال خود پیرونده جنبش مقاومت را تکمیل و همه را جز خودشان - لکه دار کرده اند.

سازمان چریکها با این برنامۀ تدریجی همه پیوندهای میان خود و جنبش مقاومت خلق را بریده است تا با خیال راحت تعهداتی را که به آیت الله بهشتی سپرده است، اجرا نماید. در بخش دیگری از اعلامیه شیخ عزالدین وضع کنونی سازمان چریکها (اکثریت) را در کردستان بررسی کرده و با هواداران صادق و انقلابی سازمان چریکها به گفتگو می نشیند:

"خلقهای مبارز ایران! سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت) در ادامه سیاست سازشکارانه خود اکنون عمل در کردستان "ناش به تال" کرده است. یعنی در مقابل یورش هیات حاکمه تسلیم شده و سلاح بر زمین گذاشته است. و اگر اوائل در جنگ مقاومت شرکت داشته است اکنون از اینکار پشیمان بوده و طلب مغفرت نموده است. در نتیجه اندک پایگاه خود را هم در میان خلق کرد از دست داده است. عده قابل توجهی از هواداران صادق و انقلابی آنان برای ادامه مبارزه در صفوف جنبش مقاومت

مت خلق کرد سازمان را رها کرده اند..... به گمان من سیاست تسلیم طلبانه سازمان چریکها (اکثریت) در کردستان بدنبال سیاست آنها در قبال خلق ترکمن، مسئله اشغال دانشگاهها و بطور کلی تسلیم در برابر سیاستهای سرکوبگرانه و خونین هیات حاکمه ضد خلقی در سراسر ایران نشانه یک سقوط سیاسی و به معنای پشت کردن بمبارزات دمکراتیک خلقهای ایران میباشد. هواداران صادق و انقلابی سازمان چریکها (اکثریت) در سراسر ایران!

در حالیکه رفقای شما هر روزه بدست هیات حاکمه دستگیر و اعدام میشوند، رهبران سازمان چریکها (اکثریت) همچنان بدون توجه به جنایات هیات حاکمه به سیاست تسلیم و سازش خود ادامه میدهند و باین ترتیب روح انقلابی، سنتهای انقلابی و میراث انقلابی شهیدان را پایمال میکنند. آنها برای توجیه نزدیکی خود به هیات حاکمه جناح خلقی ضد امپریالیست برای آن اختراع میکنند و شما را در دریای سرد گمی میاندازند. چگونه میتوان رژیممی با این همه جنایات را ضد امپریالیست دانست؟ آیا فرمان یورش به کردستان، قتل عام هزاران نفر از مردم بیدفاع و تیرباران دهها نفر از جمله زنان و دختران انقلابی کرد، ویران کردن شهرها و روستاها، نابودی محصولات و محاصره و فشار اقتصادی، برقراری حکومت نظامی و خفقان فاشیستی در شهرهای اشغال شده کردستان و اخراج دسته جمعی کارمندان و معلمان مبارز مسلح کردن

فتودالها و جاشا علیه زحمتکشان کردستان، همچنین سرکوب خونین خلق ترکمن، زحمتکشان بندرانزلی، دهکداریان، زنان مبارز، اشغال خونین دانشگاهها و اعدام هر روزه انقلابیون در سراسر ایران، بستن دفاتر سازمانهای سیاسی و..... و صدها نمونه از سیاست سرکوبگرانه و خونخوارانه هیات حاکمه جمهوری اسلامی اجازه میدهد که آنرا با جناحی از آنرا خلقی و ضد امپریالیست بدانیم؟ ... آیا شما این سیاست را یک سیاست انقلابی میدانید؟ آیا این همان راهی نیست که حزب تسوده می رود؟ آگاهانه قضاوت کنید و اگر چنین نیست راه خود را از راه رهبران فرصت طلب سازمان چریکها جدا کنید تا از جنبش مقاومت خلق کرد و مبارزات خلقهای ایران جدا نشوید."

در آخرین قسمت اعلامیه مشخصا به اتهامات سازمان چریکها پاسخ داده و مواضع خود را در قبال عوامل رژیم فاشیستی عراق روشن کرده و نوشته است:

"... در سخنرانیها و مصاحبه ها و پیمایهای خود، بارها درباره مسئله وابستگی با امپریالیسم و رژیم سفاک بعث عراق نظر خود را اعلام کرده ام و مجدداً اعلام میدارم که هرگونه وابستگی و سرسپردگی با امپریالیسم و رژیم فاشیستی بعث عراق را که دشمن دیرینه خلق کرد است، محکوم مینمایم. در عین حال که دنباله روی و تسلیم طلبی در مقابل هیات حاکمه ضد خلقی را نیز محکوم میکنم." ... سیاست تازه سازمان چریکها (اکثریت) در جهت ایجاد تفرقه و تزلزل در صفوف

جنبش و نیروهای ملی و انقلابی کردستان بکار افتاده است. بکشمیم تا این سمپا شیها و تفرقه اندازیها را با دقت و هشیاری انقلابی خنثی نمائیم. تقویت و پشتیبانی از جنبش مقاومت خلق کرد، و مبارزه توأم علیه هرگونه وابستگی و سازشکاری برای ادامه موجودیت خلق کرد و اعتلای مبارزات ضرورت حیاتی دارد. ما هنوز در سراغز مبارزه هستیم و در جستجوی صلح واقعی همچنان به مقاومت مسلحانه خود ادامه میدهیم. کاروان مبارزه به پیش میرود و در این راه تسلیم طلبان و فرصت طلبان از توده های انقلابی جدا میمانند و عدم همراهی خود را با سفسطه و جعلیات توجیه میکنند...."

بمب گذاری در مقابل مقرر کومله

یک کارتن بسته بندی شده مشکوک که بوسیله یک گازی، جلوی مقر کومله بر زمین گذاشته شده بود، منفجر شد و پنج تن از پیشمرگان را مجروح کرد. قدرت انفجار این بمب آنقدر شدید بود که تا شعاع ۱۰۰ متری تمام شیشه های منازل اطراف را شکست این توطئه جناح یگانه که روز ۱۴ مرداد اتفاق افتاد با تذکر بموقع مسئول نظامی مقر کومله و شهادت تحسین انگیز پیشمرگه ای که بسته را بغل کرده و آنرا به خیابان رساند، خنثی شد. بویژه که ساعت ارسال بسته، زمانی بود که بقیه در صفحه ۹

در پیشگاه خلق کرد سازشکاری محکوم است!

یورش ارتجاع به کتابفروشیهای مقابل دانشگاه تهران!

یورش سراسری رژیم جمهوری اسلامی روزبه روزاً بعبارت و معتبری مییابد. بعد از حمله به دکها و بساط و چاپخانه ها، بار دیگر حمله به کتابفروشیها و انتشارات به سر دستگی فاشیست معرب و ف و نماینده مجلس شورای اسلامی هادی غفاری آغاز شد. بعد از ظهر روز ۲۷ مرداد دجماقداران به مغازه ها و انبارهای بینگاههای انتشاراتی نگاه، علم، کار، باران، رزم و کاوش واقع در خیابان های جلودان دانشگاه تهران حمله کردند و تمام کتابها و نشریات انقلاب بی را مصادره کردند و ۲ نفر از انتشارات کاوش را نیز دستگیر نمودند.

وحشت رژیم جمهوری اسلامی از آگاه شدن توده ها، در زمانی که روزبه روز عده بیشتری از زیر بار توهم و اعتقاد دبه حکومت خلاصی می یابند، بحدی است که دیگر تحمل و جود هیچ نوشته و کتابی که حاوی اندیشه های علمی باشد و یا نوشته هایی که منافع خلق را بنیان کنند ندارد. یکبار همه وعده ها و وعیده ها در مورد آزادیها اساسی بفرا موشی سپرده شد و موج فشار و اختناق همه جا را فرا گرفته است. اینک همه نیروهای خلق برای حفظ دستاوردهای قیام بهمن ماه، در مقابل این موج فاشیستی ایستادگی میکنند و علیرغم همه فشارها، نشریات انقلابی چاپ و منتشر میشوند. ★

**فاجعه انفجار در
گچساران را، به
هم میهنان و بویره
بازماندگان
زحمتکش قربانیان
تسلیت میگوییم!**

مبارزه ضد امپریالیستی .
دوم - تضعیف و تخریب
جنبش مقاومت خلق کرد و تسلیم
در مقابل یورش وحشیانه
هیات حاکمه به بهانه مبارزه با
نفوذ مزدوران امپریالیسم و
رژیم بعث عراق در کردستان و با
شعار دروغین جلوگیری از جنگ
"برادر کشی" استقرار صلح
عادلانه .
سازمان چریکها (اکثریت)
بمنظور آماده کردن زمینه
افکار عمومی برای توجیه سیاست
تسلیم طلبانه خود در کردستان
از مدت ها قبل حمله به
نیروهای سهم در جنبش مقاومت
مست خلق کرد را آغاز کرده و سرا
بقیه در صفحه ۱۵

منطقه از جمله شیخ عزالدین حسینی و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) اعلامیه ای از سوی عزالدین حسینی منتشر شد که در آن عملکردهای سازمان چریکها در تمام طول جنگ مقاومت اول، جریانات هیئت نمایندگی خلق کرد و تحصن یکما هم مردم سنج را مورد بررسی قرار داد و علل اتهامات و دروغهای فریکاران سازمان چریکها (اکثریت) به نیروهای انقلابی را بیان کرده است. آنچه در این اعلامیه و توضیح این مواضع میتوانم مورد توجه نیروهای انقلابی و کمونیست قرار گیرد، قاطعیت و مواضع انقلابی یک شخصیت دموکرات در مقابل جنبش توده ای و عمق سازشکاری نیروبی است که خود را کمونیست و پیروما زکسیسم - لنینیسم میخوانند. در زیر بخشهای کوتاهی از این بیانیه را میخوانید:

□
"مردم مبارز و آزادیخواه سراسر ایران!
خلق ستمدیده و رزمنده کرد! اخیراً سازمان چریکهای فدایی خلق (اکثریت)، در ادامه موضعی که پیش از این به جنبش مقاومت خلق کرد دست به تبلیغات دامنه داری زده است. این تبلیغات اساساً در خدمت اهداف سیاسی آن سازمان است:
اول - نزدیکی با هیات حاکمه جمهوری اسلامی و تائید سیاستهای ضد خلقی و سرکوبگری آن به بهانه با اصطلاح



**اخبار
کردستان
قهرمان**

**اعلامیه
سید عزالدین حسینی**
درباره سیاست
"تاش به تال" گام به گام سازمان
چریکهای فدائی خلق
(اکثریت) در کردستان

بعلت سیاست های سازشکارانه و تسلیم طلبانه سازمان چریکها (اکثریت) در سراسر ایران و از جمله کردستان و در رابطه با اتهامات و قبحا نه به سازمان چریکها (اکثریت) به نیروهای انقلابی و کمونیست
* - "تاش به تال" یک اصطلاح سیاسی است به معنای تسلیم شدن و سلاح بر زمین گذاشتن و انحلال جنبش

**اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان نظام پوشیده
سرمایه داری وابسته را درهم خواهد گویید!**